

بشارت:

چگونه کلیسای خود
را بسیج کنید

چون می‌شوید و نزد یکدیگر آید و به
دهید. چه ندادند آنانی که پستهای
حمل می‌کنند و نزد خدایانی که پستهای
دهند، دعا می‌کنند. ۲۱ یا هم مشورت
می‌توانید دلیل بیاورید و ثابت کنید که پست
درستی است! غیر از من چه کسی گفته
در مورد کوروش عملی خواهد شد
خدایی نیست. من خدای عادل و نجات
دیگری نیست! تا حال کدام بت به
این وقایع رخ خواهد داد؟ ۲۲

رجه

کتاب مکمل "بنا کردن کلیسای پویا"

بشارت:

چگونه کلیسای خود را بسیج کنید

رندال ج. هیلبرند

(کتاب مکمل "بنا کردن کلیسای پویا")

صفحه کپی رایت

بشارت: چگونه کلیسای خود را بسیج کنید

کپی رایت © ۲۰۰۸، ۲۰۱۱ توسط رندال ج. هیلبرند. همه حقوق محفوظ است. هر گونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی نویسنده ممنوع است.

کتابخانه کنگره فهرست نویسی انتشار داده ها

شماره ثبت: TX 7-518-659

مگر در مواردی که ذکر شده است، تمام آیات از ترجمه شریف گرفته شده است.

طراح قالب جلد و آرم: آکسانا لیخونوس، DDD-Studio Design

تلفن: ۰۰۳۸۰۴۴۴۵۱۵۲۵۱

ایمیل: info@ddd.com.ua

وب سایت: www.ddd.com.ua

تقدیم به آنت همسر من، مادر چهار فرزند، شریک من در خدمت، همدم من در زندگی، کسی که قبل از ازدواج به من گفت، "من به دنبال تو به هر نقطه جهان خواهم آمد"، و او با من همواره همراه بوده است.

پیش گفتار

این کتاب مکمل اولین کتاب من، "بنا کردن کلیسایی پویا" می باشد. "بنا کردن کلیسایی پویا" به بسیاری از موضوعات لازم برای سلامت کلیسا، مانند مسائل مربوط به رهبری، اهداف، خدمت ها و غیره می پردازد. هر دو کتاب، برای کمک به رهبران کلیسا در کار خود در جهت بنا کردن کلیسای عیسی مسیح نوشته شده اند.

این کتاب، همانطور که از عنوان آن مشهود است، در مورد موضوع بشارت می باشد. با این حال، این کتاب در مورد تکنیک ها یا روش های بشارت صحبت نمی کند. کتاب های بسیاری و برنامه های متعددی در مورد چگونگی بشارت ایمان و چگونگی دفاع از ایمان مسیحی و غیره موجود می باشند، و بنابراین پرداختن به این مسائل هدف این کتاب نیست. هدف و نیت من این است که به رهبران کلیسا در جهت آماده سازی و بسیج کلیسای خود در راستای انجام بشارت کمک کنم. بنابراین این کتاب به عوامل بنیادی می پردازد که باید در کلیسا موجود باشند تا بشارت به یک واقعیت در حال انجام تبدیل شود.

از آنجا که این کتاب به طور گسترده ای به اهمیت کلام خدا و رابطه آن با بشارت می پردازد، برخی ممکن است فکر کنند که این کتاب بیشتر در مورد ضرورت آموزش و موعظه کتاب مقدس است تا در مورد بشارت. اگر چه این پاسخ قابل فهم است، لازم بود درباره اهمیت کلام خدا توضیحات جامعی داده شود زیرا این برای بسیج یک کلیسا کلیدی است. این دو موضوع به هم مرتبط هستند و نمی توان آنها را از هم جدا نمود.

باید در ذهن داشته باشید که هر چند در سراسر این کتاب من عمدتاً به شبان و مبشر، به عنوان رهبران کلیسا اشاره می کنم، این کار برای سادگی نوشتار صورت گرفته است. من معتقدم که کتاب مقدس اشاره دارد که کلیسا را گروهی از سرپرستان هدایت می کنند که شبان، و یا شبانان بخشی از آن هستند. اگرچه شبان و مبشر، با توجه به فراخوانی خاص خود نقش ویژه ای در کلیسا دارند (افسیان ۴: ۱۱)، با این حال، آنها با سرپرستان کلیسا خود همکار هستند. در قسمت ضمیمه، بخشی از یک فصل از کتاب "بنا کردن کلیسایی پویا" با عنوان، "خدمت تجهیز کننده شبان و مبشر" قرار داده شده است که به این موضوع می پردازد. لطفاً برای دیدن این فصل و توضیحات بیشتر به آن مراجعه کنید.

همچنین، در این کتاب، مبشر به عنوان یک موسس کلیسا تعریف شده است. درک من این است که کار مبشر نه تنها آوردن مردم به رابطه ای با مسیح است (اعمال رسولان ۸: ۲۶-۴۰)، همچنین در واقع تاسیس کلیساهایی جدید می باشد (کتاب مقدس به فیلیپس مبشر اشاره می کند؛ اعمال رسولان ۸: ۵-۸، ۱۲). بنابراین، در این کتاب، مبشر شخصی است که خدمت او سازماندهی کلیساهای جدید است.

اگرچه این کتاب برای مخاطبان گسترده ای تألیف شده است، در هنگام نوشتن، من همواره اتحاد جماهیر شوروی سابق را در ذهن داشتم. بنابراین اگر چیزی که من نوشته ام با پیش زمینه شما فرق دارد، این ممکن است به همین دلیل باشد. امید و دعای من این است که این کتاب در خدمت شما مفید واقع شود.

در نهایت، من می خواهم از آنت همسرم، برای ویرایش این کتاب تشکر کنم. با تشکر از تو برای سعی و کوشش خود برای ویرایش تک تک جزئیات و پشتکار تو در تکمیل این پروژه.



رندی و همسرش آنت، از سال ۲۰۰۱ در اوکراین زندگی می کنند و به رهبری سمینارهای آموزشی برای گروه های شبانان، سرپرستان، مبشران و همسران آنها می پردازند. رندی، به عنوان یک شبان سابق، می تواند در مورد چگونگی بنا کردن کلیسایی پویا و چگونگی بسیج کلیسا برای انجام بشارت در سراسر کشورهای اوراسیا آموزش های مفیدی را ارائه دهد. به عنوان همسر یک شبان سابق، آنت قادر به آموزش همسران رهبران کلیسا درباره موضوعات مختلف مورد علاقه آنها می باشد. رندی نیز به صورت آنلاین برای کسانی که می خواهند در مورد مسائل مربوط به کلیساهای خود با وی مشورت کنند در دسترس است.

نشانی:

رندی هیلبرند

صندوق پستی ۵۲

کیف، اوکراین ۰۲۱۷۵

تلفن: ۰۰۳۸۰۶۷۲۳۵۹۳۱۰

ایمیل: randy.hillebrand@crossworld.org

فهرست

- فصل ۱ - کلیسا: مرکز تجهیز ۷
- فصل ۲ - بشارت: جمع کردن، سپس پخش کردن! ۱۴
- فصل ۳ - بناگر: آماده کردن طرح اولیه ۱۸
- فصل ۴ - سکوی موعظه: همه چیز از اینجا شروع می شود! ۲۳
- فصل ۵ - مطالعه کتاب مقدس: نگاهی عمیق تر به کلام خدا ۲۶
- فصل ۶ - شاگرد: سپردن کار به کسانی که می توانند به دیگران آموزش دهند ۲۹
- فصل ۷ - کلیسا: نیازی برای هم رنگ شدن ۳۴
- فصل ۸ - گام بعدی: حرکت به جلو ۴۶

ضمیمه

- کلام خدا در خدمت کلیسایی ۵۳
- روش های مطالعه کتاب مقدس ۶۰
- چرا کثرت سرپرستان کلیسا؟ ۶۴
- درباره نویسنده ۶۷

فصل ۱

کلیسا: مرکز تجهیز

" ۱۱ او عطایای مختلفی به مردم بخشید یعنی: بعضی را برای رسالت، بعضی را برای نبوت، بعضی را برای بشارت و بعضی را برای شبانی و تعلیم برگزید. ۱۲ تا مقدسین را در کاری که برای او انجام می دهند مجهز سازد تا به این وسیله بدن مسیح را تقویت نمایند. ۱۳ تا ماهمه به آن وحدتی که در ایمان و شناسائی فرزند خداست دست یابیم و مطابق آن میزان کاملی که در مسیح یافت می شود به انسانیت کامل برسیم" (افسیان ۴: ۱۱-۱۳).

اهمیت درک نقش خود

چگونه یک شبان و مبشر (موسس کلیسا) نقش خود و نقش کلیسا را درک می کنند در نهایت چگونگی رشد کلیسای آنها را تعیین می کند. آیا آنها خود را به عنوان شبان، مدیران، افسر ارشد اجرایی، حاکمان، مدیران اجتماعی، و غیره می ببینید؟ دیدگاه آنها از کلیسای محلی چیست؟ آیا آن را محلی برای بشارت، سرگرمی، برنامه های اجتماعی، و غیره می پندارند؟ تا زمانی که نقش کتاب مقدسی خود را در نیابند، شبان و مبشر مسیحی نمی توانند بفهمند که کلیسای خود را به سمت هدف درست سوق می دهند یا خیر. پس نقش کتاب مقدسی شبان و مبشر چیست؟ نقش کتاب مقدسی کلیسا چیست؟

نقش کتاب مقدسی کلیسا

همانطور که از عنوان این فصل پیداست، کلیسا یک مرکز تجهیز است. کلیسا مکانی است که اعضای خود را در راستای خدمت تجهیز می کند. از سوی دیگر، کلیسا مکان سرگرمی، باشگاه اجتماعی، یک مرکز تفریحی، جامعه فلسفی یا فکری و یا یک سازمان بشردوستانه نیست. اگرچه یک کلیسا ممکن است شامل جنبه های مختلفی از این فعالیت های فوق را دارا باشد، کلیسا باید خیلی فراتر از همه از این چیزها باشد. به طور خاص، کلیسا یک ارگانیسم است که توسط خدا در راستای هدف تأثیر بر جهان اطراف برای مسیح طراحی شده است. این تنها زمانی اتفاق خواهد افتاد که در کلیسا اعضای آن برای انجام این کار آموزش دیده باشند. طراحی کلیسا توسط خدا منتطبق بر اول قرننننن ۱۲ نشان می دهد که چگونه این نقش باید برآورده شود.

" ۴ عطایای روحانی گوناگون است اما همه آنها را یک روح میبخشد. ۵ خدمات ما گوناگون است اما تمام این خدمات برای یک خداوند است. ۶ فعالیتهای ما نیز مختلف است اما یک خدا است که در همه عمل می کند. ۷ در هر فرد، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می کند، ۱۱ اما کلیه این عطایا کار یک روح واحد است و او آنها را بر طبق اراده خود به هر کس عطا می فرماید. ۱۲ بدن انسان واحدی است که از اعضاء بسیار تشکیل شده و اگر چه دارای اعضاء متفاوت می باشد، باز هم بدن واحد است و مسیح هم همینطور میباشد. ۱۳ پس همه ما خواه یهود، خواه یونانی، خواه برده، خواه آزاد بوسیله یک روح در یک بدن تعمید یافته ایم و همه از همان روح پر شده ایم تا از او بنوشیم" (آیات ۷-۴، ۱۱-۱۳).

شش جنبه مهم طراحی بدن مسیح توسط خدا برای تاثیر گذاری بر دنیای اطراف در زیر ذکر شده اند:

۱. انواع عطایای روحانی به اعضای آن داده شده است (۴، ۷، ۱۱)
۲. انواع مختلفی از خدمت ها ایجاد شده که از طریق آنها عطایای روحانی می توانند عمل کنند (آیه ۵)
۳. نتایج روحانی از طریق خدمت های مختلف و عملکرد عطایا بوجود می آیند (آیه ۶)
۴. خدا در توانمند سازی این فرآیند نقش دارد (آیه ۶)
۵. بدن متنوع است به طوری که در آن خدمت های متنوعی وجود دارد (آیه ۱۲-۱۳؛ ۱۴-۲۰، ۲۱-۲۶، ۲۷-۳۰)
۶. بدن یک (واحد) است به طوری که به عنوان یک واحد کار خواهد کرد (۱۲-۱۳، ۲۱-۲۶، ۲۷-۳۰)

طراحی بدن مسیح توسط خدا دارای یک هدف مشخص و خاص است. برای تحقق این هدف، همه ایمانداران توسط روح القدس تجهیز می شوند. ایمانداران باید از عطایای روحانی خود را به شیوه های مختلف و در خدمت های مختلفی بهره بگیرند. خدا وعده داده که در نتیجه ترکیب عطایا و خدمت ها تاثیر های بسزایی در زندگی افراد بوجود خواهند آمد. یکی از جنبه های این طرح که باعث می شود بدن مسیح بسیار موثر باشد، این واقعیت است که خدا آن را به طور متنوع، ولی همچنان متحد طراحی کرده است. به عبارت دیگر، توانایی هایی آن نامحدود است. این واقعیت مشهود است که خدا کل این فرایند را سبب می شود. در نتیجه چنین ارگانیسمی، اگر به درستی از سوی رهبران کلیسا آن تجهیز شود، می تواند تاثیر زیادی در جهان اطراف آن داشته باشد.

نقش شبان و مبشر

اگرچه بدن مسیح برای تاثیر بر جهان تشکیل شده، خدا شبانان و مبشرین را برای کار تجهیز اعضای بدن مقرر نموده است. نتیجه کار آنها منجر به "بنا شدن بدن مسیح" می شود. (افسیان ۴: ۱۱-۱۲). به این دلیل است که شبانان و مبشرین (که جزو سرپرستان کلیسا هستند) باید "قادر به آموزش و تعلیم" باشند. (اول تیموتائوس ۲: ۲؛ ۲: ۲۴؛ تیتوس ۱: ۹). توانایی آنها برای تدریس برای سلامت و طول عمر کلیسا بسیار حیاتی است و سلامت کلیسا با وحدت، بلوغ روحانی، درک درستی از کلام خدا، شبیه مسیح بودن، محبت و توانایی خود را برای همکاری با یکدیگر مشهود است (افسیان ۴: ۱۳-۱۶). بنابراین کار شبان و مبشر، دست یافتن به این نتایج است. آنها باید به کار خود با هدف بنا نمودن بدن مسیح ادامه دهند (اول پطرس ۳: ۵). آنها باید سخت مشغول به آموزش اعضای کلیسای خود باشند (اول تیموتائوس ۵: ۱۷) به طوری که آنها در دانش پسر خدا رشد کنند (افسیان ۴: ۱۳). کلیسا باید به بلوغ روحانی برسد و با شبیه مسیح شدن به بیشترین پتانسیل ممکن خود دست یابد تا فریب نخورده و گمراه نشود (افسیان ۴: ۱۳-۱۴). آنها باید به کار بنای کلیسا مشغول باشند تا از طریق محبت و فیض خداوند باعث رشد بدن شوند (افسیان ۴: ۱۵-۱۶). در نتیجه، برای اینکه این صورت گیرد، پولس در افسسیان ۴: ۱۱-۱۲ اظهار داشت، این مسئولیت شبان و مبشر است (برای توضیحات بیشتر افسسیان ۴: ۱۱-۱۶، لطفاً به فصل ۳ نگاه کنید).

خدمت تعلیم در کلیسای اولیه بسیار مهم بود و رسولان بصورت پایدار به این کار متعهد بودند. در اعمال رسولان ۲: ۴۲، بلافاصله بعد از شروع کلیسا آمده است:

"آنان همیشه وقت خود را با شنیدن تعالیم رسولان و مشارکت برادرانه و پاره کردن نان و دعا می گذرانیدند."

با توجه به اهمیت این خدمت، رسولان از همان ابتدا به آموزش ایمانداران مشغول بودند. بعد از آن در اعمال رسولان ۴:۶ آمده است که هنگامیکه در درون کلیسا در رابطه با تأمین زنان بیوه مشکل به وجود آمد، رسولان در رابطه با نظارت بر این خدمت گفتند: "از میان خودتان هفت نفر از مردان نیک نام و پر از روح القدس و با حکمت را انتخاب کنید..." (اعمال رسولان ۳:۶)؛

"و اما ما وقت خود را صرف دعا و تعلیم کلام خدا خواهیم نمود" (آیه ۴).

این مهم است، زیرا آنها بیان کردند که به عنوان رهبران کلیسا در اورشلیم، این خدمت اصلی آنها بود. به عبارت دیگر، این همان کاری بود که آنها اکثر وقت خود را بدان اختصاص دادند.

آموزش کلام خدا اهمیت زیادی برای پولس رسول نیز داشت. وقتی پولس در قرنتس بود، لوقا نوشت که او به مدت یک سال و نیم به آموزش کلام خدا مشغول بود (اعمال رسولان ۱۸:۱۱)، و زمانی که او در افسس بود لوقا نوشت:

"۸ پولس به کنیسه رفت و مدت سه ماه در آن شهر با شهادت تمام صحبت می کرد و با استدلال گفتگو مینمود و میکوشید که شنوندگان را در مورد پادشاهی خدا متقاعد سازد. ۹. اما عده ای از آنان سنگدل بودند و ایمان نمی آوردند و برعکس، از طریقه الهی پیش مردم بدگویی می کردند. بنابراین پولس از آنان کناره گیری کرد و شاگردان را به جای دیگری برد و همه روزه در تالار سخنرانی طیرانس مجلس بحث بر پا می کرد. ۱۰. این برنامه به مدت دو سال ادامه داشت و نتیجه آن این شد که جمیع ساکنان استان آسیا اعم از یهودی و یونانی پیام خداوند را شنیدند" (اعمال رسولان ۱۹:۸-۱۰).

پولس، پس از سه ماه تدریس در کنیسه، به مدرسه طیرانس رفت، جایی که او به شاگردانی از افسس و آسیا آموخت. یکی از دستنوشته های یونانی اظهار می دارد که اجاره این سالن سخنرانی از ساعت ۱۱:۰۰ صبح تا ۴:۰۰ بعد از ظهر، زمانی که اکثر مردم به ناهار و چرت زدن می پرداختند در دسترس بود. تصور بر این است که احتمالاً این مربوط به زمانی است که در طی آن پولس تدریس می کرد.^۱ این البته گرمترین زمان روز بوده است، ولی با این وجود، پولس با جدیت مشغول به کار آموزش، تعلیم و بنای بدن مسیح بوده است.

جدیت درک این نقش ها

درک نقش شبان، مبشر و همچنین نقش کلیسا، یک مسئله جدی است. دلیل اهمیت آن این است که یک روز شبانان و مبشرین باید درباره چگونگی هدایت کلیسای خود پاسخگو باشند. اندرز مهمی درباره این واقعیت در اول قرن نینا ۳ یافت می شود.

در آنجا پولس رسول در مورد کلیسا و رشد آن سخن می گوید. او درباره خود گفت که او پایه کلیسا که همان مسیح است را گذاشته بود (۱۰-۱۱ آیه)، و کار رسولان و انبیا موعظه و تعلیم است (افسیان ۲:۱۹-۲۰). در آیه ۱۰ پولس با اشاره به مرد دیگری گفت که "دیگری"، "در حال ساخت بر روی آن است." این مرد چه کسی بود؟ از آنجا که پولس تنها از یک فرد یاد می کند، به نظر می رسد که این مربوط به شبان کلیسا است. خدمت این مرد بنای کلیسا بر پایه مسیحی که پولس آن را نهاده بود (درباره کار شبان، به افسسیان ۴:۱۱-۱۶، اول پطرس ۵:۲-۳ نگاه کنید). پولس در آیه ۱۰ گفت: از آنجا که این چنین کار مهمی که این مرد انجام شده بود: "اما هر فرد باید مراقب باشد که چگونه او بر روی آن را می سازد." او پس از آن در آیات ۱۲-۱۵ ادامه می دهد و می گوید:

۱- والورد ج. ف. و زاک ر. ب. و سمیناری الهیاتی دالاس (۱۹۸۳-۱۹۸۵). تفسیر انجیلی از ویتون ال، کتاب های ویکتور.

"۱۲ بعضی ها وقتی روی آن شالوده بنائی می سازند ، طلا و نقره و سنگهای عالی بکار می برند و اشخاص دیگر از چوب و گیاه و کاه استفاده می کنند . ۱۳ ولی چگونگی کار هر کس آشکار خواهد شد زیرا روز داوری آنرا ظاهر خواهد ساخت ، چون آن روز با آتش همراه خواهد بود و آتش کیفیت کار همه را می آزماید و ماهیتش را نشان می دهد . ۱۴ اگر آنچه را که آدمی بر روی آن شالوده ساخته است از آتش سالم بیرون آید ، آن شخص پاداش خود را خواهد یافت . ۱۵ اما اگر کارهای دست او سوخته شود پاداش خود را از دست خواهد داد ، ولی خود او نجات خواهد یافت ، مانند کسی که از میان شعله های آتش گذشته و نجات یافته باشد."

از کلمات پولس روشن است که اینکه چگونه یک شبان یا مبشر کلیسا را بنا می سازد بسیار مهم است. بنابراین پولس می خواست بنا کنندگان کلیسا در قرن‌تس این واقعیت را در نظر بگیرند، زیرا که چگونه آنها بدن مسیح را بنا می کنند روزی چگونگی دریافت را پاداش از مسیح را تعیین می کند. این آیات به وضوح بیان می دارد که به اندازه کیفیت کار خود پاداش دریافت می شود. اگر کیفیت کار پایین باشد، "پاداش خود را از دست خواهد داد، ولی خود او نجات خواهد یافت" (آیه ۱۵). چه کسی در پایان سال های بسیاری خدمت می خواهد مقابل مسیح ایستاده برای خدمات خود پاداش کمی یا حتی هیچ پاداشی دریافت نکند؟ من فکر می کنم هیچ کس. بخاطر این است که چرا شبان و مبشر نیاز به درک صحیحی از نقش خود و نقش کلیسا در زندگی اعضای خود دارند. درک نکردن این به اعضای کلیسا و خود آنها صدمه می زند.

پولس پس از آن نصیحت دیگری به کلیسای قرن‌تس می دهد:

۱۶ آیا نمی دانید که شما خانه خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است ؟ ۱۷ اگر کسی خانه خدا را آلوده سازد خدا او را تباه خواهد ساخت زیرا خانه خدا باید پاک و مقدس باشد و آن خانه شما هستید" (اول قرن‌تس ۳: ۱۶-۱۷).

این آیات همچنان بحث پولس درباره کلیسا را ادامه می دهند. این مهم است که درک شود که این آیات درباره بدن فیزیکی ایمانداران سخن نمی گویند. وقتی پولس گفت: "آیا شما نمی دانید که شما معبد خدا هستید،" کلمه "شما" در فرم جمع بکار برده شد. به عبارت دیگر، پولس همچنان به صحبت به ایمانداران به عنوان یک کل، که کلیسای قرن‌تس را تشکیل می دهند مشغول بود. به عنوان یک کلیسا، پولس به آنها می گوید، "معبد خدا"، معبدی مقدس است که در آن روح القدس ساکن است (افسیسیان ۲: ۱۹-۲۲). اگر کسی بخواند این معبد را از بین ببرد "خدا او را از بین می برد."

اگرچه برخی بر این باورند که تنها معلم دروغین می تواند کلیسا را نابود سازد، این در این آیات بیان نشده است. این واقعیت در آیه ۱۷ در این کلمات دیده می شود: "اگر شخصی". این سخن نه تنها شامل غیر ایمانداران، بلکه ایمانداران نیز می شود. در واقع، زمانی که این کلمات در رابطه با زمینه قبلی (۱۰-۱۵) مشاهده می شود، آیه ۱۷ هشدار می دهد نه تنها برای غیر ایمانداران، بلکه برای ایمانداران نیز هست. مشکلی که ممکن است در رابطه با این تفسیر برای برخی بوجود آید این است که در این آیه خدا می گوید که او کسی که "معبد خدا را از بین می برد" را "نابود" می سازد. آیا خدا در واقع یک ایماندار واقعی را از بین می برد؟

در ابتدا، مهم است که به یاد داشته باشید که فعل "نابود ساختن" (*phtheiro*)، هرگز در عهد جدید در اشاره به فرستادن کسی به جهنم یا تخریب ابدی استفاده نشده است. با این حال، به عملی در آینده اشاره دارد که توسط خدا انجام خواهد شد. در واقع این کلمه معنایی از نابودی و فساد را به همراه دارد، و این تنها جایی در عهد جدید است که در آن دو بار "از بین بردن" ترجمه شده است. بنابراین هر کس معبد را از بین می برد، این احتمال وجود دارد که از طریق توهین و فساد از طریق اعضای آن باعث این کار خواهد شد. با این فرد خدا در آینده با جدیت برخورد خواهد کرد. چه هنگامی در آینده این رخ خواهد داد را پولس اشاره نمی کند. این می تواند در طول عمر این شخص و یا در ابدیت رخ دهد. برای ایماندار در زندگی دنیوی می تواند قضاوتی سخت را به همراه داشته باشد که در عهد جدید به آن اینگونه اشاره شده است: تخریب بدن او (اول قرن‌تس ۵: ۵)، اول تیموتائوس ۱: ۱۹-۲۰) رد صلاحیت از خدمت (اول قرن‌تس ۹: ۲۴-۲۷). مشکلات مربوط به سلامتی، از جمله مرگ (اول قرن‌تس ۱۱: ۳۰، اول یوحنا ۵: ۱۶-۱۷)، و یا نابودی ایمان در نتیجه اقدامات خود (اول تیموتائوس ۱: ۱۹-۲۰). پیامدهای پس از مرگ برای چنین ایماندار شامل از دست دادن پاداش های ابدی (اول قرن‌تس

۱۳:۳، ۱۵) خواهد بود. در مورد یک غیر ایماندار، قضاوت ابدی او مجازات در دریاچه آتش برای ابد است. مزامیر ۱۲:۶۲؛ مرقس ۱۲:۴۰؛ رومیان ۲:۵-۶؛ مکاشفه ۲۰:۱۲).

با توجه به این واقعیت که آیات ۱۶ و ۱۷ به ایماندار، شبان، مبشر و دیگر رهبران کلیسا اشاره می کند، آنها باید مراقب باشند که اعمال و یا آموزه های آنها به هیچ وجه کلیسای خدا را بی حرمت، فاسد و یا نابود نکند. عبرانیان ۱۰:۳۰-۳۱ ایمانداران هشدار می دهد:

" ۳۰ زیرا ما می دانیم آن که گفت: « انتقام از آن من است، من تلافی خواهم کرد » و « خداوند قوم خود را داوری خواهد نمود » کیست ۳۱. چه هولناک و مخوف است افتادن در دستهای خدای زنده! "

اهمیت کلام خدا در برنامه خدا

برای اینکه کلیسا یک مرکز تجهیز برای رهبران آن باشد، باید اهمیت کلام خدا در برنامه خداوند درک شود. قبل از اینکه شبانان و مبشرین از کلام خدا استفاده کنند، آنها باید اهمیت واقعی آن را در خدمت خود درک کنند. دلیل اینکه رسولان قادر به اختصاص وقت خود به کلام خدا و آموزش آن بودند این بود که آنها درک نموده و مطمئن بودند که کلام خدا:

- بی خطا است (اعداد ۱۹:۲۳؛ دوم تیموتائوس ۱۶:۳؛ یوحنا ۱۷:۱۷؛ یوحنا ۱۴:۲۶؛ غلاطیان ۱۶:۳)
- الهام شده است (دوم تیموتائوس ۱۶:۳-۱۷؛ دوم پطرس ۱:۲۰-۲۱)
- تغییر ناپذیر است (متی ۱۸:۵)
- فنا ناپذیر و زنده است (اشعیا ۴۰:۸؛ اول پطرس ۱:۲۳)
- موثر و برای کار خود کافی است، دارای قدرت کافی برای به انجام رساندن همه خواسته های خدا می باشد (اشعیا ۵۵:۱۰-۱۱)
- نافذ است و باعث می شود که شخص نگاه ژرفی به افکار و نیات خود بکنند (عبرانیان ۴:۱۲)
- قادر به ایجاد تحول در زندگی غیر ایمانداران است (اول پطرس ۱:۲۲-۲۵؛ اعمال رسولان ۲:۳۷-۳۸)
- قادر به تجهیز افراد برای خدمت به خداست (دوم تیموتائوس ۱۶:۳-۱۷)
- قادر به پاک کردن و تقدیس ایماندار، در نتیجه نو کردن ذهن، و رساندن شخص به بلوغ روحانی است (یوحنا ۱۷:۱۷؛ افسسیان ۵:۲۵-۲۷؛ رومیان ۱۲:۱-۲؛ افسسیان ۴:۲۳)
- قادر به آوردن موفقیت به کسانی است که مطیع آن هستند (یوشع ۸:۱)
- شمشیر یک ایماندار و دفاع او در برابر شیطان است (افسسیان ۶:۱۱-۱۳، ۱۷؛ متی ۴:۷، ۴:۴، عبرانیان ۴:۱۲)
- منبع حکمت و دانش است (مزامیر ۱۰:۱۱۱، ۱۳۰، ۱۰۴:۱۱۹)
- قادر به نگه داشتن راه پاک ایماندار است (مزامیر ۱۱۹:۹-۱۱)
- نور برای مسیر یک شخص چراغی جلوی پای او می باشد (مزامیر ۱۱۹:۱۰۵)

برای اطلاعات بیشتر در مورد این موضوع، به فصلی با عنوان "کلام خدا در خدمت کلیسای" در ضمیمه مراجعه کنید.

با دانستن این چیزها در مورد کلام خدا، خادم کلام باید وظیفه خود را با اعتماد به نفس انجام دهد. او باید بداند که شمشیر روحانی قادر به انجام این کار است. او باید به یاد داشته باشد که خداوند آن را برای به انجام رساندن وظیفه ای که به او محول شده است استفاده می کند، حتی اگر خادم انجیل نتیجه اقدامات خود را نبیند. همچنانکه او خدمت می کند، خدای پدر، خدای پسر و خدا روح القدس با او در انجام وظیفه حضور دارند (اول قرنیتان ۱۲: ۴-۷).

دستور به استفاده از کلام خدا

شبان و میسر نیز باید درک کنند که کلام خدا ابزار اصلی در مرکز تجهیز یا کلیسا است. از طریق آموزش از کلام خدا است که مردم حقیقت، حکمت، نیازها و مسئولیت های خود، از جمله مسئولیت خود را در بشارت یاد می گیرند. بنابراین مرد خدا، با استفاده از کتاب مقدس و قدرت روح القدس، مردان، زنان و کودکان را در ایمان خود در کلیسا را در حال پیشروی می بیند، و رشد در اطاعت از کلام خدا و تبدیل شدن به شاگردان بارور را نظاره گر خواهد بود. اگر او این کار را نکند، نتایج به حداقل خواهند رسید.

بنابراین شبانان و میسرین نه تنها باید بیان کنند که کلام خدا مهم است، آنها باید آن را از طریق اقدامات خود نشان دهند. شبانی که اهمیت و قدرت کلام خدا را می بیند سعی و کوشش زیادی به خرج می دهد تا کلام حقیقت را بدرستی دریابد (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵). او با ایمان به هر جنبه ای از خدمت خود وارد می شود. عبرانیان ۶: ۱۱ می گوید: "و بدون ایمان محال است که انسان خدا را خوشنود سازد، زیرا هر کس به سوی خدا می آید باید ایمان داشته باشد که او هست و به جویندگان خود پاداش می دهد". واعظ و معلم کلام خدا باید برای موعظه و تدریس در ایمان بدون هیچ گونه شکی آماده باشد، زیرا چنین شخصی از خدا پاداش خواهد گرفت.

خدا نیز به کسانی که با پشتکار آموزش کلام می دهند پاداش می دهد. این همان چیزی است که در زندگی عزرا دیده می شود. در عزرا ۷: ۶، ۹-۱۰ آمده است:

" ۶ عزرا شخصی بود فاضل و دارای دانش عمیق در شریعت، که خداوند، خدای اسرائیل به موسی داده بود. چون عزرا از برکت خداوند خدای خود، برخوردار بود، شاهنشاه هرآنچه را که او درخواست می کرد به او می داد. ۹ و با یاری خدا در روز اول ماه پنجم وارد اورشلیم شدند. ۱۰ عزرا تمام زندگی خود را در مطالعه شریعت خداوند، اجرای آن و تعلیم تمام دستورهای آن به مردم اسرائیل صرف کرده بود."

عزرا دانستن، مطالعه و آموزش کلام خدا در اسرائیل را مشتاقانه دنبال می کرد. در نتیجه این تلاش بود که او فرامین را به خوبی درک می کرد. این مهم است، چرا که به عنوان نتیجه ای از تلاش های او، "دست خداوند، خدای خود بر او بود" خدا روشن ساخت که او عزرا را به سه دلیل انتخاب کرد. به عبارت دیگر، خدا کسانی که تلاش جدی انجام می دهند برکت می دهد. به همین دلیل، شبان و مبشر باید دانش خوبی از کلام خدا داشته باشند. آنها، به مانند عزرا، نیاز به وقف قلب خود به مطالعه کلام خدا دارند. این باعث به دست آوردن تجربه با خدا در وقایع روزمره زندگی می شود. این نیز به آنها کمک می کند تا یاد بگیرند چگونه از کلام خدا در زندگی و خدمت خود استفاده کنند. از طریق این چیزها آنها به شناخت بهتری از خدا و کلام او دست می یابند و قادر خواهند بود کلام او را دقیق تر به دیگران تعلیم دهند. بنابراین آنها نه از روی تئوری و یا حدس و گمان تعلیم می دهند، بلکه از برخوردهای واقعی با خدای زنده و روشنایی کلام او یاد گرفته و تعلیم می دهد. خداوند می خواهد از چنین مردانی استفاده کند. خدا گوسفندان خود برای مراقبت روحانی تغذیه و هدایت در اختیار چنین مردانی قرار می دهد. پولس اهمیت چنین مردانی را با کلمات خود را در اول تیموتائوس ۵: ۱۷ بیان می کند، که "رهبرانی را که به خوبی رهبری می کنند مخصوصاً آنانیکه در وعظ و تعلیم زحمت می کشند باید مستحق دریافت مزد دو برابر دانست".

برای اطلاعات بیشتر در مورد این موضوع، به فصلی با عنوان "کلام خدا در خدمت کلیسای" در ضمیمه مراجعه کنید.

با در اختیار چنین ابزار قدرتمند و ضروری مانند کلام خدا، شبان و مبشر باید مطمئن شوند که از آن در هر جنبه ای از خدمت های خود به کمال بالقوه استفاده می کنند. برای این کار آنها نیاز به تدوین و برنامه ریزی استراتژیک برای کلیسا خود دارند تا از طریق آن بتوانند مطمئن شوند مقدسین را قبل از هر چیز برای خدمات تجهیز می کنند. به همین دلیل "منتهای کوشش خود را بکن تا مانند کارگری که از کار خود خجل نیست و پیام حقیقت را بدرستی تعلیم می دهد در نظر خدا کاملاً مورد پسند باشی" (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵).

فصل ۲

بشارت: جمع کردن، سپس پخش کردن

"۱۴ اما اگر به او ایمان نیاورده اند چگونه می توانند به او روی آورند؟ و چگونه می توانند به کسی ایمان آورند که درباره او چیزی شنیده اند؟ و چگونه می توانند بدون حضور کسی که آن پیام را اعلام کند چیزی بشنوند؟ ۱۵ و آنها چگونه می توانند پیام را اعلام کنند اگر برای این کار فرستاده نشده باشند؟ چنانکه کتاب مقدس می فرماید: چه خوش است قدمهای کسانی که بشارت می دهند. ۱۶ اما همه، آن بشارت را نپذیرفتند زیرا خود اشعیاء می فرماید: خداوند چه کسی پیام ما را باور کرده است؟ ۱۷ پس ایمان از شنیدن پیام پدید می آید و پیام ما کلام مسیح است" (رومیان ۱۰: ۱۴-۱۷).

توضیحی درباره این اصل

همانطور که در فصل یک بحث شد، کلیسا یک مرکز تجهیز است. کلیسا جایی است که افراد از طریق کلام تجهیز می شوند و می توانند بر جهان اطراف تاثیر بگذارند. همانگونه که آیات فوق می گوید چگونه می توانند افراد ایمان بیاورند مگر اینکه بشنوند و چگونه بشوند مگر اینکه واعظی برای آنها موعظه کند؟ شبان و مبشر باید با این درک بشارت را انجام دهند. آنها همچنین باید افراد را آماده کنند تا پیام نجات را به دیگران برسانند؛ این برنامه خداوند است. رهبران کلیسا نباید انتظار داشته باشند که ایمانداران در کلیسا سرگردان باشند.

رهبران کلیسا همچنین باید درک کنند که کلیسا مکانی نیست که از امکاناتش تنها برای بشارت استفاده شود. به عبارت دیگر، کلیسا نباید جایی باشد که افراد به طور دائم مردم غیر ایماندار را می آورند تا رهبران کلیسا به آنها بشارت دهند. این باید کار اعضای کلیسا باشد. آیا این بدین منظور است که کلیسا نباید کارهای بشارتی داشته باشد؟ خیر. زمانهای خاصی از سال مانند کریسمس، عید پاک و غیره وجود دارند که می توان از آنها برای بشارت استفاده کرد. از این زمانها کلیسا باید به نحو احسن استفاده کند. نکته این است که بشارت نباید هدف پرستشی کلیسا باشد. کلیساهایی که مرکز تجهیز هستند، در طول هفته زمانهای استراتژیکی را برنامه ریزی می کنند. بعضی از آن زمانها برای بشارت اختصاص می یابند. مبشر یا شبانی که این را به خوبی درک می کند، از آن استفاده کرده و به دیگران از طریق کلام خداوند آموزش می دهد. زمانی که برای جلسه کلیسایی جمع می شوند، آنها اعضای خود را پخش می کنند تا به خدمت به دیگران مشغول شوند. زمانی که افراد پخش می شوند آنها هدفی مشخص دارند و باید هدف را به خاطر داشته باشند که همان بشارت به غیر ایمانداران است. درک کلیسا باید با متی (۱۹: ۲۸) مطابقت داشته باشد.

"پس بروید و همه ملتها را شاگرد من سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید".

فرمانی که در این آیه آمده است شاگردسازی است، که به معنای دیگر، به آوردن مردم به سمت عیسی مسیح اشاره دارد (به اعمال ۲۱: ۱۴ رجوع شود).

لغت یونانی که به معنای "رفتن" در این آیه آمده است، معنای "بعد از رفتن" دارد. به عبارت دیگر، منظور عیسی این است که بعد از رفتن از نزد من، شاگردسازی کنید. یعنی شاگردان اول به سمت عیسی آمدند و در کنار او جمع شدند و سپس در اطراف پخش شده و پیام او را رساندند. این آیه تصویر واضحی از کلیسا و بشارت را در بر دارد. زمانی که اعضای آن جلسات را ترک می کنند، آنها باید به دنبال بشارت به غیر ایمانداران باشند. هدف کلیسا باید رساندن انجیل به غیر ایمانداران و تاسیس کلیساهای جدید باشد. هدف کلیسا نباید جمع کردن اعضا در کلیسا برای بشارت، بلکه آماده سازی اعضا برای بشارت در خارج از کلیسا باشد. تعالیمی که اعضای کلیسا دریافت می کنند باید در خارج از کلیسا در راستای رساندن مژده به غیر ایمانداران صورت گیرد.

تعلیم - بنیاد این اصل

هنگامی که ما این اصل را بهتر درک می کنیم، باید سخنان پولس در اول تیموتائوس ۴ را در نظر بگیریم. در آنجا پولس به تیموتائوس درباره مسئولیت های شبان نوشت:

"۱۳ و تا موقع آمدن من وقت خود را صرف موعظه و تعلیم و قرائت کلام خدا برای عموم بنما. ۱۴ نسبت به عطیه روحانی خود بی توجه نباش - عطیه ای که در وقت دستگذاری تو به وسیله رهبران کلیسا همراه با نبوت آنها به تو داده شد. ۱۵ این چیزها را به عمل آور و خود را وقف آنها بساز تا پیشرفت تو برای همه معلوم گردد. ۱۶ مراقب خود و تعالیمت باش و در انجام این کارها همیشه کوشش کن چون به این وسیله هم خود و هم آنانی را که به تو گوش می دهند نجات خواهی داد" (اول تیموتائوس ۴: ۱۳-۱۶).

پولس روشن ساخت که هدف تیموتائوس باید تعلیم کتاب مقدس باشد. در این چند آیه، پولس ۵ بار به کلام خدا رجوع می کند:

- توجه کن (آیه ۱۳)
- خود را وقف آن بساز (آیه ۱۵)
- کوشا باش (آیه ۱۶)
- مراقب باش (آیه ۱۶)
- همیشه مشغول انجام این کارها باش (آیه ۱۶)

پولس رسول روشن می سازد که خدمت کلام خدا بسیار مهم است. تمرکز اصلی شبان و مبشر باید بر روی آن باشد. در دوم تیموتائوس ۴ آخرین ارتباط پولس با تیموتائوس پیش از شهادت او برقرار می شود. در آنجا پولس می گوید:

"۱ در پیشگاه خدا و در حضور مسیح عیسی که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد و به خاطر ظهور و پادشاهی او تو را موظف می سازم ۲ که پیام را اعلام کنی. در وقت و بی وقت آماده کار باش و دیگران را متقاعد و توبیخ و تشویق کن و با صبر و شکیبایی تمام تعلیم بده" (دوم تیموتائوس ۴: ۱-۲).

این همان چیزی بود که تیموتائوس به عنوان شبان در کلیسای افسس انجام می داد. او همواره باید آماده می بود تا کلام خداوند را تعلیم داده و مطالعه کند. تعلیم صحیح کلام خدا تنها زمانی صورت می گیرد که شخص با آن وقت صرف کند. در آیه ۵ تیموتائوس تشویق شد.

از کلمات پولس مشهود است که تیموتائوس نه تنها باید در کار تعلیم کلام خدا شرکت می نمود، بلکه باید وظایف یک مبشر را نیز انجام می داد. حال وظایف یک مبشر چه بود؟ وظایف یک مبشر رساندن مژده نجات مسیح به دیگران با هدف تاسیس کلیساهای جدید بود. این همان چیزی است که کتاب مقدس به کار فیلیپس مبشر در اعمال رسولان ۸: ۵-۸ اشاره دارد. در واقع این همان کاری است که پولس می خواست که تیموتائوس و کلیسای او مشغول انجام آن باشند.

کار اصلی مبشر تجهیز افراد برای خدمت است (افسیان ۴: ۱۲). این امر از طریق تعلیم کلام خدا و فرایند شاگرد سازی امکان پذیر است. زمانی که شبانها و مبشرین وقت کافی برای افراد می گذارند این امر امکان پذیر می شود. این همان کاری است که اعضا را آماده می کند تا از عطاهای روحانی خود استفاده نموده، خدمت کرده و در نتیجه آن کلیسا رشد کمیته و روحانی را خواهد دید.

مزایای اصل جمع کردن و پخش کردن

دلایل متعددی وجود دارد که چرا درک نقش کلیسا بسیار سودمند است. احتمالاً بزرگترین منفعت آن این است که بدون توجه به موقعیت جغرافیایی و شرایط، کلیسا قادر به جمع و پخش کردن افراد می شود.

برای مثال مهم نیست که کلیسا:

- در شهر یا روستا و یا مکان کم جمعیتی واقع شده باشد
- تحت جفا، در اقتصادی خراب، در میان افرادی که به مسیحیت بها نمی دهند و یا با قوانین سخت حکومت مواجه باشد
- در فرهنگی واقع است که افراد مهمانان ناخوانده و یا غریبانی که در خیابان برای صحبت توقف می کنند را نمی پذیرند
- فقیر است و قادر به خرج و تبلیغ با مبالغ بالا نمی باشد

کلیسا بعد از اینکه جمع می کند، سپس پخش می کند و اعضای آن پراکنده شده و مژده بشارت را به دیگران می رسانند. اعضا می توانند با افرادی که در زندگی خود رابطه دارند، مانند همسایگان، خویشاوندان و همکاران و آشنایان صحبت کنند. آنها همچنین می توانند با کسانی که رابطه ای خاص ندارند رابطه برقرار کرده و مژده را به ایشان برسانند. این افراد می توانند در اتوبوس و یا محل کار و یا جاهای مختلفی باشند. تصور کنید اگر ۵۰٪ اعضای کلیسای محلی یا شاید ۷۵٪ از آنها این کار را انجام می دادند چه نتایج عظیمی به دست می آمد؟ اگر افراد مختلف عیسی را می شناختند، چه نتایجی به دست می آمد؟

اگر یک قدم به جلوتر برداریم، زمانی که افراد جدیدی به خاطر پراکنده شدن اعضای کلیسا و رساندن مژده به آنها نجات ایمان می آورند، این فرایند دوباره تکرار می شود. زیرا نوایمانان دوباره جمع شده و آموزش داده می شوند و سپس پخش می شوند و بشارت می دهند. آنها به چه کسی بشارت خواهند داد؟ البته منطقی است که آنها به حیطه زندگی خود بازگشته و به افرادی که شاید دیگر افراد کلیسا به آنان دسترسی ندارند بشارت می دهند. افرادی که شاید در روستاها، شهرها و کشورهای دیگر باشند. در نتیجه چنین فرایند کلیسایی، فرصت برای پخش کلام خداوند همواره به وجود آمده و نتایج آن بی پایان است.

راه دیگری برای برقراری ارتباطی بیشتر در جهت بشارت، راه یافتن به گروه های محلی می باشد. برای اینکه این امر تحقق یابد، رهبران کلیسا می توانند اعضای کلیسای خود را تشویق کرده تا در خانه های سالمندان، بیمارستانها، یتیم خانه ها، زندانها، مدارس و جشن های محلی به صورت داوطلبانه شرکت کنند. از این طریق رابطه و تماس کلیسا با افراد گسترش یافته و فرصت را برای بشارت به آنها می دهد. یکی از آشنایان من در کشوری زندگی می کند که بشارت به افراد زیر ۱۸ سال غیر قانونی است. بنابراین او برنامه ورزشی را برای جوانان در شهر تدارک دیده است. از این طریق، او با جوانان و والدین آنها آشنا می شود. زمانی که آن بچه ها به سن ۱۸ سال می رسند، او با آنها رابطه خوبی دارد و می تواند مژده نجات را به ایشان برساند. زمانی که او بچه های زیر ۱۸ سال را در خیابان می بیند، ایشان را به برنامه های ورزشی دعوت می کند. به همین خاطر افرادی که در اطراف او زندگی می کنند او را دوست دارند و احترام می کنند. روزی یک غیر ایمانداران که به خاطر مسیحی بودن او از وی متنفر بود، تلاش کرد مشکل برایش ایجاد کند. اما همسایه دیگرش که او را دوست دارد و احترام می کند، جلوی آن فرد ایستاد. بنابراین چنین روش هایی می توانند نتایج ثمربخشی داشته باشند.

دلیل دیگری که چرا اصل جمع کردن و پخش کردن مهم می باشد این است که اعضای کلیسا یاد می گیرند تا بشارت دهند. آنها یاد می گیرند به افرادی بشارت دهند که شاید هرگز به کلیسا قدم نگذارند. بنابراین اعضای کلیسا فرصتی پیدا می کنند تا با مردمی صحبت کنند که واعظ یا مبشر فرصت موعظه به آنها را نمی یابد.

روش اصلی بشارت

آیا این بدین معنا است که کلیساها نباید دنبال روش های دیگری به غیر از جمع یا پخش کردن باشند؟ خیر. روش های دیگری نیز وجود دارند که می توانند ثمربخش باشند. کلوپ های انگلیسی بشارتی، بشارت در خیابان، بشارت برای خانواده ها و فرزندان شان و غیره تماما راه های خوبی برای رساندن مژده نجات می باشند. کلیسا باید همچنین خلاقانه راه های خوب دیگری را برای رساندن مژده به کار گیرد. البته روش اصلی بشارت باید بسیج اعضای که آموزش دیده شده اند تا با نزدیکان خود صحبت کنند باشد. زمانی که این روش در کلیسا دائما به کار گرفته می شود، بشارت همیشه در جریان است هر هفته و شاید هر روز صورت گیرد. مزایای این روش بشارت این است که نیازی به انتظار کشیدن برای موقعیتی خاص نیست، بلکه هر روزه و در هر زمان، افراد کلیسا با آشنایان خود نشسته و درخواست کرده و بشارت می دهند. شاید یک کلیسا تمام منابع را برای بشارت سراسری نداشته باشد، به خاطر همین است که وقتی اعضای آن تک تک بشارت می دهند، این ثمربخش تر است.

حال چگونه یک کلیسا می تواند به مرکز تجهیز تبدیل شده و اعضای خود را قبل از پخش شدن جمع کند. چهار فصل بعدی در مورد این صحبت می کنند.

فصل ۳

بناگر: آماده کردن طرح اولیه

"۱۹ پس شما غیر یهودیان دیگر غریب و بیگانه نیستید بلکه با مقدسین خدا هموطن و اعضاء خانواده خدا هستید. ۲۰ شما بر شالوده ای که بدست رسولان و پیامبران نهاده شد بنا شده اید و مسیح عیسی سنگ اصلی آن است. ۲۱ در اتحاد با اوست که تمام عمارت بهم متصل می گردد و رفته رفته در خداوند بصورت یک معبد مقدس در می آید. ۲۲ شما نیز در اتحاد با او و همراه دیگران بصورت مکانی بنا خواهید شد که خدا بوسیله روح خود در آن زندگی می کند" (افسیسیان ۲: ۱۹-۲۲).

داشتن برنامه

برای اینکه شبان و مبشر مرکز تجهیز پر ثمری را راه بیندازند تا اعضای کلیسای خود را آموزش داده و به بشارت دادن بفرستند، باید برنامه ای سازنده داشته باشند. اگر آنها فاقد برنامه باشند کار آنها به صورت نامنظم و ناهماهنگ پیش خواهد رفت. چنین کلیسایی معمولاً رشد نمی کند و نتایج موثری را نمی بیند. حتی اگر کلیسا رشد کند، در نهایت با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم خواهد کرد و ممکن است فرو بپاشد. بدون برنامه خوب مشکلات همواره وجود خواهد داشت.

رهبران کلیسا همچنین باید به خاطر داشته باشند که آنها بخشی از برنامه خداوند هستند. درک این موضوع باید به بیشترین و شبانان این انگیزه را بدهد که خدمت خود را جدی بگیرند. آنها باید درک کنند که جزء برنامه عظیم خداوند هستند و نقش آنها حیاتی است. کلیسای آنها بخشی از بنای روحانی و عیسی مسیح سنگ بنای آن است. به عبارتی دیگر، این کار خداوند است، یک کار جاودانی که آنها انتخاب شده اند تا بناگر آن باشند.

احتیاج به داشتن طرح اولیه

با درک جدیت کار، مبشر و شبانی حکیم درک می کنند که آنها بناگر هستند. مبشر، کلیسای جدید را بر روی شالوده مسیح می گذارد (اول قرنیتان ۳: ۱۱). شبان نیز بر همان شالوده عیسی بنا می کند؛ گرچه ممکن است ادامه کار شخصی باشد که قبلاً آغاز کرده است. هر دوی آنها در فرایند بنا کردن سهیم هستند، درست همانند آنچه پولس در اول قرنیتان ۳: ۹-۱۱ بیان کرد:

"۹ زیرا در خدمت خدا، ما همکاران او هستیم و شما مزرعه او و عمارت او هستید. ۱۰ من با استفاده از قدرت فیض بخش خدا، مانند یک بنای ماهر بنیادی گذاشتم و اکنون کسی دیگر بر روی آن می سازد. هر کس باید مواظب باشد که روی آن چگونه بنا می کند، ۱۱ زیرا شالوده دیگری غیر از آنچه ریخته شد نمی توان گذاشت و آن شالوده عیسی مسیح است."

پولس و دیگر رسولان شالوده را بر روی مسیح نهادند (افسیسیان ۲: ۱۹-۲۰) و بیشترین و شبانان بر همان شالوده معبدی مقدس بنا می کنند (افسیسیان ۲: ۲۱-۲۲). به خاطر اینکه این کاری بسیار مهمی می باشد، این افراد باید اطمینان حاصل کنند که کیفیت کار آنها بسیار عالی است. چنانچه در کتاب مقدس آمده است:

"ولی چگونگی کار هر کس آشکار خواهد شد زیرا روز داوری آنرا ظاهر خواهد ساخت، چون آن روز با آتش همراه خواهد بود و آتش کیفیت کار همه را می آزماید و ماهیتش را نشان می دهد" (اول قرنیتان ۱۳:۳).

بنابراین چگونه یک شبان یا میسر مطمئن می شود کیفیت کارش عالی است؟ اول از همه، آنها باید زمان خوبی را صرف تعلیم و آموزش کنند. دوما، به عنوان بنا گرانی حکیم باید برنامه داشته باشند. آنها باید طرح اولیه بنا را تهیه کرده، درست به مانند طرحی که برای ساختن ساختمانی با کیفیت تهیه می شود. حال چگونه یک بناگر می تواند طرح کامل را در ذهن خود داشته باشد اگر هنوز چیزی ساخته نشده است؟ این حقیقت دارد که تصویری کامل وجود ندارد. با این وجود، اگر هدف نهایی از کار وجود نداشته باشد، افراد نخواهند دانست چگونه باید بنا کنند. بنابراین برای اینکه آنها کلیسای خود را به مقصد سرنوشت سازی برسانند باید برنامه ای در دست داشته باشند. آنها باید اهداف خود را بر طبق کتاب مقدس تهیه کرده و کار خود را از طریق پاسخ به سوالات زیر انجام دهند:

- هدف خدا برای یک مسیحی چیست؟ (افسیان ۱۳:۴)
- خداوند می خواهد که شخصیت یک مسیحی چه چیزی را جلوه گر کند؟ (یوحنا ۱۳:۳۴-۳۵؛ اول قرنیتان ۱۳:۱۳؛ غلاطیان ۵:۱۶، ۲۲-۲۳)
- خداوند از رهبران کلیسا چگونه می خواهد بر روی شخصیت خود تفکر کنند؟ (اول تیموتائوس ۱:۳-۱۳؛ تیتوس ۱:۵-۹)
- هدف خداوند برای خانواده های کلیسا چیست؟ (تثنیه ۶:۶-۷؛ افسسیان ۵:۲۲-۲۳، ۶:۱-۴؛ تیتوس ۲:۴-۵؛ اول پطرس ۳:۷)
- اعضای کلیسا چگونه باید کلام خداوند را بشناسند و آن را بخوبی درک کنند؟ (تثنیه ۶:۵-۹؛ افسسیان ۴:۱۳-۱۵)
- اعضای کلیسا چه چیزهایی را باید به خوبی بدانند تا به صورت ثمربخش بشارت دهند؟ (اول قرنیتان ۹:۱۹-۲۳؛ کولسیان ۲:۴-۶؛ متی ۲۸:۱۹، ۲۰ اعمال رسولان ۱:۸؛ یوحنا ۳:۱۶، ۱۸)
- چه خدمتهایی را خدا برای کلیسا در نظر دارد؟
 - ◇ پرستش
 - ◇ مشارکت
 - ◇ هدیه دادن
 - ◇ خدمت به اعضا
 - ◇ بشارت؟ شاگردسازی
 - ◇ مراقبت از افراد
 - ◇ تعلیم کلیسایی
- غیره

هنگامیکه رهبران درک می کنند که خداوند چه انتظاری از کلیسای آنها دارد، می توانند به مرحله بعدی وارد شوند.

مرحله سوم، ارزیابی وضعیت روحانی کلیسا می باشد. برای انجام این کار، رهبران باید نقاط ضعف و قوت کلیسای خود را بررسی کرده، وضعیت روحانی عضو متوسط کلیسا را تعیین کنند. برای تعیین این شاخصه ها، نکات زیر را باید به خاطر داشت:

- دانش روحانی فرد
- آیا زندگی مقدسی دارد؟
- آیا میوه روح را جلوه می کند؟
- آیا همواره به کلیسا می آید؟
- آیا از طریق عطایای روحانی خود در کلیسا خدمت می کند؟
- آیا احتیاجات خانواده خود را فراهم می کند؟
- آیا همسر و فرزندان خود را محبت می کند؟
- آیا خانواده وی بر طبق کلام خدا زندگی می کنند؟
- آیا او به بلوغ روحانی دست یافته است؟
- آیا در ایمان خود استوار است؟
- آیا وفادار است؟
- آیا بخشنده است؟
- آیا مرد ایمان، امید و محبت است؟
- غیره

زمانی که رهبران کلیسا، کلیسای خود را آنالیز کرده و نقاط ضعف و قوت آن را می شناسند، می توانند برنامه خوبی را برای رسیدن به اهداف تهیه کنند.

هنگامی که آنها اهداف و نقطه شروع را تعیین می کنند، مرحله چهارم، که همان آماده سازی به همراه دعا، برای اجرای طرح می باشد فرا می رسد. در خلال آماده سازی، برنامه ای قدم به قدم برای حرکت دادن کلیسا صورت می گیرد. پنجمین و آخرین مرحله، دنبال کردن برنامه است. لطفا در نظر داشته باشید که طرح اولیه می تواند در حین فرایند، بازبینی شود. همچنان که آنها به جلو پیش می روند، مسائل مختلفی روشن شده و در نقاط مختلف تنظیماتی صورت می گیرد.

درک اهداف اصلی

اهداف و نتایج اصلی که خداوند برای کلیسا در نظر دارد چه هستند؟ این اهداف در افسسیان ۴:۱۱-۱۶ یافت می شوند. پولس در افسسیان ۴:۸ می گوید:

"به این جهت کلام خدا می فرماید: وقتی او به آسمان بالا رفت اسیران را به اسارت برد و عطایایی به آدمیان بخشید".

سپس در افسسیان ۴:۱۱-۱۶ ادامه می دهد:

"۱۱ او عطایای مختلفی به مردم بخشید یعنی: بعضی را برای رسالت، بعضی را برای نبوت، بعضی را برای بشارت و بعضی را برای شبنانی و تعلیم برگزید. ۱۲ تا مقدسین را در کاری که برای او انجام می دهند مجهز سازد تا به این وسیله بدن مسیح را تقویت نمایند. ۱۳ تا ماهمه به آن وحدتی که در ایمان و شناسائی فرزند خداست دست یابیم و مطابق آن میزان کاملی که در مسیح یافت می شود به انسانیت کامل برسیم. ۱۴ در آن صورت دیگر مثل بچه نخواهیم بود که با امواج، رانده می شوند و از باد های متغیر تعالیم بشری متلاطم می گردند و فریب حيله ها و نیرنگ های مردمی را می خورند که می خواهند آنها را از حقیقت دور سازند، ۱۵ بلکه در همان حالیکه حقیقت را با روح محبت بیان می کنیم ما باید در هر مورد در مسیح که سر است رشد کنیم. ۱۶ به اراده او همه اعضا مختلف بدن بوسیله مفاصلی که برای آنها فراهم

شده مربوط و پیوند می شوند، پس وقتی هر یک از اعضای بدن بطور جداگانه مرتب کار کند، تمام بدن رشد می کند و خود را در محبت بنا می نماید"

در آیه ۸ پولس بیان کرد که مسیح برای کلیسا عطایایی دارد و سپس در آیه ۱۱ ادامه می دهد که آن عطایا، رسولان، مبشرین، شبان و تعلیم دهنده هستند.^۲

هدف اصلی این عطایا در آیه ۱۲ ذکر شده است که همان تجهیز اعضا است. سپس در آیه ۱۳ پولس اهداف خدمت تجهیز را ذکر می کند که ایماندار باید به آنها دست یابد:

۱. برای اتحاد در ایمان
۲. برای بلوغ روحانی
۳. دست یافتن به کمال مسیحی

در نتیجه تحقق یافتن این اهداف در آیه ۱۴ تا ۱۶ آمده است:

۱. دیگر مانند کودکان به این سو و آن سو کشانده نخواهند شد
الف: توسط بادهای هر دکنترین
ب: از طریق افراد سودجو
پ: با نقشه های شوم

۲. "۱۵ بلکه در همان حالیکه حقیقت را با روح محبت بیان می کنیم ما باید در هر مورد در مسیح که سر است رشد کنیم. ۱۶ به اراده او همه اعضا مختلف بدن بوسیله مفاصلی که برای آنها فراهم شده مربوط و پیوند می شوند، پس وقتی هر یک از اعضای بدن بطور جداگانه مرتب کار کند، تمام بدن رشد می کند و خود را در محبت بنا می نماید" (افسیسیان ۴: ۱۵-۱۶).

خلاصه ای از این آیات این است که هدف اصلی کلیسا بیشتر شبیه مسیح شدن است. پولس درباره اعضای کلیسا بالغ می نویسد:

- در ایمان متحد هستند (آیه ۱۳)
 - دانش مسیح را دارند (آیه ۱۳)
 - پر از مسیح هستند (آیه ۱۳)
 - مانند کودکان نخواهند بود که به راحتی فریب بخورند (آیه ۱۴)
- الف: توسط بادهای هر دکنترین

^۲ گرچه بیشتر ترجمه ها از افسسیان، باب ۴، آیه ۱۱ اقدام به ترجمه لغات شبان و تعلیم دهنده به عنوان دو کلمه با وظایف مجزا از هم نموده اند، اما بهتر است آنها را به همراه هم و به عنوان یک واژه استنباط نماییم. پس این شخص، شبان – تعلیم دهنده است. اگر به ساختار یونانی کلمه توجه نماییم، بیشتر موضوع مشخص می گردد. با بررسی ساختار یونانی متن می بینیم که پولس حقیقتاً این دو کلمه را با هم دسته بندی نمود، گرچه او با وظایف قبلی این کار را انجام نداد. در شرح موضوع می توان بیان کرد که پولس از ساختار او "بعضی را" (در یونانی: توس ده ای) برای سه مورد جایگاه یا وظیفه اول بهره گرفت. به عبارت دیگر، او بیان داشت که خداوند "بعضی را" (در یونانی: توس ده ای) برای رسالت، بعضی را برای شبانی تعلیم دادن برگزید. وی بیان نداشت که خداوند بعضی را برای شبانی و تعلیم برگزید. پولس برای عبارت خود از حروف ربط متفاوتی بهره گرفت: "شبانها و تعلیم دهندگان". بنابراین، در نمونه وظیفه شبان، شاخص آن است که پولس مسئولیت های این جایگاه را با عطیه روحانی تعلیم دادن همراه کرده است.

ب: از طریق افراد سودجو

پ: با نقشه های شوم

- حقیقت خداوند را در محبت می گویند (آیه ۱۵)
- با هم در فیض مسیح خواهند بود
- در محبت کلیسا بنا خواهند شد (آیه ۱۶)

به همین دلیل برای شبانان و مبشرین مهم است که طرح اولیه برای اعضای خود تهیه کنند.

هنگامی که به خصوصیت‌های یک کلیسای بالغ و روحانی می‌نگریم متوجه می‌شویم که این صفات و خصوصیت‌ها تنها از طریق دعا، برنامه ریزی دقیق، و انجام آن به ثمر می‌رسند. هیچ کدام از نتایج به صورت تصادفی صورت نمی‌گیرد.

هنگامی که طرح اولیه ای در کلیسا آماده می‌شود، خدمات زیر باید در نظر گرفته شود:

- **خدمت موعظه** (چه کتابهایی از انجیل باید موعظه شود)
- **خدمت تعلیم** (چه موضوعاتی از انجیل باید در کلاس یکشنبه ها و مطالعات انجیل و گروه های خانگی مورد استفاده قرار بگیرند)
- **ملزومات آموزشهای خاص** (چه آموزشهایی باید انجام شود: شاید آموزشهایی در مورد بشارت، نوشتن شهادت، مطالعه انجیل، مطالعه کردن و هدایت گروه های خانگی باید انجام شود)
- **روش های آموزش** (چه روش هایی باید برای آموزش انجیل انتخاب شود: تشکیل گروه های خانگی، جلسات جوانان، گروه های شاگردسازی و غیره)

شخص باید از خود بپرسد آیا خدمت های فعلی کلیسا نیازهای کلیسا را برآورده می‌کند؟ آیا خدمت های حال حاضر کلیسا قادر به تجهیز ایمانداران و رشد دادن آنها می‌باشند؟ اگر جواب منفی است چه کارهایی باید صورت بگیرد تا این خدمات موثر واقع شوند؟ چه جنبه ای از این خدمات باید قطع شود؟ هنگامی که این خدمات ها ارزیابی می‌شوند، شبان و یا مبشر مسیر را دانسته و باید هدف خود را سوق دادن کلیسا در مسیر صحیح قرار دهد.

بلوغ روحانی و بشارت به هم متصل هستند

بلوغ روحانی کلیسا و موفقیت در کلیسا به هم متصل هستند. این حقیقت دارد، چرا که ایماندار بالغ درک می‌کند که رساندن مژده نجات به دیگران هدف خداوند است. او همچنان دانش کافی برای انجام این کار در اختیار دارد و می‌داند که باید به افراد اطراف خود در برهه های مختلف زندگی بشارت دهد. چنین ایمانداری حکمت و بینش کافی را در مورد احتیاجات افراد در اختیار دارد و می‌داند پاسخ سوالات افراد را در کجای انجیل پیدا کند. بنابراین زمانی که کلیسا افراد خود را جمع می‌کند و به صورت موثر به آنها آموزش می‌دهد، ایمانداران می‌توانند پخش شده و بشارت دهند. این باید هدف اصلی رهبران کلیسا باشد.

فصل ۴

سکوی موعظه: همه چیز از اینجا آغاز می شود!

"۱ در پیشگاه خدا و در حضور مسیح عیسی که بر زندگان و مردگان دآوری خواهد کرد و به خاطر ظهور و پادشاهی او تو را موظف می سازم ۲ که پیام را اعلام کنی. در وقت و بی وقت آماده کار باش و دیگران را متقاعد و توبیخ و تشویق کن و با صبر و شکیبایی تمام تعلیم بده، ۳ زیرا زمانی خواهد آمد که آدمیان به تعلیم درست گوش نخواهند داد، بلکه از امیال خودشان پیروی می کنند و برای خود معلمین بیشتری جمع خواهند کرد تا نصایحی را که خود دوست دارند از زبان آنها بشنوند. ۴ آنها از شنیدن حقیقت خودداری می کنند و توجه خود را به افسانه ها معطوف می دارند" (دوم تیموتائوس ۴: ۱-۴).

خدمت موعظه برای کلیسا بسیار مهم است

سکوی موعظه کلیسا بسیار پر اهمیت است. آنجا مکانی است که اعضای کلیسا هر هفته از خداوند از طریق شبان خود می شنوند و مبشرین و افراد دیگر پشت آن ایستاده و کلام خداوند را برای دیگران باز می کنند. مکان اصلی که اعضا از شبان خود می شنوند به قلب او گوش کرده، دیدگاه، اهداف و برنامه های کلیسا را درک می کنند سکوی موعظه است. آنها همچنین زندگی شبان و تعالیم آن را بر روی سکوی موعظه دنبال می کنند.

سکوی موعظه همچنین بسیار حیاتی است زیرا افراد با شاخصه های کلیسا آشنا می شوند. اگر چه افراد می توانند از طریق خدمت های دیگر آن را درک کنند، اما این سکوی موعظه است که هر هفته اعضا را مورد تاثیر قرار می دهند. بنابراین اگر اعضای کلیسا بر روی سکوی موعظه شبان ملایمی را می بینند که عیسی و دیگران را دوست دارد و علاقه دارد پیام نجات را به غیر ایمانداران برساند و همچنین در ایمان خود رشد می کنند و شخصی شریف و نرم می باشد، این همچنین زندگی آنها را مورد تاثیر قرار می دهد. از طرف دیگر اگر اعضا شبانی را ببینند که سرد، خشن و اقتدارگرا است؛ چنین صفاتی در شکل گیری شخصیت دیگر اعضا تاثیر می گذارند. به همین سبب است که مبشرین و شبانان باید توجه داشته باشند که از جانب سکوی موعظه چه تاثیری بر افراد می گذارد. زیرا که تاثیر آنها آینده شخصیتی اعضای کلیسا را شکل می دهد. چیزی که آنها امروز انجام می دهند یا می گویند در سالهای بعد کلیسا تاثیر می گذارد.

خدمت موعظه باید استراتژیک باشد

به خاطر اینکه تمام چیزها از سکوی موعظه آغاز می شوند، شبان و مبشر باید متوجه باشند که زمانی که صرف موعظه می شود بسیار استراتژیک است. آنها باید برنامه ریزی دقیقی انجام دهند. موعظه ایشان باید انجیلی و با مطالعه آماده شده باشد. شبان نباید پیش روی کلیسا ایستاده و فقط موعظه ای سطحی انجام دهد، بلکه باید کلام خداوند را با قاطعیت و هرچه دقیق تر به آنها انتقال دهد. بنابراین زمانی که در مطالعه کلام خدا صرف می شود تاثیر بزرگی بر موعظه شبان خواهد داشت. در اکثر مواقع، این تعیین می کند که اعضا صدای خداوند را می شنوند یا خیر، و یا اینکه ایشان فقط نظرهای شخصی و صدای شبان را می شنوند. بنابراین موضوعات اساسی اینها هستند:

- آیا شبان مطالعه دقیقی از کلام انجام داده است
 - آیا سوابق تاریخی متنی، فرهنگی و نقاط دیگر آیات را مطالعه کرده و سپس موعظه را آماده کرده است
- این موضوعات برای موعظه خوب حیاتی هستند.

(برای اطلاعات بیشتر در این موضوع به فصلی در ضمیمه به عنوان متدهای مطالعه انجیل مراجعه کنید)

آمادگی یا فقدان آمادگی شبان تاثیر بسزایی بر خدمت و زندگی کلیسایی می گذارد. علت آن چیست؟ کلیسایی که هر هفته موعظه های خوب قوی و انجیلی می شنود مرتب غذای خوب و روحانی می خورد و رشد می کند. اما کلیسایی که ضعیف شده و موعظه های سطحی برخاسته از فکر و ذهن شبان می شنود دچار سوء تغذیه روحانی می شود. چنین کلیسایی در نهایت می میرد و از بین می رود. این بدین خاطر است که بسیاری از شبانان اهمیت خدمت را نمی دانند. اگر ایشان این اهمیت را می دانستند زمان بیشتری برای تهیه و آماده سازی موعظه خود صرف می کردند. آنها تا آخر هفته صبر نمی کردند تا زمانی کم را پیدا کرده تا موعظه ای کوچک را بنویسند. در عوض، بهترین وقت خود را برای آماده سازی موعظه اختصاص می دادند و مطمئن می شدند که در طول هفته هر روز زمانی را به بهتر سازی موعظه خود اختصاص می دهند. زمانی که روی سکوی موعظه می ایستند، پیامی را انتقال می دهند که شایسته نماینده خداوند است (ملاکی ۱: ۶، ۸، ۱۴).

برای اینکه از سکوی موعظه به صورت استراتژیک استفاده کرد، شبانان و مبشرین نیز احتیاج دارند تا تعیین کنند چه کتابی، چه آیتی از کتاب مقدس و یا چه موضوعاتی را خداوند می خواهد آنها موعظه کنند. آنها همچنین باید تصمیم بگیرند که زمان موعظه چقدر باشد. اغلب مواقع شاید یک موعظه برای یک موضوع خاص کافی نباشد. شاید اعضا باید موعظه های متعددی را در رابطه با یک موضوع خاص بشنود تا معنا و اهمیت آن را درک کنند. در نتیجه یادآوری هفته به هفته به افراد، آنها شروع به بکار بستن حقایق یادگرفته شده در موعظه در زندگی خود می کنند. کلیسایی که مرکز تجهیز است باید این روش را در خدمت خود به کار گیرد تا اعضای خود را تجهیز کند.

یکی دیگر از جنبه های استراتژیک موعظه کاربرد چیزی است که تعلیم داده می شود. اگر رهبران کلیسا و اعضای آن کلامی که موعظه می شود را در زندگی بکار نمی بندند، هدف نهایی به دست نمی آید. این در عمل شکست است. یعقوب می گوید:

"شما باید بر طبق کلام او عمل کنید و فقط با شنیدن خود را فریب ندهید" (یعقوب ۱: ۲۲).

زمانی که افراد کلام خداوند را می شنوند و گمان می برند که تنها شنیدن کافی است آنها فریب خورده اند. تنها شنیدن کافی نیست. به همین هدف هر معلم کلام باید شنوندگان خود را برای انجام آنچه شنیده شده است متحد کند. اگر او این هدف را دنبال نکند، موعظه او بی ثمر خواهد بود. همچنین مخاطبان واعظ باید بدانند که چگونه حقایق بیان شده را در زندگی خود به کار ببرند. این واضح است که شبانان و رهبران کلیسا باید آنچه را که تعلیم می دهند را در زندگی خود بکار بندند. آنها باید الگو باشند. این بسیار اهمیت دارد اگر آنها آرزو دارند اعضای کلیسا همین کار را نیز انجام دهند و در زندگی خود کلام خدا را به کار بندند. با بر جای گذاشتن الگوی سالم، افراد تشویق می شوند که کلام خدا را در زندگی به کار بندند. رهبران کلیسا همچنین باید مانند پولس رسول باشند. پولس نوشت:

"ای برادران، همه شما از من سرمشق بگیرید و به کسانی که از نمونه ما پیروی می کنند نگاه کنید" (فیلیپیان ۳: ۱۷).

هدف نهایی خدمت تعلیم باید تغییر زندگی ها باشد. زندگی افرادی که آن را می شنوند و افرادی که آن را بیان می کنند.

چنانچه یعقوب می گوید:

"اگر کسی گمان می کند که آدم متدینی است ولی زبان خود را مهار نمی کند خود را فریب می دهد و ایمان او بیهوده است" (۲۶:۱).

خدمت موعظه استانداردهایی را بنیان می گذارد

جنبه مهم دیگر خدمت موعظه استانداردهایی است که این خدمت در کلیسا و در میان دیگر شبانان و معلمان به جا می گذارد. اگر افراد کلیسا موعظه های عالی که خداوند در قلب واعظ قرار داده است را بشنوند، آنها تلاش خواهند کرد تا در زندگی شخصی و خدمت خود به همین استاندارد دست یابند. اما اگر موعظه کلام خدا اهمیت زیادی ندارد و این از نوع پیام واعظ مشهود می شود، این موضوع دیگر افراد کلیسا را مورد تاثیر قرار می دهد. با گذشت زمان، افراد کلیسا درک می کنند که چه چیزی اهمیت دارد و چه چیزهایی برای رهبران کلیسا مهم نیستند. به همین جهت به عنوان رهبر کلیسا شبان یا مبشر باید همواره خداوند را جلال داده و کلام او را بر سکوی موعظه به دیگران انتقال دهند. همچنین به یاد داشته باشید که تلاشهایی که بر روی سکوی موعظه صورت می گیرد، تاثیری جاودانه خواهند داشت.

خدمت موعظه باید محافظت شود

به خاطر اینکه سکوی موعظه مکان مهمی است، باید به نحو احسن از آن مراقبت کرد. شبانان و مبشرین باید مراقب باشند که چه کسی بر روی سکوی موعظه می ایستد. آنها باید مواظب باشند تا تعالیمی صحیح از آن بیان شود. سکوی موعظه باید مکانی مورد احترام باشد و اعضا به آن احترام بگذارند. همچنین اعضا باید بدانند که سکوی موعظه برای خدمتی استراتژیک است و همواره چیزی که از آن بیان می شود انجیلی است و خداوند را جلال می دهد. در بسیاری از کلیساها، متأسفانه، سکوی موعظه به مکانی برای داستان گویی و بیان افکار اشخاص و فلسفه بافی تبدیل شده است. در عوض آن مکان باید جایی باشد که کلام خداوند موعظه می شود. درست به مانند آن چیزی که در دوم تیموتائوس ۲:۴ آمده است:

"هیچ سربازی خود را گرفتار امور غیرنظامی نمی کند، زیرا هدف او جلب رضایت فرمانده اش می باشد".

از طریق این موعظه مردان و زنان خدا تجهیز شده (دوم تیموتائوس ۳:۱۷) که این همان عصاره متحد کردن کلیسا برای بشارت است.

فصل ۵

مطالعه کتاب مقدس: نگاهی عمیق تر به کلام خدا

"۹ مرد جوان چگونه می تواند پاک زندگی کند؟ با اطاعت از احکام تو. ۱۰ از دل و جان طالب تو هستم، نگذار که از احکام تو روی گردان شوم. ۱۱ کلام تو را در دل نگاه می دارم تا مرتکب گناه نشوم. ۱۲ خداوند، تو متبارک هستی! احکام خود را به من بیاموز" (مزامیر ۹:۱۱۹-۱۲).

"منتهای کوشش خود را بکن تا مانند کارگری که از کار خود خجل نیست و پیام حقیقت را بدرستی تعلیم می دهد در نظر خدا کاملاً مورد پسند باشی" (دوم تیموتائوس ۲:۱۵).

اهمیت مطالعه کتاب مقدس

هنگامیکه شبان و مبشر درک می کنند که کلیسای آنان باید مکانی برای تجهیز کردن اعضای کلیسای آنها باشند، همچنین پی می برند که مطالعه کتاب مقدس بسیار حیاتی است. همانطور که در فصل پیش بدان اشاره شد، خدمت تعلیمی کلیسا از سکوی موعظه آغاز می شود. سکوی موعظه نقش مهمی را در خدمت تعلیمی کلیسا ایفا می کند و افراد زیادی از آن بهره می برند. با این حال، خدمت موعظه عموماً آن خدمت تعلیمی نیست که افراد را به درک عمیق تری از ایمان خود و کلام خداوند سوق می دهد. این بدین خاطر است که خدمت موعظه در سطحی باید انجام شود که برای افراد عادی و همه عموم قابل فهم باشد. اگر تعلیم بسیار عمیق باشد، افراد امکان دارد که اشتیاق خود را برای درک آن از دست بدهند و در نتیجه از گوش دادن خسته شده، دیگر به کلیسا نیایند. این برای کلیساهایی که موعظه ای سطحی آماده می کنند مشکلی نیست! با این حال، زمانی این مسئله مشکل ساز می شود که ایمانداران بالغ دیگر به موعظه های سطحی گوش ندهند و از شنیدن آن خسته شوند و ایمان آنها به چالش کشیده نشود.

برای اینکه کلیساها بتوانند اعضای خود را به مرحله عمیق تری در کلام خدا ببرند، حائز اهمیت است که آنها خدماتی را در راستای مطالعه کتاب مقدس انجام دهند. در این مطالعات افراد باید کتاب مقدس را عمیق تر مطالعه و آن را در زندگی خود به کار برند. اشخاص همچنین باید بیشتر یاد بگیرند که چگونه سوالات عمیق تری پرسیده و پاسخ های خود را در آیات کتاب مقدس جستجو کنند. همچنین آنها باید یاد بگیرند که چگونه کتاب مقدس را به صورت سیستماتیک مطالعه کرده و از نظر تاریخی چهارچوب آن را بشناسند. این مهارتها بدیشان کمک می کنند تا تا به صورت روحانی از کلام تغذیه شده، زندگیشان مقدس نگه داشته شود. درک عمیق کلام همچنین آنها را در خدمت کلیسایشان کمک می کند و آنها را برای تغییر زندگی اطرافیانشان قویتر کرده تا با اطمینان بیشتری دانش خود را درباره کلام خدا با آنها در میان بگذارند. برای همین است که کلام خدا اهمیت حیاتی در بسیج کردن کلیسا برای بشارت و رشد روحانی دارد.

مطالعه کتاب مقدس به افراد کمک می کند تا در ایمانشان رشد کنند

امثال باب ۸ درباره ارزش خدمت سخن می گوید. ایوب ۲۸ همچنین درباره مشکلاتی که در راه پیدا کردن حکمت وجود دارد سخن می گوید، اما همچنین نیز بیان می دارد زمانی که حکمت پیدا می شود، ارزشش از گنج های زمین بیشتر است. وقتی به این دو باب با هم نگاهی انداخته می شود، این درک حاصل می آید که حکمت چیزی است که باید پیدا شود و اگرچه فرایند جستجو و یافتن آن سخت است، برای جوینده آن بسیار ارزشمند می باشد. کلام خداوند حکمت است و از طریق مطالعه کتاب مقدس است که جوینده می تواند حکمت کسب کند. همانند معدنچی که زمین را می کند تا گنجهای آن را بیرون کشد، ایمانداران نیز باید یاد بگیرند تا کلام خدا را کنکاش کرده تا گنجهای خداوند را بیابند. اگرچه

این فرایند می تواند وقت گیر باشد؛ مانند معدنچی که به دنبال طلا است، سرمایه گذاری و وقت گذاردن برای این کار ارزشمند است. بدین منظور است که شبان و مبشر باید اعضای کلیسا خود را تشویق به مطالعه کتاب مقدس کنند و همچنین آنها را ترغیب کرده تا کتاب مقدس را خود بخوانند. یک ضرب المثل چینی می گوید: "به شخصی ماهی بدهی او را برای یک روز سیر کرده ای، ولی اگر به او ماهیگیری یاد دهی او را برای عمری سیر کرده ای." اگر من بخواهم این ضرب المثل را تفسیر کنم بدین صورت می توان آن را بیان کرد: "موعظه کن به شخص، او را برای یک روز سیر کرده ای، اما اگر یاد دادی که چگونه کتاب مقدس را مطالعه کند، او را برای عمری سیر کرده ای."

فرق بین مطالعه کتاب مقدس به صورت عمیق و صرفا خواندن کتاب مقدس به مانند خلبانی در هواپیمایی در آسمان و نظاره کردن منظره، و فرود آمدن از آسمان و نگاه کردن به همان منظره از روی زمین می باشد. هنگامیکه شخص صرفا کتاب مقدس را می خواند، او در هواپیمایی در حال پرواز بر قسمتی از زمین نگاه می کند. اما وقتی از هواپیما پیاده شده پا بر روی زمین می گذارد، چیزهایی را می بیند که از دریچه کوچک هواپیما مشهود نبوده اند. او می تواند اکنون با دقت وقت گذاشته و آن مناظر را مطالعه کند. شخص می تواند توقف کرده و درباره چیزی که می بیند تفکر کند. همچنین او می تواند چیزهایی که از آسمان تنها لکه ای کوچک بیش نبوده اند را از نزدیک ببیند. او حتی می تواند از مردم بپرسد و همه چیز را با دقت بنگرد. این تمام آن چیزهایی است که شخص نمی توانست در آسمان ببیند ولی هم اکنون در روی زمین آنها را مشاهده می کند. شخصی که با هدف و دقت کتاب مقدس را مطالعه می کند، وقت صرف کرده و مشاهداتی انجام داده، پاسخ هایی را می یابد و چیزهایی را که یافته است با دیگر کتب کتاب مقدس مقایسه کرده و کاربرد مناسب آنها را می یابد. انجام این کارها بسیار حیاتی است و تعیین می کند که شخص چقدر در ایمان خود رشد می کند. این البته بسیار خوب است که شخص به صورت منظم کتاب مقدس را می خواند، با این حال، بسیار حیاتی است که شخص وقت گذارده تا آن را با دقت مطالعه کند.

برای اطلاعات بیشتر لطفا به فصل ارواش مطالعه کتاب مقدس در بخش زمینه مراجعه فرمایید

مطالعه کتاب مقدس در طرح اولیه شما چه نقشی ایفا می کند؟

همانطور که در فصل سه بیان شد، شبان و مبشر باید طرح اولیه ای برای کلیسای خود آماده کنند و بررسی نمایند که کلیسا از لحاظ رشد روحانی در کجا قرار دارد و به کجا می رود. برای مثال آیا کلیسا به مطالعات کتاب مقدسی درباره بشارت احتیاج دارد؟ یا درباره نقش زنان یا مسائل خانوادگی، چگونگی استفاده از پول، زندگی مقدس، به خاطر سپردن آیات یا دفاعیات مسیحی؟ یا در مورد افراد جوان کلیسا چطور؟ آنها باید چه چیزهایی را به صورت واضح درک کنند؟ شاید آنها به موضوعاتی مانند چگونگی خدمتگذاری، بشارت، زندگی مقدس، سکس همانگونه که خداوند در نظر دارد، جنس مخالف، همجنسگرایی، سقط جنین یا موضوعاتی درباره مواد مخدر یا الکل پی برده و نظر کتاب مقدس و خداوند درباره این موضوعات را بهتر درک کنند؟ این موضوعات به آنها کمک می کنند تا درک بیشتری از کتاب مقدس داشته باشند و در زندگی خود رشد روحانی کنند. درمورد کودکان کلیسا چطور؟ برای آنها چه چیزی لازم است؟ شاید چیزهایی مانند چگونه مسیحی شویم، چرا خداوند می خواهد از والدین خود اطاعت کنیم، چطور با دوستان خود برخورد کنیم، محبت چیست، چگونه با مشکلات کنار بیاییم و اهمیت داستانهای انجیلی و غیره؟

کلیسایی که مرکز تجهیز است از زمان خود حکیمانه استفاده کرده و به اعضای خود کمک می کند تا رشد نموده و بیشتر به شکل مسیح در آیند. آنها باید بهترین نحو انجام این کار را بیابند. همچنین رهبران باید اطمینان حاصل کنند که مطالعه کتاب مقدس جزء طرح اولیه آنها است زیرا از طریق مطالعه کلام خدا است که افراد رشد کرده و حکمت در زندگی خود می یابند.

مطالعه کتاب مقدس می تواند حول موضوعات مختلفی باشد. همچنین زمانی که برای برنامه ریزی می شود، مکان کتاب مقدس نیز مهم می باشد. بعضی از مطالعات کتاب مقدس بهتر است در ساختمان کلیسا یا منزل شخصی باشند، شاید در پارک و یا اردویی و شاید بعد از مسابقه ورزشی یا مدرسه یکشنبه و یا شاید شب دیگری از هفته برگزار شوند. بعضی اوقات تغییر زمان آن تغییرات بزرگی نیز به همراه می آورد. شاید نشستن در منزل شخصی می تواند احساس آرامش بیشتری به افراد بدهد. به همین جهت مکان می تواند بسیار مهم باشد.

مطالعه کتاب مقدس باید جزء طرح اولیه کلیسا باشد

اگر شبان یا مبشر آرزو دارند که اعضای کلیسا در ایمان خود قوی و بالغ شوند، باید راه هایی بیابند تا آنها را تشویق کرده تا در مطالعه کتاب مقدس شرکت کنند. این امر آنها را به رشد بالاتر روحانی می رساند. همچنین به آنها اجازه می دهد تا به آن چیزهایی که در افسسیان ۴: ۱۳-۱۶ آمده است دست یابند. بنابراین، برگزاری مطالعات کتاب مقدس توسط معلمین بالغ که می توانند به خوبی تعلیم دهند بسیار حیاتی است. این همچنین محبت و اشتیاقی را برای یادگیری کلام خداوند ایجاد می کند. در نتیجه آن، بدن مسیح، ایماندارانی را پخش خواهد کرد تا چیزهای یادگرفته شده در این مطالعات را به دیگران برسانند، دیگرانی که عیسی را نمی شناسند. همچنین شبانان و مبشرین باید محبتی را در قلب افراد برای کلام خداوند؛ محبت و اشتیاقی برای تعلیم و به کار بستن آن بکارند. انجام این کار باعث برکت یافتن کلیسای آنها می شوند.

برای مطالعه بیشتر به بخش "کلام خدا در خدمت کلیسایی" در قسمت ضمیمه مراجعه شود.

فصل ۶

شاگرد: سپردن کار به کسانی که می توانند به دیگران آموزش دهند

"و سخنانی را که در حضور شاهدان بسیار از من شنیده ای به کسانی بسیار که مورد اعتماد و قادر به تعلیم دیگران باشند" (دوم تیموتائوس ۲:۲).

اهمیت شاگردسازی

هر کلیسایی که می خواهد به بلوغ روحانی دست یابد، باید شاگردسازی را جدی بگیرد. این خدمت به اعضا کمک می کند تا به مرحله جدیدی در رشد روحانی دست یابد. در این مرحله است که اعضا تبدیل به رهبران، معلمان و ایمانداران قوی می شوند و در مسیح رشد می کنند. برای اینکه خدمت شاگردسازی را به خوبی انجام داد، برنامه ریزی دقیقی لازم است.

کلیسایی که مرکز تجهیز است شاگردسازی را اولویت اول خود می سازد. هرچقدر خدمت شاگردسازی قوی تر باشد، کلیسا موثر تر است. مهم نیست که شرایط کلیسا چگونه است. رهبران آن باید خدمت شاگردسازی را به اجرا درآورند تا شاگردانی تربیت شوند.

برنامه شاگردسازی باید اهدافی را که پولس در کولسیان ۶:۲-۷ شرح داد پیاده کند:

"۶ پس همانطوری که روزی مسیح عیسی را به عنوان خداوند خود پذیرفتید اکنون همیشه در اتحاد با او زندگی کنید. ۷ در او ریشه بگیرید و رشد کنید. همانگونه که تعلیم یافتید در ایمان استوار باشید و در ستایش خدا برای دیگران نمونه باشید".

این فرمان که در او رشد کنید و پیشه بگیرید به ایمانداران کولسی داده شد تا قوت گرفته و در ایمان خود رشد کنند. این هدف برنامه شاگردسازی است. پولس به آنها ۳ دلیل داد که از طریق آنها این هدف دست یافتنی است. اول از همه آنها در او ریشه گرفتند. ریشه گرفتن در او دلیل نجات آنها بود. آنها تولد تازه پیدا کرده بودند (یوحنا ۳:۷) و در مسیح بنا شده بودند. دلیل دوم این بود که در او استوار بودند. استوار و بنا شدن فرایندی است که ایماندار باید از آن بگذرد تا به بلوغ روحانی دست یابد (این نقطه تمرکز افسسیان ۴:۱۱-۱۶ می باشد و در فصلهای ۱ تا ۳ درباره آن صحبت شده است). سوم اینکه آنها در ایمان بودند همانگونه که در او ریشه گرفته و استوار می شدند. هنگامی که شخص استوار می شود و قوت می گیرد، دیگر به این سو و آن سو کشیده نمی شود و به شیر احتیاج ندارد. بلکه شخص رشد کرده و بالغ شده و گوشت کلام خدا را دریافت می کند (اول قرنیتیان ۲:۳؛ عبرانیان ۵:۱۲-۱۴). این ایمانداران برای بدن مسیح بسیار با اهمیت هستند، زیرا آنها کلام خدا را جدی گرفته و آن را به دقت مطالعه می کنند و ایمان خود را با غیر ایمانداران تقسیم نموده، بشارت می دهند. تربیت چنین ایماندارانی به سادگی اتفاق نمی افتد بلکه به برنامه ریزی دقیقی احتیاج دارد.

نمونه های انجیلی شاگردسازان

در کتاب مقدس نمونه هایی وجود دارند که به شاگردسازی مشغول بودند. بعنوان مثال، موسی یوشع را تربیت کرد (خروج ۲۴:۱۳؛ اعداد ۱۱:۲۸). در آن فرایند شاگردسازی، یوشع همواره کنار موسی بود. حتی او در کنار کوه سینا زمانی که موسی ۴۰ شب و روز در حضور خداوند بود در کنار او بود (خروج ۲۴:۱۳-۱۸، ۳۲:۱۵-۱۸). همانطور که موسی یوشع را تربیت می کرد، به او کارهای مهمی واگذار کرد (خروج ۹:۱۷-۱۴، ۱۱:۳۳؛ اعداد ۱۳:۱۶). از طریق

آن مسئولیتها یوشع توانست شایستگی خود را ثابت کند. موسی همچنین او را آماده کرد تا آینده اسرائیل را به دست گیرد و آن را رهبری کند (یوشع ۱:۱، ۷:۳). در نتیجه سرمایه گذاری موسی بر یوشع، او به رهبری بزرگ تبدیل شد (اعداد ۲۷:۱۸-۲۳؛ تثنیه ۳۱:۱۴) و مسئولیتهای متفاوتی را در دست گرفت (تثنیه ۷:۳۱) و رهبری کلیسا را ادامه داد (یوشع ۱:۱-۱۱، ۷:۳).

شخص دیگری که در کتاب مقدس شاگردسازی می کرد، عیسی بود. عیسی بعد از دعا (لوقا ۱۲:۶-۱۳)، ۱۲ مرد را انتخاب کرد تا آنها را برای مسئول شدن آماده کند (لوقا ۱۳:۶-۱۴). برای اینکه عیسی این کار را به انجام برساند، از آنها خواست تا با او به همسفر شده و زندگی کنند (لوقا ۸:۱). همچنین با او غذا خورده و کنار او بخواند (متی ۹:۱۰، ۲۶:۲۰-۲۱؛ مرقس ۶:۳۱). بنابراین آن افراد عیسی را در مواقع مختلف می دیدند. از این طریق عیسی توانست به آنها تعلیم دهد (یوحنا ۴:۲۷-۳۸؛ متی ۵:۲-۱؛ لوقا ۸:۳-۱، ۲۲-۵۶، ۹:۱۲-۱۷؛ مرقس ۴:۱-۲۵)؛ به آنها مسئولیتهایی بدهد (متی ۱۰:۱-۵، ۱۱:۱؛ مرقس ۳:۱۴؛ لوقا ۹:۱-۱۰) و بینش های خاصی را درباره تعلیمش به آنها ببخشد (مرقس ۱۰:۳۲-۳۴؛ لوقا ۸:۱۰). همچنین رسولان شاهد معجزات عیسی بودند (مرقس ۴:۳۹، ۶:۱-۲). از آن ۱۲ رسول، عیسی ۳ تن از آنها را به طور خاص انتخاب کرد که حتی زمان بیشتری برای آنها بگذارد. پطرس، یعقوب و یوحنا امتیازات بیشتری داشتند (لوقا ۸:۴۹-۵۶؛ متی ۱۷:۱-۱۳). آنها همچنین انتخاب شده بودند تا هنگامیکه او در باغ جتسمانی در حال دعا دستگیر شد، کنار او باشند (مرقس ۱۴:۳۳-۴۲). اگرچه یهویدا به او خیانت کرد (لوقا ۲۲:۴۸)، تاریخ کلیسا ثبت می کند که ۱۱ رسول دیگر همواره تا زمان مرگ به او وفادار ماندند و تمامی آنها جز یوحنا به شهادت رسیدند.

"شاگردسازی دیگر پولس رسول بود. یکی از شاگردان پولس تیموتائوس بود. او پولس را در سفرهای بشارتی همراهی می کرد و پولس با او وقت صرف نموده و به او تعلیم می داد (اعمال ۱۶:۵-۱۶، ۲۰:۴؛ رومیان ۱۶:۲۱؛ دوم قرنتیان ۱:۱؛ فیلیپیان ۱:۱؛ کولسیان ۱:۱؛ اول و دوم تسالونیکیان ۱:۱؛ فیلیپیان ۱:۱؛ اول و دوم تیموتائوس). نامه های اول و دوم تیموتائوس، دستورالعملهایی برای شاگرد جوان خود است (اول تیموتائوس ۴:۱۲). پولس همچنین به تیموتائوس مسئولیتهای خاصی را داد (اعمال ۱۷:۱۳-۱۵، ۱۹:۲۲؛ اول قرنتیان ۴:۱۷؛ فیلیپیان ۲:۱۹) و با اینکه تیموتائوس شخص جوانی بود، پولس او را تعلیم داد تا شبان کلیسای افسس شود (اول تیموتائوس ۳:۱)."^۳

خصوصیات فرایند شاگردسازی

خصوصیات فرایند شاگردسازی که می توان در زندگی موسی، عیسی و پولس دید بدینگونه می باشد:

۱. شاگردان در نتیجه دعا و هدایت خداوند انتخاب شدند
۲. شاگردان زمان زیادی را با شاگردساز صرف کردند
۳. شاگردان از کلام خدا تعلیم یافتند (از طریق کلام خدا و تجربه)
۴. شاگردان تحت نظر راهنمای خود خدمت کردند
۵. به شاگردان مسئولیتهایی داده شد
۶. شاگردان برای خدمت آینده آماده شدند
۷. شاگردان فرستاده شدند تا به تنهایی خدمت کنند (هنگامی که فرایند شاگردسازی به اتمام رسید)

به مانند این ۳ شاگردساز، مسئولیت رهبر است تا در زندگی شاگردان سرمایه گذاری کند. تعلیم رهبر نباید تنها سر کلاس باشد و باید خارج از کلاس نیز انجام شود. چیز مهمی که شاگردان باید ببینند این است که معلم آنها آن چیزی را که تعلیم می دهد، همواره در زندگی بکار می بندد. آن هنگام زندگی راهنمای آنها الگویی برای شاگردان می شود (اول یوحنا

^۳ رندال ج. هیلبرند (۲۰۰۸-۲۰۱۱) "بنا کردن کلیسایی پویا".

۱:۱). فرایند شاگردسازی که این مهم را در بر ندارد، نمی تواند به خوبی چنین شاگردانی را تربیت کند. بنابراین وقت گذاری در این فرایند مهم است. در امثال ۱۷:۲۷ آمده است:

"همان طور که آهن، آهن را تیز می کند، دوست نیز شخصیت دوست خود را اصلاح می کند".

"شاگردسازی یکی از جنبه های مهم مسئولیتهای رهبر است. همانگونه که پولس در دوم تیموتائوس ۲:۲ گفت:

"و سخنانی را که در حضور شاهدان بسیار از من شنیده ای به کسانی بسپار که مورد اعتماد و قادر به تعلیم دیگران باشند".

رهبر باید چیزهایی که یادگرفته است برگرفته و به دیگران آموزش دهد. همچنین آنها باید چیزهای یادگرفته را برگرفته و به دیگران یاد بدهند. این باید فرایندی دائم باشد.^۴

پولس به خوبی می دانست برای ادامه کلیسا و سلامتی و قوت آن، نسل بعدی رهبران باید آماده می شدند. به همین دلیل بود که پولس به تیموتائوس نصیحت کرد که چیزهایی که یادگرفته بود را به افراد ایماندار وفادار منتقل کند تا آنها نیز به نوبه خود به دیگران تعلیم دهند. پولس می خواست اطمینان حاصل کند که چیزی که به تیموتائوس یاد می دهد میوه می دهد. این فرایند امروزه نیز بسیار لازم است، زیرا از طریق آن معلمان کلام خدا بر خواسته که می توانند کلام خدا را به دقت تدریس کرده و دیگران را آموزش دهند تا خدمت کنند؛ و یا خود به شخصه گروه های خانگی کوچک را هدایت کرده و رهبران آینده کلیسا را آماده می کنند. این فرایند، کلیسای قوی را به بار می آورد که برای مسیح بسیار موثر و تاثیر گذار خواهد بود.

فرایند شاگردسازی چه موقع باید آغاز شود؟ این فرایند باید سریعاً بعد از تولد یک ایماندار جدید صورت پذیرد. به عبارت دیگر، زمانی که شخص ایمان می آورد، کلیسا که همان مرکز تجهیز است، شروع به آموزش به آن شخص می کند. کلیسا او را تعمیم داده و سپس به آن چیزی که عیسی فرمان داده عمل می کند (متی ۲۸:۱۹-۲۰). کلیسایی که این کار را انجام نمی دهد مانند مادری می ماند که فرزندش را بعد از تولد رها کرده و از او مراقبت نمی کند. اما ایمانداری که در بدو تولد روحانی در راه شاگردسازی قرار گرفته، مراقبت و محبت دیگران را می بیند به خوبی رشد خواهد کرد. بنابراین شاگرد بودن جزء ثابت زندگی او می شود. اگر این در زندگی افراد جا بیافتد، سود زیادی برای افراد و کلیسا به همراه خواهد داشت.

صفات شاگردی بالغ

یکی از چالش های کلیسایی که به دنبال شاگردسازی می باشد دانستن شاخصه ها و صفات شاگردی بالغ است. این موضوع از کلیسا به کلیسای دیگر فرق می کند و فاکتورهای گوناگونی دارد. برای اینکه به این موضوع بپردازیم، آیات زیر صفات مسیحی بالغ را بیان می کنند. بنابراین فاکتورهایی که باید در نظر گرفته شود در زیر آمده است:

- بلوغ روحانی (افسیان ۱۳:۴-۱۶؛ کوليسان ۶:۲-۷)
- در مسیح ماندن (یوحنا ۱۵:۴-۱۱)
- صفات شخصیت خداشناس (اول تیموتائوس ۳:۱-۷؛ تیتوس ۱:۵-۹)
- استفاده از عطایای روحانی (اول قرنتیان ۷:۱۲؛ رومیان ۶:۱۲)

۴ رندال ج. هیلبرند (۲۰۰۸-۲۰۱۱) "بنا کردن کلیسای پویا".

• شرکت در بشارت (متی ۲۸:۱۹-۲۰؛ اعمال ۸:۱)

صفاتى كه پولس در افسسيان ۴ و كولسيان ۲ ذكر مى كند در اين ليست آمده است. هنگامى كه اين دو بخش از آيات را با هم تركيب مى كنيم، به شخصى بر مى خوريم كه كلام خداوند را مطالعه كرده، و مى فهمد كه بدون كلام خداوند نمى تواند به بلوغ روحانى برسد (در ضميمه به بخش "كلام خدا براى خدمت كليساى" مراجعه كنيد).

نشانه ديگر شخص بالغ، ظرفيت او براى ماندن در مسيح و محبت او مى باشد. شخصى كه در مسيح مى ماند و مسيح در او، ميوه زيادى را به بار مى آورد. ميوه آوردن، خداوند را جلال مى دهد و حاكي از آن است كه شخص از آن مسيح است. همچنين جواب گرفتن دعا بسيار مهم است، و يكي ديگر از نشانه هاى ايماندار بالغ مى باشد، يعنى اينكه شخص دعا كرده و پاسخ دعائى خود را از خداوند مى گيرد.

بعلاوه، ايماندار بالغ بايد صفاتى را كه در اول تيموتائوس ۳:۱-۷ و تيتوس ۱:۵-۹ آمده است را جلوه گر باشد. اين بخش از آيات به صفاتى اشاره دارد كه شخص بايد دارا باشد. آنها صفاتى هستند كه ارتباطى به جنسيت ندارند.^۵ بنابراين آنها صفاتى مى باشند كه در زنان بالغ نيز بايد جلوه كنند.

همچنين درباره ديگر خصوصيت هاى شاگرد بالغ، اول قرننتيان ۷:۱۲ و روميان ۶:۱۲ بيان مى دارند كه هر ايماندار عطيه روحانى دارد و بايد از آن را در كليسا استفاده كرده و از طريق آن خدمت كند. اين عقلانى است كه شخص بالغ بايد عطيه روحانى خود را بداند و از آن استفاده كرده و به مسيح خدمت كند. خادم بودن آن چيزى است كه عيسى پيروان خود را بدان فرا مى خواند. او اين را با شستن پاهاى شاگردان خود ثابت كرد (يوحنا ۱۳:۱۲-۱۷). بنابراين، ايماندار بالغ بايد از عطيه روحانى خود براى خدمت به ديگران استفاده كند.

به خاطر اينكه عيسى فرمان داد تا افراد مژده نجات را به ديگر نقاط دنيا برسانند (متى ۲۸:۱۹-۲۰؛ اعمال ۸:۱)، خصوصيت ديگر ايماندار بالغ اين است كه آن شخص نيز بايد در بشارت شركت كند. شخص بالغ در دعا و شراكت در رساندن مژده نجات سهيم مى باشد. بعنوان سفير مسيح (دوم قرننتيان ۵:۲۰) او به مانند پدر آسمانى، مشتاق نيست تا كسى هلاك شود، بلكه مى خواهد ببيند كه همه به توبه مى آيند (دوم پطرس ۳:۹).

صفاتى كه در بالا ذكر شدند تنها به اين ۵ فاكتور خلاصه نمى شود. اما اين صفات بايد به عنوان استاندارد حداقلى براى تعيين بلوغ روحانى به كار روند. هنگامى كه رهبران كليسا، شبانان و مبشرين طرح اوليه را براى كليساى خود آماده مى كنند، خصوصيات ايماندار و شاگرد بالغ را بايد در طرح اوليه خود جاى دهند. با انجام اين كار، آنها تصوير بهتري از ايشان به دست آورده، تلاش مى كنند تا ايمانداران كليسا در راستاى هدف حركت كنند. همانطور كه آنها براى دست يافتن به اين هدف تلاش مى كنند، رهبران در طرح اوليه خود راهكارها و مراحل را جاى مى دهند تا كليساى قوى و سالم بسازند.

۵ اگرچه "همسر يك زن بودن" كه در اول تيموتائوس ۳:۲ آمده است شايد در نگاه اول به جنسى خاص ربط پيدا كند. اما اهميت اين آيه اين است كه شوهر بايد نسبت به همسر خود وفادار باشد. اين صفتى است كه زن نيز بايد دارا باشد. چنين عبارتى، "همسر يك مرد بودن"، در اول تيموتائوس ۹:۵ ذكر شده است.

اهمیت شاگردسازی

شاگردسازی بسیار اهمیت دارد و اگر کلیسا مشتاق است تا تاثیرگذار باشد، باید آن را به اجرا درآورد. همچنین اگر کلیسا بر آن است تا به بلوغ روحانی بالاتری دست یافته، رهبران کلیسایی را تربیت کرده تا دیدگاه کلیسا را ادامه دهند و تبدیل به افراد بزرگی برای خدمت به عیسی شوند، شاگردسازی باید انجام شود. اگر کلیسا گفتار تیموتائوس ۲:۲ را جدی بگیرد، این به تحقق خواهد رسید.

فصل ۷

کلیسا: نیازی برای هم‌رنگ شدن

" ۱ ما که در ایمان قوی هستیم وظیفه داریم که ناتوانی افراد ضعیف را تحمل کنیم و در فکر راحتی خود نباشیم ۲ بلکه بخاطر خیریت و تقویت اطرافیان خود در فکر راحتی آنها باشیم، ۳ زیرا مسیح نیز در فکر راحتی خود نبود چنانکه کتاب مقدس می‌فرماید: اهانت های آنانیکه بتو اهانت می‌کردند به من رسید" (رومیان ۱۵: ۱-۳).

پیشگفتار این فصل

موضوع اصلی این کتاب، تمرکز حول محور تبدیل کلیسا به مرکزی برای تجهیز اعضا، جمع کردن آنها و سپس تشویق آنها برای جمع شدن و انجام بشارت می‌باشد. در نگاه اول، شاید این فصل از این موضوع فاصله می‌گیرد، اما در حقیقت اینطور نیست. به صورت ساده، کلیسای سالم، اعضای سالمی را پرورش می‌دهد و کلیسای ناسالم، اعضای ناسالمی را پرورش می‌دهد. بنابراین شرایطی که کلیسا فراهم می‌کند، بر اعضای آن یا تأثیر مثبت و یا منفی می‌گذارد. بنابراین برای کلیسا مهم است که شرایط و فرهنگی سالم و مثبتی را برای اعضایش فراهم کند. کلیسایی که مرکز تجهیز است از طریق تعالیم قوی و تمرکز بر روی کاربرد کلام خدا به این مهم دست پیدا می‌کند. کلیسایی که هنوز مرکز تجهیز نیست، شرایطی برای پرورش و تغذیه ایمانداران در بر ندارد. اگر رهبران کلیسا اشتیاق زیادی برای بشارت ندارند و فرهنگ و پیش زمینه و محیط اطراف خود را مورد بررسی قرار نمی‌دهند، چگونه انتظار دارند که اعضای کلیسای ایشان این کار را بکنند؟ اعضای کلیسا آن چیزی را که می‌شنوند و یاد می‌گیرند را در زندگی خود جلوه می‌دهند. به همین دلیل، هدف این فصل کمک به رهبران کلیسا برای درک نیازهای کلیسای خود می‌باشد تا بتوانند فرهنگ و محیط اطراف خود را بهتر شناخته و اعضای خود را به بشارت در میان آن فرهنگ تشویق کنند. موضوعات زیر در این بخش بحث شده‌اند:

- درک زمانها
- نیاز برای ساختن پل ها و نه دیوارها
- نیاز به هم‌رنگ شدن
- روشهایی که از طریق آنها مسیحیان می‌توانند متفاوت باشند
- راه کاری برای بشارت
- مژده نجات انجیل چیست و چه نیست
- افرادی را که می‌خواهید بشارت دهید شناخته، طرح اولیه ای را تهیه کرده و آن را به اجرا در آورید
- احترام به دیگران اهمیت دارد

درک زمانها

در بخش انتهایی باب ۱۲ کتاب اول تواریخ، آیه جالبی درباره طایفه یساکار آمده است. این طایفه در زمان انتقال پادشاهی شاول به داوود وجود داشت. در این آیه آمده است:

"از طایفه یساکار: دویست نفر از رهبران و افراد تحت فرمان ایشان. این رهبران کسانی بودند که موقعیت زمانی را درک می‌کردند و می‌دانستند که قوم اسرائیل باید چه کند" (اول تواریخ ۱۲: ۳۲).

پساکار طایفه ای بود که زمانهایی که در آن زندگی می کرد را به خوبی شناخته، و به خوبی می دانست اسرائیل باید چکار کند. به عبارت دیگر، آنها افرادی حکیم بودند. افرادی که دانش کسب کرده و می دانستند آن را در زندگی خود چگونه به کار برند.

کلیسایی که مرکز تجهیز است این را درک می کند که برای اینکه به غیر ایمانداران بشارت انجیل را برساند باید زمانهایی که در آن زندگی می کند را درک کرده و به پاسخ درستی دهد. چنین کلیسایی می داند که نباید از فرهنگ مدرن هراس داشته باشد. در عوض، باید بر آن تفکر کرده و با برنامه ریزی صحیح بر آن تاثیر بگذارد. بی اعتنایی کردن به فرهنگ مدرن پاسخی کودکانه است. کلیساها تحت تاثیر فرهنگ مدرن قرار دارند. اما این مساله که چقدر آنها تحت تاثیر قرار می گیرند بستگی به رهبران آنها دارد. بنابراین، اگر کلیسایی بخواهد به فرهنگی بی اعتنایی کرده و خود را از آن جدا کند، نه تنها کلیسا ناموثر می گردد، بلکه دیگر نمک و نور در دنیایی فاسد نخواهد بود (متی ۵: ۱۳-۱۶). بنابراین، کلیسا باید دست پیشگیرانه را بر گیرد. آنها نباید به اتفاقات اطراف واکنش نشان دهند، بلکه در عوض باید تغییرات مثبت را از طریق قدرت انجیل به وجود آورند. همچنین زمانی که چندین کلیسا با هم کار می کنند تا به این مهم دست یابند، نیروی قوی ایجاد شده و یا حتی شهر، ایالت و کشور را تحت تاثیر خود قرار می دهد.

برای اینکه پیشگیرانه دنیا را تحت تاثیر قرار داد، کلیساها نیاز دارند به خداوند رو کرده و حکمت جویند (يعقوب ۱: ۵-۸). در زمان رویکردن به خداوند (روزها، هفته ها و یا شاید هم ماه ها) کلیساها باید از او بخواهند تا به آنها کمک کرده تا زمانها و محیطی که در آن زندگی می کنند را به خوبی درک کنند؛ و اینکه خداوند از آنها چه انتظاری دارد. هنگامی که کلیساها به این دانش و حکمت می رسند، باید رفتار صحیحی را در برابر فرهنگ مدرن خود اتخاذ کنند و طرح جامعی را برای تاثیر گذاردن به کار بندند. به عبارت دیگر، رهبران کلیسا باید تعیین کنند که چه تعالیم و آموزه هایی باید به اعضا داده شود تا آنها برای این مهم آماده شوند. آنها نیز باید تعیین کنند که چه کارهایی را باید با همکاری کلیساهای دیگر انجام دهند. اینها مسائل مهمی هستند که باید در مورد آنها بحث شود.

نیاز به ساختن پل ها و نه دیوارها

هنگامی که رهبران کلیسا درباره فرهنگ مدرن و زمانهایی که در آن زندگی می کنند می اندیشند، آنها باید به دنبال راه های جدیدی باشند که پل هایی را برای رساندن مژده نجات به غیر ایمانداران می سازند. اگرچه کلیساهایی وجود دارند که دائم مشغول به این کار هستند، در اغلب موارد، غیر ایمانداران به کلیساهایی برمی خورند که شاید ناخواسته دیوارهایی اطراف خود ساخته اند. این می تواند به فقدان دیدگاه و یا زندگی در گذشته و فقدان اشتیاق برای تغییر و تمایل به اقتدار گرایی و یا شاید بی میلی به پذیرفتن غیر ایمانداران، همانگونه که عیسی آنها را پذیرفت، بازگردد.

تمام موارد بالا شرایط نامساعدی را برای کلیسا به وجود می آورند. چنین کلیساهایی بیمار هستند و نیاز به طبیب دارند. به خاطر این شرایط، آنها نمی توانند به افراد کمک روحانی کرده و حتی غیرایمانداری که در چنین کلیسایی شرکت می کند نیز ممکن است احساس ناخوشایندی داشته باشد. زیرا چنین کلیساهایی چیز خاصی برای ارائه ندارند. حتی ممکن است غیرایماندار آنها را ترک کرده و دیگر به هیچ کلیسایی نرود؛ به گمان اینکه ممکن است دیگر کلیساها نیز اینگونه باشند. چنین کلیساهایی تمرکز خود را از دست داده اند. عیسی باید همان محبت اصلی و اول آنها باشد. اما ایشان از این محبت اصلی منحرف شده و تنها به برگزاری کلیسا مشغول هستند و به مانند کلیسا رفتار نمی کنند، کلیسایی که زنده است و رشد می کند. بنابراین آنها فقط وجود دارند و زندگی در آنها وجود ندارد و فاقد دیدگاه و امید هستند. اینگونه کلیساها به سادگی می توانند به جماعتی که فقط یک سری رسوم را اجرا می کنند تبدیل گردند. به عبارتی دیگر، هر هفته تنها یک سری مراسمات را به اجرا در می آورند تا جلسات کلیسا را بگذرانند. هنگامی که همچنین کلیساهایی در این دور باطل می افتند، چیزهایی مانند بشارت، مطالعه کلام خدا و خدمت به دیگران کمتر و کمتر می شوند. در نتیجه، اعضا دیدگاه و

اشتیاق خود را برای خدمت از دست می دهند و در نهایت هر روز کم ثمرتر می شوند. چنین جماعتی مانند شاخه های خشکیده بی ثمر می شود (یوحنا ۱۵: ۵-۶).

یکی از دیوارهایی که کلیسا می تواند بنا کند، بر روی خود متمرکز شدن است. وقتی این برای کلیساها اتفاق می افتد، برای آنها سخت می شود که با مردم اطراف ارتباط برقرار کرده و آنها را جذب کنند. افرادی که با اعضای کلیسا فرق می کنند دیگر به گرمی خوش آمد گفته نمی شوند؛ مگر اینکه بعداً به مانند اعضای کلیسا درآیند. اینگونه کلیساها بر خلاف عیسی به مکانی تبدیل می شوند که با خراجگیران و گناهکاران ارتباطی ندارند (متی ۱۱: ۱۹؛ لوقا ۱۵: ۱-۲) و دیگر فاحشه ای را نمی پذیرند (لوقا ۷: ۳۶-۵۰). افرادی را که به موسیقی راک گوش می دهند، سیگاری هستند، موی خود را رنگ می کنند، بدن خود را سوراخ کرده و یا از نژادهای دیگر هستند را نمی پذیرند. متأسفانه این کلیساها مأموریت بزرگ عیسی را درک نکرده اند. در متی ۲۸: ۱۹-۲۰ آمده است:

"۱۹ پس بروید و همه ملت‌ها را شاگرد من سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید ۲۰ و تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما گفته ام انجام دهند و بدانید که من هر روزه تا اتقضای عالم با شما هستم".

دیوار بزرگ دیگری که کلیساها می سازند قانون مداری و رسوم ساخته شده در کلیسا هستند. اگر چه موارد ذکر شده تا حدودی در کلیسا احتیاج هستند، کلیساها باید مطمئن شوند که سیستمی انسانی را به وجود نمی آورند تا افراد را از رابطه ای زنده با خداوند زده کنند؛ رابطه ای که انجیلی است و اشتیاق برای بشارت دارد. هنگامی که سیستم انسانی در کلیسا زاده می شود، معمولاً افراد نگران سیستم هستند تا خداوند. آنها مرکز توجه خود را بر روی سیستم و ساختار کلیسا می گذارند تا نیازهای کلیسا و ایمانداران. انسانها بسیار زود به عادت خو می گیرند و زود کلیسایی می سازند که در آن استانداردهای انسانی وجود دارند. این در آنها غرور کاذب ایجاد کرده و فرهنگ کلیسایی را به وجود می آورد که ناسالم، خشک و فریسی گرایانه می باشد. مراقبت از سیستم هدف اصلی کلیسا می شود، تا آنجایی که با اطرافیان کلیسا دیگر رابطه خاصی ندارند. چنین کلیساهایی معمولاً قادر به رساندن پیام نجات به فرهنگهای مدرن اطراف خود نیستند. روش های آنها بسیار سخت گیرانه می باشند و از افراد توقع دارند که به مانند سیستم ایشان رفتار کنند. اینگونه کلیسایی البته ممکن است رشد کند، به این دلیل که کلیسای دیگری در اطراف آن محل نیست و یا اینکه فرزندان افراد در آن شرکت می کنند. دلیل دیگری که شاید چنین کلیسایی رشد داشته باشد توافق افراد با سیستم آن کلیسا است و این آنها را وادار می دارد که گمان کنند این سیستم را خداوند به وجود آورده است. بنابراین، افراد فکر می کنند باید از آن محافظت کنند، ولی حقیقت این است که چنین کلیسایی راه خود را گم کرده است.

جالب است که ذکر شود که بعد از شورای اورشلیم، هنگامی که فریسیان اصرار ورزیدند که غیر یهودیان به شریعت موسی عمل کنند (اعمال ۱۵: ۱-۵)، آنها بر روی نکات زیر توافق کردند:

"۲۸ رای روح القدس و ما بر این تعلق گرفته است که جز دستوراتی که در زیر می آید بار شما را سنگین تر نسازیم ۲۹ و آن اینست که از هر چه برای بت ها قربانی شده و از خون و حیوانات خفه شده و زنا دوری جوئید. چنانچه از این چیزها پرهیز کنید کار نیکویی انجام داده این، والسلام" (اعمال ۱۵: ۲۸-۲۹).

یکی از استدلال های پطرس که به صادر شدن این حکم انجامید به این ترتیب بود:

"پس حالا چرا می خواهید با نهادن باری بردوش این مؤمنین - باری که نه ما و نه پدران ما قدرت تحمل آنرا داشتیم خدا را بیازمائید؟" (اعمال ۱۵: ۱۰).

البته در این حکم انتظاری نانوشته وجود داشت که کلیسای غیر یهودیان باید فرامین عهد عتیق را در نظر داشته باشد. ولی بیش از آن، روح القدس و شورا هیچ قانون دیگری را به آن لیست اضافه نکردند. ایشان نمی خواستند که ایمانداران را با

شریعت و فریسیگری به زحمت بیاندازند (متی ۲۳). از آنها تنها خواسته شده بود که فساد را کنار گذاشته و غسل تعمید، شام خداوند و رژیم غذایی را حفظ کنند.

این الگوی خوبی برای کلیساهای امروزی می باشد. بدین ترتیب که آنها نیز باید مانند کتاب مقدس، و نه رسومات انسانی زندگی کنند. کلیساها باید بر خلاف رسوم فریسیان و کاتبان زمان عیسی عمل کنند؛ آنهایی که عیسی بدیشان پندی داد:

"۸ شما احکام خدا را کنار گذاشته و به سنتهای بشری چسبیده اید ۹ عیسی همچنین به ایشان فرمود: شما احکام خدا را با زرنگی کنار می گذارید تا رسوم خود را بجا آورید" (مرقس ۷: ۸-۹).

چنین رفتارهایی کلیسا را از خدمت به نیازهای واقعی افراد باز می دارند. همچنین، کلیسا را مجبور می کند تا انرژی و منابع خود را صرف چیزهای بی مصرف کند، درست به مانند آن چیزی که متی ۲۳: ۲۳-۲۴ آمده است:

"۲۳ وای بر شما ای ملایان و فریسیان ریاکار، شما از نعنا و شوید و زیره ده یک می دهید اما مهمترین احکام شریعت را که عدالت و رحمت و صداقت است نادیده گرفته اید. شما باید اینها را انجام دهید و در عین حال از انجام سایر احکام غفلت نکنید. ۲۴ ای راهنمایان کور که پشه را صافی می کنید و شتر را می بلعید".

برای اینکه این اتفاق نیافتد، عیسی باید همان محبت اول کلیسا بماند (مکاشفه ۲: ۱-۷) و نه قوانین و رسومات. کلیساهایی که بر این مسائل تمرکز می کنند بی مصرف شده و به مرگ تدریجی دچار می شوند.

نیاز به همرنگ شدن

استراتژی که کلیساها باید به کار گیرند تا مژده نجات را به غیرایمانداران برسانند در اول قرن نهم تا ۹: ۱۹-۲۳ ذکر شده است:

"۱۹ زیرا اگر چه کاملاً آزادم و برده کسی نیستم، خود را غلام همه ساخته ام تا بوسیله من عده زیادی به مسیح ایمان آورند. ۲۰ برای این منظور وقتی با یهودیان هستم مانند یک یهودی زندگی می کنم و وقتی که بین کسانی هستم که تابع شریعت موسی هستند مانند آنها رفتار می کنم اگر چه من تابع شریعت نیستم ۲۱ و برای این که غیر یهودیان که شریعت موسی را ندارند به مسیح ایمان آورند همرنگ آنان شدم منظورم نافرمانی از شریعت خدا نیست چون در واقع من تحت فرمان مسیح هستم ۲۲ همچنین در میان افراد ضعیف مثل آنها ضعیف شدم تا بوسیله من آنها به مسیح ایمان آورند. در واقع با همه همرنگ شده ام تا به هر نحوی وسیله نجات آنها بشوم. ۲۳ همه این کارها را بخاطر انجیل انجام می دهم تا در برکات آن سهیم گردم".

در این آیات پولس بیان می کند که با وجود اینکه او شهروند روم، و برده هیچ شخصی نبود، اما مخصوصاً خود را غلام همه ساخت (آیه ۱۹). چگونه او این کار را انجام داد؟ با یهودیان مثل یهودیان، با ضعیفان مثل ضعیفان و با غیر یهودیان که شریعت را نداشتند مثل آنان برخورد کرد. به عبارت دیگر اگرچه او شخصی آزاد بود، به مانند غلامی رفتار کرد تا بتواند به دیگران بشارت دهد و در آیه ۲۲ پولس ادامه می دهد که "با همه همرنگ شدم تا به هر نحوی وسیله نجات آنها بشوم". پولس به خواست خود، راحتی و حتی بعضی چیزهایی که برای او اهمیت داشتند را کنار گذاشت تا جان افراد را برای مسیح نجات دهد. البته به یاد داشته باشید که او ایمان خود را مصالحه نکرد. در آیه ۲۱ او گفت: "منظورم نافرمانی از شریعت خدا نیست چون درواقع من تحت فرمان مسیح هستم". همرنگ افراد شدن به معنی تغییر دکترین و اعتقاد نمی باشد؛ مگر اینکه شخص پی ببرد آن چیزی که پیش تر به آن اعتقاد داشته صحیح نبوده است.

رفتار و برخورد پولس باید الگویی برای کلیسا و اعضای آن باشد. برای اینکه مژده نجات را به افراد رساند، کلیساها نباید بین خود و غیرایمانداران دیوار کشیده و فاصله ایجاد کنند؛ بلکه باید وجوه مشترک را در نظر بگیرند. راههای را باید در نظر گرفت که اعضای کلیسا را به غیر ایمانداران وصل می کنند. برای اجرای این الگو، کلیسا باید از خداوند بخواهد تا به آن حکمت داده، درک صحیحی از کتاب مقدس پیدا کرده تا عادات و رفتارهای پیشین را ترک کند. کلیسا باید بر روی حقایق اصلی انجیل متمرکز شود. برای اینکه این به وقوع بپیوندد، ایمانداران نیز باید از راحت طلبی دوری کرده و از چیزهایی که برایشان اهمیت ظاهری دارد دست بکشند. هنگامی که رهبران کلیسا تغییرات لازم را در فرهنگ کلیسا به وجود می آورند، امکان درخواستن مشکلات وجود دارد. اگرچه شاید مشکلاتی به وجود آیند، نتیجه تغییرات، خداوند را جلال داده و جانهای زیادی را نجات خواهد داد. شبان و مبشر با حکمت، تغییرات را پس از صرف وقت زیادی در تعلیم و دعا انجام می دهند. در نهایت آنها باید تصمیم بگیرند که چه جنبه هایی باید بماند و چه چیزهایی باید حذف شوند. تنها آن چیزهایی که باعث می شوند که کلیسا به صورت سالم رشد کند باید بمانند. همچنین در زمان ارزیابی کلیسا، اعضای آن باید هدایت شده تا دلایل تغییر را بدانند. این کار از طریق موعظه هایی از سکوی موعظه، مطالعات کتاب مقدس، گروه های شاگردسازی، جمع های کلیسایی و غیره صورت می گیرد، و باید از طریق کلام خدا به آنها گفته شود که کلیسای سالم چه عملکردی دارد.

زمانی که این تغییرات صورت می گیرد، کلیسا باید دیدگاه خود را از جامعه مدرن اطراف ارزیابی کند. برای اینکه کلیسا فرهنگ اطراف را تحت تاثیر خود قرار دهد، باید اول آن را درک کند. کلیسا باید فرهنگ آن دسته از افرادی که می خواهد به آنها بشارت دهد را بفهمد. کلیساها نباید گمان کنند به صورت خودکار فرهنگ اطراف را درک می کنند. ممکن است که آنها ارتباط خود را با دنیای اطراف کم کرده باشند و برای مدت زیادی با آن رابطه ندارند. چنین کلیساهایی به مانند کلوپ ها و باشگاه های خصوصی می مانند. یکی دیگر از دلایل کم شدن ارتباطات، ارزیابی نکردن زندگی افراد اطراف کلیسا می باشد. درک جنبه انجیلی زندگی انسان (اینکه انسان گناهکار است) و اینکه چرا فرهنگ مدرن مانند وضع امروزی است، می تواند به رهبران کلیسا در درک رفتارها، جنبش ها و عادات امروزی افراد کمک کند. هنگامی که کلیسا جنبه های فرهنگ مدرن امروزی را درک می کند، می تواند هرچه بهتر در آن نفوذ کرده و آن را تحت تاثیر انجیل قرار دهد.

حال بعضی ها ممکن است بپرسند حتی اگر ایمانداران فرهنگ مدرن را درک نکنند، آیا کتاب مقدس قادر به نفوذ و تغییر آن نیست؟ پاسخ این است که البته که کتاب مقدس می تواند. اما اگر مسیحیان تلاشی برای ساختن پل ها و رساندن انجیل به غیر ایمانداران نکنند، خیلی از غیر ایمانداران شاید هرگز کلام خدا را نشنوند و زندگیشان عوض نشود.

"۱۴ اما اگر به او ایمان نیآورده اند چگونه می توانند به او روی آورند؟ و چگونه می توانند به کسی ایمان آورند که درباره او چیزی نشنیده اند؟ و چگونه می توانند بدون حضور کسیکه آن پیام را اعلام کند چیزی بشنوند؟ ۱۵ و آنها چگونه می توانند پیام را اعلام کنند اگر برای این کار فرستاده نشده باشند؟ چنانکه کتابمقدس می فرماید: چه خوش است قدمهای کسانی که بشارت می دهند. ۱۶ اما همه، آن بشارت را نپذیرفتند زیرا خود اشیاء می فرماید: خداوند چه کسی پیام ما را باور کرده است؟ ۱۷ پس ایمان از شنیدن پیام پدید می آید و پیام ما کلام مسیح است" (رومیان ۱۰: ۱۴-۱۷).

"بنابراین ایمانداران باید رابطه سازی کنند و مژده نجات را به آنهایی که لازم دارند برسانند. برای انجام بهتر این کار ایمانداران باید فرهنگ مدرن را درک کرده و به طرز تفکر غیرایمانداران پی ببرند. این دانش با غلام شدن برای نجات دادن آنها بسیار ثمربخش می باشد" (اول قرنیتان ۹: ۱۹).

پولس فرهنگ و اعتقاد افراد را به خوبی می شناخت. چند نمونه ای که این را به خوبی نشان می دهند، در کتاب مقدس یافت می شوند. به طور مثال، او تیموتائوس را ختنه کرد (اعمال ۱۶: ۱-۳). زمانی که در آتن بود، درباره خدا غریب و ناشناس صحبت کرد (اعمال ۱۷: ۱۶، ۲۲-۲۳). هنگامیکه که می خواست وارد معبد شود، خود را تطهیر ساخت و برای افرادی که نذر کرده بودند پرداخت کرد (اعمال ۲۱: ۱۷-۲۶) و همچنین در تیتوس ۱: ۱۲-۱۳، به او نوشت که

کریتی ها تندخود و دروغگو هستند. در فرایند تحقیق درباره افراد است که کلیساها پی می برند چگونه با یهودیان، یهودی، و با غیر یهودیان، غیر یهودی شده تا ایشان را نجات دهند. امروزه دنیا با سرعت در حال تغییر است و همچنین کلیساها اجتماع خود را در حال تغییر می بینند. در واقع رساندن مژده نجات به آنها مانند رساندن مژده به آنهایی می باشد که با کلیسا کاملاً فرق می کنند. این کلیساها خود را در میان فرهنگ هایی می یابند که با باقی فرهنگ ها متفاوت هستند. بنابراین، باید برای رساندن مژده نجات تغییر کرد. این کار سختی است. باید با کوشش و تلاش کلیسا به سخنان پولس گوش داده و تغییر کند. رهبران کلیسا باید درک کنند که خداوند کلیسای آنها را در مکانی که می خواسته است قرار داده و او صاحب کلیسا است. آنها نیز باید بدانند که:

"بدی را با بدی و لعنت را با لعنت تلافی نکنید، بلکه به جای لعنت برکت بطلبید، زیرا خدا شما را دعوت کرده است تا برکت نصیبتان گردد"(دوم پطرس ۳:۹).

خداوند می خواهد که کلیسا بشارت دهد. برای این کار اعضا باید همرنگ اطراف شوند. اگر کلیسا می خواهد همرنگ افراد شود، این بدین معنی است که اعضا باید یاد بگیرند که دیگران را نیز به حساب آورند، به عنوان مثال، کلیسا باید قوانین تغذیه (یهودیان ارتودوکس، مسلمانانی که گوشت خوک نمی خورند و یا هندوهای که رژیم خاصی دارند) را در نظر داشته باشد. اعضای کلیسا نیز باید درک صحیحی از روزهای مقدس افراد داشته باشند (رمضان و جمعه پرستش برای مسلمانان و روزهای مقدس برای کاتولیک ها و ارتودوکس ها و یا شنبه یهودی). با توجه به موقعیت مکانی کلیسا، کلیسا شاید مایل باشد روز دیگری را برای پرستش اختصاص دهد (مثلاً شنبه بعد از ظهر برای کاتولیک ها). اگر کلیسا در مکانی از شهر قرار دارد که رستوران ها و مغازه های زیادی وجود دارند، ممکن است بخواهد دوشنبه یا سه شنبه مراسم را برگزار کند تا افرادی که تعطیل هستند بیایند. اگر کلیسا را افرادی از نژادهای مختلف احاطه کرده اند، ممکن است احتیاج باشد کلیسا در مورد فرهنگ و رسومات آنها بداند و جلسه پرستشی خود را با ایشان تنظیم کند. اگر کلیسا می خواهد به جوانان مژده دهد، شاید باید جلسه کلیسایی مدرنی را برای جوانان و جلسه ای رسمی تر را برای افراد مسن برگزار کند. به عبارت دیگر، کلیساها باید شرایط، محیط و فرهنگ اطراف را آنالیز کرده، به درون آن نفوذ کرده، و مژده نجات را برسانند.

لطفاً به یاد داشته باشید که منظور از همرنگ افراد شدن، مصالحه اعتقاد و ایمان نیست. همانگونه که پولس در اول قرن نهم ۲۱:۹ گفت: "منظورم نافرمانی از شریعت خدا نیست چون من تحت فرمان عیسی هستم". بنابراین، مسیحیان نباید وجدان خود را هنگام همرنگ شدن با اطراف از بین ببرند و همچنین دکترین و اعتقاد خود را تغییر دهند. همرنگ افراد شدن باید در چارچوبی صورت بگیرد که ایماندار بتواند سیستم اعتقادی افرادی که می خواهد بشارت دهد را بفهمد و درک کند.

حال این پرسش پیش می آید که کلیسا چه تغییراتی را باید به وجود آورد تا بتواند به غیر ایمانداران مژده نجات را بدهد؟ سوالات دیگری هم وجود دارند، به مانند اینکه چه چیزی را افراد کلیسا باید کنار بگذارند و چه چیزهایی برای جماعت ارزشمند و حیاتی هستند؟ کلیسا باید از پولس رسول الگو برداری کند، تغییرات لازم را بوجود آورده، و به سمت هدف پیش رود. همه اینها روزی مورد ستایش خداوند قرار خواهند گرفت.

روشهایی که از طریق آنها مسیحیان می توانند متفاوت باشند

اینکه مسیحیان باید همرنگ مردم اطراف شوند، سر بحث دیگری نیز باز می کند و اینکه مسیحیان چه فرقی باید با دنیا داشته باشند. همانگونه که در فصل پیش بحث شد، این بسیار به جا است که فرهنگ مدرن اطراف مورد بررسی قرار گیرد. همچنین شخص باید بتواند تفاوت های بین فرهنگ کلیسا و فرهنگ اطراف را به خوبی دریابد و بر روی آنها پل بزند. اختلاف این دو فرهنگ مبحث این فصل است.

اگرچه مسیحیان باید همرنگ افراد شوند تا بتوانند به آنها بشارت دهند، مسیحیان همچنان در این دنیا غریبه هستند. آنها باید از لحاظ اخلاقیات، رفتار و اعتقادات همچنان غریبه بمانند. پطرس این را روشن ساخت وقتی نوشت:

"۱۱ ای عزیزان، از شما که در این دنیا غریب و بیگانه هستید تقاضا می کنم تسلیم شهوات نفسانی که همیشه با روح ما در جنگ است نشوید، ۱۲ بلکه چنان در میان مردم خدا ناشناس با راستی و درستی زندگی کنید که اگر چه در حال حاضر شما را متهم به بدکاری می کنند با دیدن اعمال نیک شما خدا را در روز بازپسین تمجید نمایند" (اول پطرس ۲: ۱۱-۱۲).

به عنوان ایمانداران ما باید به دنبال راه هایی باشیم تا به فرهنگ مدرن نفوذ کرده و آن را تحت تاثیر انجیل عیسی قرار دهیم. ما باید متوجه باشیم:

۱. ما در رابطه هایمان همرنگ افراد می شویم
۲. در رفتارمان با خداترسی عمل می کنیم

این دو جنبه برای اینکه ایمانداران متفاوت باشند، بسیار حیاتی هستند. با این حال، کلیساها هرگز نباید رفتار خدایسندانه را مصالحه کنند تا مژده نجات را برسانند. انجام این کار غیر قابل قبول است.

راه های دیگری برای متفاوت بودن ایمانداران وجود دارند. ایشان باید همانند عیسی مسیح با غیرایمانداران با محبت، احترام و ملایمت برخورد کنند. به مانند مسیح، آنها نباید گناهان افراد خدانشناس را تایید یا قبول کنند. به عبارت دیگر، همرنگ افراد شدن به معنی شرکت در گناه آنان نیست (رومان ۶: ۱-۲، ۶: ۱۵؛ افسسیان ۴: ۱۷-۲۰). ایمانداران باید در ایمان خود ثابت بمانند و در چالشهای زندگی با امید و ایمان، پایدار باشند و به خداوند زنده اعتماد کنند. آنها باید به عنوان افرادی که جلوه گر امید، محبت، آرامش، شکیبایی، نیکی، وفاداری، ملایمت و خویشتنداری هستند از دیگران متمایز باشند. همچنین مسیحیان بعضا عجیب می نمایند، هنگامی که غیرایمانداران زندگی آنها را مورد کاوش قرار می دهند، زیرا زندگی آنها با زندگی مردم دنیا فرق می کند. اما آیا این چیزی آن است که غیرایمانداران در خیلی از کلیساها می بینند و یا اینکه آنها ایمانی مرده، غرور، ریاکاری و حتی انجام گناه را مشاهده می کنند؟ مسیحیان باید فرق کنند اما فرق آنها باید مثبت باشد. این تفاوت باید بر چیزهای صحیح متمرکز باشد و آنها نباید مانند فریسیان خودخواه و ریاکار بنمایند.

راه کاری برای بشارت

جنبه دیگری از همرنگ اطراف شدن، درک صحیح کنش و واکنش با غیر ایمانداران است. هنگامیکه پولس رسول از کولسیان درخواست دعا کرد، به ایشان این پند را داد:

"۲ همیشه با حواس جمع و شکرگزاری دعا کنید. ۳ برای ما نیز دعا کنید که خدا برای اعلام پیام خود، فرصت مناسبی به ما بدهد تا آن حقایقی را که در باره مسیح پوشیده بود اعلام کنیم (بسبب این است که من اکنون در زندان هستم. ۴ و دعا کنید تا آنطوریکه وظیفه من است این سر را آشکار سازم. ۵ در مناسبات خود با افراد غیر مسیحی رفتار عاقلانه داشته باشید. از فرصتهایی که اکنون در دسترس شماست حداکثر استفاده را بکنید. ۶ گفتار شما پیوسته جالب و ملیح باشد و یاد بگیرید که چگونه به هر کس پاسخ مناسبی بدهید" (کولسیان ۴: ۲-۶).

این آیات اصول مهمی را در بر دارند که برای بشارت موثر لازم هستند. این اصول بشارت در زیر آمده است:

- برای دری باز برای بشارت دعا کنید
- برای سخن گفتن صریح دعا کنید
- حکیمانه رفتار کنید
- از هر فرصت استفاده کنید
- در سخن گفتن مواظب باشید
- متوجه ملایمت در گفتار تان باشید
- همچنین همچون نمک باشید
- بدانید چگونه به افراد پاسخ دهید

این آیان نشان می دهند که ایمانداران باید به دنبال هر فرصتی برای بشارت باشند. کلیسایی که مرکز تجهیز است از فرصتها استفاده می کند تا به افراد خود تعلیم دهد. بشارت نباید مانند فرصتی باشد که گربه ای بر روی موش می پرد. بلکه باید زمانی گوش دادن، سوال پرسیدن و ایجاد رابطه و اعتماد و دوستی با شخص باشد. همچنین باید زمانی برای نشان دادن محبت، مهربانی و مقداری خنده و شاید گریه باشد. اگر از این زمان به خوبی استفاده شود و دوستی ایجاد شود، غیر ایماندار بیشتر علاقمند به شنیدن می شود. اعضای کلیسا باید تعلیم ببینند که چگونه این کار را انجام دهند. نباید در نظر گرفته شود که تصادفی این اعمال صورت پذیر است.

چیز دیگری که باید در نظر گرفته شود، مسایلی است که غیر ضروری هستند. مسیحیان نباید تبلیغات گسترده ای در اثبات نخوردن مشروب یا نکشیدن سیگار و فحاش نبودن انجام دهند. این بدین دلیل است که این چیزها انسان را مسیحی نمی کنند. تنها عمل عیسی مسیح است که نجات می دهد. البته منکر آن نمی شوم که قسمتی از چیزهای بالا نتایج عالی نجات هستند، ولی از آن برای نجات شخص استفاده نمی گردد. در واقع چنین عباراتی بر سر راه بشارت سنگ می اندازند. شخص غیر ایماندار شاید سیگار و مشروب استفاده کند، و زمانی که چنین عباراتی را می شنود اجازه ندهد که مژده نجات را به او بدهید. در واقع چیزهای دیگری که در انجام بشارت ضروری نیستند باید کنار گذاشته شوند. غیرایماندار باید بداند بدون عیسی امیدی به نجات ندارد. حال اگر او حتی سیگار، مشروب یا فحش را کنار گذارد، اما قدم اصلی، که ایمان به عیسی است را بر ندارد، نجات ندارد. بنابراین، احتیاج انسان به نجات، در قدم اول، ملاقات با نجات دهنده یا همان عیسی مسیح است. البته عده زیادی هستند که آن اعمال را انجام نمی دهند و مسیحی هم نیستند. یک مسیحی این کارها را انجام نمی دهد، به خاطر آنکه به عیسی ایمان دارد، و افراد دیگر نیز به دلایل شخصی این کارها را انجام نمی دهند. به همین دلیل، موضوعات ذکر شده در بشارت را در ذهن داشته باشید. بیاییم اکنون نگاه خود را بر روی موضوع بعدی متمرکز کنیم.

مژده بشارت چیست و چه نیست

هنگامی که مژده نجات را با شخصی در میان می گذارید، نقطه تمرکز مژده چه باید باشد؟ آیا نقطه تمرکز باید این باشد که شخصی که به وی مژده داده می شود نگون بخت است و تمام زندگی ابدی خود را در دوزخ خواهد بود؟ و یا شاید نقطه تمرکز باید این باشد که شخص پس از ایمان به عیسی مسیح زندگی جاودانه ای را خواهد داشت و پس از مرگ در ابدیت با خدا خواهد بود؟ این سوال مهمی است زیرا پیام انجیل، در مواقعی هنگامی که به افراد مختلف را بشارت می دهیم، از هدف اصلی خود فاصله می گیرد. بنابراین مهم است که ببینیم چگونه مژده نجات در انجیل بیان شده است. آیاتی از عهد جدید که در این باره سخن می گویند در زیر آمده است:

۱" ای برادران، اکنون می خواهم مژده ای را که قبلاً بشما اعلام کرده بودم و شما قبول نمودید و در آن پایدار هستید بیاد شما بیاورم. ۲ اگر به آن متوسل باشید بوسیله آن نجات می یابید، مگر این که ایمان شما واقعی نباشد. ۳ آنچه را که به من رسیده بود - یعنی مهمترین حقایق انجیل را بشما سپردم و آن این است که مطابق پیش گوئی های تورات و نوشته های انبیاء، مسیح برای گناهان ما مرد. ۴ و مدفون شد و نیز بر طبق کتاب مقدس در روز سوم زنده گشت ۵ و بعد خود را به پطرس و پس از آن به دوازده حواری ظاهر سخت" (اول قرننیا ۱:۱۵-۵).

پولس به قرننیا یادآوری می کند که مژده انجیلی که به ایشان موعظه کرد چنین بود.

- شما آن را دریافت کردید
- شما در آن ایستاده اید
- شما نجات پیدا کرده اید

پولس یادآوری می کند که مژده ای که او موعظه کرد، افراد بدان ایمان آورده، قبول کرده و بر طبق آن زندگی کرده و اکنون نجات دارند. او سپس ادامه می دهد اگر بر کلامی که بر شما موعظه شده است بیایستید، چیزی که بدان ایمان دارید به هدر نرفته است. چیز پراهمیت این است که مژده نجاتی که آنها پذیرفتند، آنها را نجات داد و باید به یاد داشته باشیم سخنانی که پولس به آنها انتقال داد صحیح و کتاب مقدسی بودند. بنابراین، از این آیات می توان چنین نتایجی را گرفت و نکات مهمی را درباره بشارت به غیرایمانداران درک کرد. این نکات را پولس اینچنین می آورد:

۱. عیسی به خاطر گناهان ما بر طبق کتاب مقدس مرد

۲. او دفن شد

۳. در روز سوم رستاخیز پیدا کرد

۴. او به دوازده تن ظاهر شد

چیزی که ما در این چهار نکته مشاهده می کنیم، ۶ جنبه مهم بشارت را در بر دارند:

۱. عیسی برای گناهان ما مرد

۲. انسانها گناهکار هستند

۳. مرگ عیسی بر طبق برنامه خدا بود

۴. عیسی دفن شد

۵. روز سوم بر طبق برنامه خدا رستاخیز پیدا کرد

۶. بعد از مرگ و رستاخیز، شاگردانش او را زنده دیدند

این ۶ جنبه بالا باید نقطه تمرکز بشارت ایمانداران باشند. البته آیات دیگری از کتاب مقدس موجود می باشند که برای بشارت می توان استفاده کرد. اما نکته های بالا باید هسته اصلی باشند. چیزهایی مانند شاخه کلیسایی، مشروب یا سیگار مصرف کردن موضوعات اصلی نیستند. موضوع اصلی این است که عیسی بر روی زمین آمد، برای گناهان ما مرد، دفن شد، رستاخیز کرد و شاگردانش او را دیدند. وقتی به موعظه های کتاب اعمال رسولان ۲: ۱۴-۳۶، ۳: ۱۱-۲۶، ۱۰: ۳۴-۴۳، ۱۶: ۱۳-۴۱ نگاه می کنیم، تک تک این موضوعات در آنها یافت می شوند. اگرچه در اعمال ۲۶: ۱۲-۲۳ پولس درباره دفن شدن عیسی سخن نمی گوید، این حقیقت که درباره رستاخیز عیسی سخن می گوید به دفن شدن او نیز اشاره دارد. همچنین پولس نمی گوید که عیسی بر شاگردان ظاهر شد، در عوض می گوید بر او در راه دمشق ظاهر شد (اعمال ۱۶: ۲۶).

بنابراین در موقع بشارت این نکات اصلی را باید به یاد داشته باشیم.

افرادی را که می خواهید بشارت دهید شناخته، طرح اولیه ای را تهیه کرده و آن را به اجرا در آورید

برای اینکه کلیسا در بشارت موفق باشد باید برنامه استراتژیکی آماده کند. در این فرایند کلیسا باید مراحل مختلفی را جهت آماده سازی در طرح اولیه طی کند.

در مرحله اول کلیسا باید مخاطبان خود را تعیین کند و سوالاتی نظیر این را بپرسند:

افرادی که می خواهیم بشارت دهیم چه کسانی هستند؟

- خانواده ها
- مجردها
- افراد حرفه ای
- کودکان
- گروه مذهبی یا نژادی خاص

هنگامی که مخاطبان به طور دقیق تعریف شدند باید اطلاعات جغرافیایی مکانی که مخاطبان در آن زندگی می کنند بررسی شود. شاید حکومت نتایج سرشماری و یا اطلاعاتی درباره آن افراد داشته باشد. همچنین، اگر افرادی که کلیسا می خواهد به آنها بشارت دهد جزء فرهنگی نیستند که کلیسا در آن واقع شده است، ممکن است کلیسا بخواهد برفرض در اینترنت اطلاعاتی درباره آنها کسب کند. از این روش می توان برای درک بهتری از مخاطبان غیر ایماندار و خانواده هایشان به دست آورد. همچنین سوالات زیر می توانند سودمند باشند:

- اعتقادی اصلی یا ادیان آنها چیست؟
- چه روزهایی آنان پرستش می کنند؟
- رسوم آنها در هنگام پرستش چیست؟
- چه مسایل فرهنگی باید در نظر گرفته شود هنگامی که به ایشان بشارت داده می شود؟
- چه رسومی برای آنها مهم است؟
- شغل آنها چیست؟
- راه اصلی حمل و نقل آنها چیست (وسیله شخصی یا حمل و نقل عمومی یا پیاده و یا غیره)؟
- آیا آنها افرادی با شغلی حرفه ای هستند یا خیر؟
- دیدگاه سیاسی آنها چیست؟
- سطح تحصیلاتشان چیست؟
- تفریحاتشان چیست؟
- آیا معمولاً خانواده هستند یا افراد پیر یا مجرد؟
- وضع مالی و سطح زندگیشان به چه شکل است؟
- مشکلات اصلی آنها چیست (اقتصادی، سیاسی، اقلیمی و غیره)؟
- گناهان اصلی که آنها بدان مشغول هستند چیست (مشروب خوری، فساد اخلاقی، مصرف یا پخش مواد مخدر، سوء استفاده از کودکان و همسران و غیره)؟
- چیزهای مورد علاقه آنها چیست؟
- چه چیزهایی مایه نگرانی آنها است؟

- چه مشکلات، نگرانی‌هایی و یا گناهانی وجود دارند که کلیسا به آنها بر خواهد خورد؟
- چگونه کلیسا در آن اجتماع می‌تواند نیاز افراد را برطرف کند؟
- خدمات کلیسا به این اجتماع چیست؟
- چه قوانین، رسومات و یا اعمالی را کلیسا باید کنار بگذارد تا بتواند به صورت موثر به ایشان مژده نجات را داده و خدمت کند؟
- چه کارهای جدیدی را کلیسا می‌تواند به کار بندد تا به طور موثر به اجتماع اطراف برسد؟
- چگونه می‌توان مژده نجات را از طریق خدمت‌های مختلف به اجتماع ارائه داد، تا افراد به صورت دائم بشنوند و خسته نشوند؟

معمولاً پاسخ به این سوالات بسیار سخت نخواهد بود چرا که کلیسا به فرهنگی که به آن بشارت می‌دهد نزدیک است. اما پاسخ به این سوالات ثمربخش خواهد بود. همچنین زمانی که شما آنالیز انجام می‌دهید، به جنبه‌های مثبت زندگی افراد نیز نگاهی بیاندازید. تنها صفات منفی فرهنگ موجود را مطالعه نکنید. دانستن صفات مثبت می‌تواند در هنگام بشارت به شما کمک کند. هر شخص دوست دارد نکته مثبتی در مورد فرهنگ خود بشنود. بنابراین شما می‌توانید از این نکات مثبت استفاده کرده و به شخص را بشارت دهید. هنگامی که اطلاعات کافی جمع‌آوری شد، می‌توان طرحی اولیه را آماده ساخت. در هنگام تهیه طرح اولیه، به مواردی که کلیسا از طریق آن می‌تواند به صورت موثر بشارت دهد توجه نمایید:

۱. احتیاجات اجتماع افراد چیست؟
۲. چگونه کلیسا می‌تواند بخشی از اجتماع شود؟
۳. چگونه می‌تواند با افراد اجتماع رابطه‌سازی کند؟
۴. چه جنبه‌های مثبتی از اجتماع مورد استفاده کلیسا خواهد بود؟
۵. چگونه کلیسا می‌تواند به خانواده‌ها کمک کند؟

هنگامی که رهبران کلیسا این موضوعات را بررسی می‌کنند، نکات زیر را باید به یاد داشته باشند:

- از چه راه‌هایی کلیسا می‌تواند استفاده کند تا به افراد بشارت دهد؟
 ۱. با آنها جشن بگیرد
 ۲. اعضا را در جشن‌ها و یا راهپیمایی‌ها شرکت دهد
 ۳. به افراد اجتماع به خاطر دست‌یابی‌هایشان تبریک بگوید
 ۴. جلسات پرستشی خاصی را برای افراد اجتماع در نظر بگیرد
 ۵. اعمال محبت‌آمیز در اجتماع انجام دهد
- چگونه اعضای کلیسا می‌توانند برای این کار آماده شوند؟
 ۱. از طریق خدمت موعظه
 ۲. مطالعات انجیل
 ۳. گروه‌های شاگردسازی
 ۴. تعلیم خاص
- چه منابعی را کلیسا باید برای رساندن موعظه نجات به اجتماع به کار گیرد؟
 ۱. مسائل مالی
 ۲. خوراک یا پوشاک

۳. برگزاری جلسات پرستشی که با وقت اعضای اجتماع سازگاری دارد
۴. اجاره مکان هایی که برای افراد اجتماع مناسب هستند
۵. غیره

• آیا افراد خاصی هستند که کلیسا باید با آنها رابطه برقرار کند تا بهتر به اجتماع دسترسی داشته باشد؟

۱. افرادی در حکومت
۲. رهبران محلی اجتماع
۳. تاجران
۴. غیره

هنگامی که طرح اولیه تهیه می شود زمان اجرای آن می رسد. از طریق برنامه ریزی دقیق و اجرای مرحله به مرحله آن می توان به افراد بشارت موثری داد. مانند هر برنامه ریزی، شاید قدمهای اول موفق آمیز نباشند. هنگامی که این اتفاق می افتد، هراسان نشوید و به جلو پیش روید. نکته کلیدی، حرکت پیش روی است. توقف نکنید. به خداوند چشم بدوزید تا پیروزی را کسب کنید.

احترام به دیگران اهمیت دارد

هرچقدر بیشتر اعضای کلیسا با مردم و فرهنگ آنها آشنا شوند، بهتر و موثرتر می توانند به آنها بشارت دهند. هنگامی که با افراد با محبت و احترام برخورد می شود، رابطه دیگران با اعضای کلیسا تغییر می کند. اگر اعضای کلیسا برخوردی خودخواهانه داشته باشند، جامعه اطراف آن را درک خواهد کرد و در نهایت از آنها زده خواهد شد. اعضای کلیسا همچنین باید به یاد داشته باشند که آنها نیز روزی از عیسی دور بودند و با نا امیدی به سمت نابودی پیش می رفتند. بنابراین باید به یاد داشته باشند که همان خدای با محبت و مهربان می خواهد مرده نجات را به افراد غیرایمانداری که در جامعه آنها هستند نیز برساند.

فصل ۸

گام بعدی: حرکت به جلو

"۱ من که یک رهبر کلیسا هستم و شاهد زحمات مسیح بودم و در آن جلال که قرار است به زودی ظاهر شود شریک و سهیم خواهم بود، از شما رهبران کلیسا تقاضا می‌کنم: ۲ از گله ای که خدا به شما سپرده است شبانی و مراقبت کنید و کاری که انجام می‌دهید از روی اجبار نباشد، بلکه چنان که خدا می‌خواهد آن را از روی میل و رغبت انجام دهید، نه به منظور منفعت شخصی بلکه با حسن نیت و علاقه. ۳ سعی نکنید بر آنانی که به دست شما سپرده شده اند خداوندی نمائید، بلکه برای آن گله نمونه باشید. ۴ و شما در وقتی که شبان اعظم ظاهر می‌شود تاج پرجلال را خواهید ربود که هرگز پژمرده نمی‌شود" (اول پطرس ۵: ۱-۴).

تعهدی برای حرکت به جلو

گاهی پس از مطالعه کتابی، شما غرق مطالبی می‌شوید که خوانده اید و نمی‌دانید به کدام سمت رفته و یا از کجا آغاز کنید. من امیدوارم که این اتفاق در مورد این کتاب برای شما نیافتد. به همین دلیل من این فصل را در این کتاب گنجانیده‌ام. امیدوارم که با به کار گیری این اصول ذکر شده در این کتاب، در کلیسای خود، پیشرفت را برای مسیح به ارمغان آورید. اگر کلیسای شما مواردی را که در این کتاب ذکر شده است را انجام می‌دهد، امیدوارم که در آینده بیشتر ثمربخش شود. اگر کلیسای شما مرکز تعلیمی برای تجهیز اعضا برای خدمات مختلف نیست، امیدوارم این نیز تغییر کند. در واقع اگر می‌خواهید کلیسایی ثمربخش داشته باشید، باید چنین تغییراتی را به وجود آورید.

با این حال، تغییرات در کلیسای شما ممکن است با سرعت پیش نرود. زمان لازم است تا تغییرات به نحو احسن در کلیسا صورت گیرند. اگر شما سعی کنید در کلیسای خود تمام تغییرات را در یک شب انجام دهید، به دلایل مختلفی شکست خواهید خورد. یکی از دلایل این است که هنگامی که افراد با شتابزدگی عملی را انجام می‌دهند، زمان کافی برای تفکر ندارند. ممکن است اعضا نتوانند خود را با تغییرات سریع وقف دهند؛ اگرچه ممکن است عده ای نیز تغییرات را با آغوشی باز بپذیرند. دلیل دیگر شاید این باشد که کلیسای شما افرادی تعلیم دیده برای ایجاد تغییرات نداشته باشد. این البته با گذشت زمان بهتر می‌شود. اما بهتر است شالوده ای محکم گذارده شده و بر روی آن بنا کرد، تا کاری شتابزده و در نهایت شکست خورده داشته باشیم. شکست باعث ناامیدی و یاس می‌شود و همچنین ممکن است کلیسای شما را برای تغییرات آینده باز دارد. بنابراین، شما باید در این فرایند با حکمت عمل کنید. بنابراین، قدم به قدم پیش رفته و از پیشرفت باز نایستید تا به هدف دست یابید.

فرایند

برای اینکه کلیسای خود را به مرکز تجهیزاتی که ایمانداران بالغ تربیت می‌کند تبدیل کنید، باید فرایندی منطقی را طی نمایید. خداوند به شما کاری غیرممکن را نسپارده است. اما این کاری است که از طریق قدرت او انجام می‌پذیرد. اگرچه بعضی از کلیساها ممکن است به خاطر بلوغ کلیسایی، تعداد اعضا، منابع آنها، نحوه رهبریت و غیره این کار را سریع تر از دیگر کلیساها انجام دهند، رهبران کلیسایی که این فرایند در آن به کندی پیش می‌رود نباید ناامید شوند. یاس و ناامیدی مشکلات به وجود می‌آورند، مخصوصاً وقتی ناامیدی در میان اعضا و رهبران کلیسا که دیگر مایل به تغییر نیستند شعله ور می‌شود. اگرچه ممکن است افراد با شما مخالفت کرده و حتی سعی کنند شما را مایوس کنند، همواره با دعا به جلو حرکت کنید. همچنین مواردی پیش خواهند آمد که افرادی که مایل به تغییر نیستند، مخالفت کرده و سنگ

اندازی کنند. در آن مواقع ممکن است رهبران شاید بخواهند از تادیب کلیسایی استفاده کنند (تیتوس ۳: ۹-۱۰؛ متی ۱۸: ۱۵-۲۰؛ اول قرنتیان ۵). البته این باید راه حل آخر باشد. خداوند می خواهد که شما موفق باشید و به شما در مشکلات کمک می کند. تنها باید صبر کنید و وفادار باشید. وفاداری آنچیزی است که خداوند پاداش می دهد.

در این کتاب چندین نمونه ذکر شده است. دلیل آن این است که هر کلیسا تفاوت‌های خاصی دارد. بعنوان مثال، مکانی که در آن واقع شده است، رهبرانش، شیوه رهبری، اجتماع اطرافش و غیره از کلیسا تا کلیسایی دیگر فرق می کند. همه این فاکتورها کلیساها را منحصر به فرد می سازد. بنابراین شاید آنگونه که یک کلیسا خدمتی را انجام می دهد با کلیسای دیگری در خیابان پایین تر فرق کند. دعا، کلام خداوند و اصولی که در این کتاب ذکر شده اند برای حرکت کلیسای شما رو به جلو کفایت می کنند و خداوند نیز حکمت لازم را به شما اعطا خواهد کرد (یعقوب ۱: ۵-۸).

باوجود این، فرایند توسعه کلیسایی ثمربخش، برای تمام کلیساها یکسان می باشد. ۵ قدم اصلی وجود دارند. همچنین در میان آنها، هشداری وجود دارد که رهبران کلیسا باید از آن باخبر باشند:

قدم اول: خداوند را بجوید

قدم دوم: با دیگران مشورت کنید

قدم سوم: کلیسای خود را ارزیابی کنید

قدم چهارم: طرح اولیه ای آماده کنید

قدم پنجم: طرح را اجرا کنید

هشدار: انتظار حمله شیطان را داشته باشید!

قدمهای ذکر شده و همچنین هشدار در زیر مورد بحث قرار گرفته اند:

قدم اول: خداوند را بجوید

قدم اول در این فرایند، جوییدن خداوند از طریق کلامش می باشد. شما باید رهبران کلیسای خود را جمع کرده و برای دعا و روزه، درخواست حکمت و راهنمایی، متحد کنید. خداوند می داند که کلیسای شما چه احتیاجاتی دارد، بنابراین باید فرایند را از جوییدن خداوند آغاز کنید. همانگونه که یعقوب گفت:

"و شما ای ثروتمندان، برای بلایایی که بر سر شما می آید گریه و زاری کنید" (یعقوب ۱: ۵).

خداوند هم حکمت لازم را به کلیسای شما خواهد داد:

"اما او باید با ایمان بخواهد و در فکر خود شک نداشته باشد، چون آدم شکاک مانند موج دریا است که در برابر باد رانده و متلاطم می شود. ۷ چنین شخصی نباید گمان کند که از خداوند چیزی خواهد یافت، ۸ چون شخص دو دل در تمام کارهای خود ناپایدار است" (یعقوب ۱: ۶-۸).

کار غلطی که کلیسا می تواند انجام دهد تقاضای حکمت و راهنمایی از خداوند، و قدم گذاردن در راهی دیگر بعد از دریافت حکمت و راهنمایی است. چنین کلیسایی نباید انتظار داشته باشد چیزی از خداوند دریافت کند. بنابراین اطمینان حاصل کنید که برنامه ای که خداوند به کلیسای شما می دهد را دنبال می کنید:

"نقشه های خود را به دست خداوند بسپار، آنگاه در کارهایت موقت خواهی شد" (امثال ۱۶:۳).

با درک این حقیقت و تلفیق آن با امثال ۹:۱۶ ("انسان در فکر خود نقشه ها می کشد، اما خداوند او را در انجام آنها هدایت می کند")، می توانید مطمئن شوید که خداوند شما را در راه صحیح هدایت نموده و نتایج خوبی به دست خواهید آورد. حتی اگر شما می خواهید کاری غیر از برنامه خداوند انجام دهید، ولی او را با تمام قلب می جوئید، او شما را در راه صحیح قرار خواهد داد.

قدم دوم: با دیگران مشورت کنید

خداوند، اغلب از افراد یا اتفاقات مختلف استفاده می کند تا هدایت نماید. بنابراین، هنگامی که شما خداوند را می جوئید، مهم است که با دیگران مشورت کرده و بینش و حکمت کسب نمایید.

"نقشه ای که بدون مشورت کشیده شود، با شکست مواجه می گردد؛ اما مشورت زیاد باعث موقتیت می شود" (امثال ۲۲:۱۵).

شما همواره باید آماده پذیرش پند دیگران برای کمک به برنامه خود باشید.

همچنین جستجوی منابع مختلف برای درک بهتر تجارب و حکمت دیگران، شاید شامل موارد زیر شود:

- رهبران کلیسا (در کلیسا شما یا دیگر کلیساهای)
- متخصصانی در زمینه رشد کلیسا
- دانش متخصصان درباره جامعه اطراف (حتی در مورد کشور و یا نژاد شما) که شما مایلید در آن بشارت دهید
- موقعیت جغرافیایی افرادی که مورد بشارت قرار می گیرند
- کتب و مقالات اینترنتی درباره این موضوع
- تحقیق درباره افراد دیگری که در کشور شما یا دیگر کشورها چنین زمینه های خدمتی را انجام داده اند
- شرکت در کنفرانس ها و سمینارهای مختلف

امثال ۱۳:۱۰ می گوید:

"تکبر باعث نزاع می شود، ولی شخص دانا نصیحت را می پذیرد".

کنار گذاشتن غرور و گرفتن پند از دیگران، فرایند را بسیار ساده می سازد و آن را ثمربخش می گرداند.

قدم سوم: کلیسای خود را ارزیابی کنید

همانطور که در بخش ۳ بیان شد، بناگری با حکمت، کلیسای خود را ارزیابی می کند. بنابراین، شما و رهبران کلیسایتان باید موارد زیر را بررسی کنید:

- نقاط قوت کلیسایتان
- نقاط ضعف کلیسایتان
- صفات عمده اعضای کلیسای شما

- نکات تعیین کننده کتاب مقدسی درباره ایمانداران بالغ در کلیسای شما
- نکات کتاب مقدسی درباره کلیسا بالغ
- تغییراتی که باید صورت پذیرند تا تمام این نکات تحقق یابد

آنالیز کردن این موارد به کلیسای شما کمک می کند تا نقطه شروع را دریابید.

قدم چهارم: طرح اولیه ای را تهیه نمایید

در جهت آماده سازی این طرح، رهبران کلیسا باید به آنالیزهای پیشین کلیسا مراجعه کنند. طرح اولیه آنها باید قدمهای مختلفی را برای رفتن به جلو در بر داشته باشد.

چه چیزهایی باید در طرح اولیتان اجرا شود؟ بجا است تا به سوالاتی که در فصل ۳ آمده پاسخ گفته و همچنین موارد زیر را ارزیابی کنید:

- چه چیزهایی باید تغییر کند
 - چه چیزهایی باید ثابت بماند
 - کیفیت خدمت موعظه چگونه است
 - کیفیت خدمت تعلیم کلیسا (مطالعه کتاب مقدس، برنامه شاگردسازی، گروه های خانگی، مدرسه یکشنبه، خدمت جوانان و غیره چگونه است)
 - چه مواردی در خدمت تعلیمی کلیسایتان باید تغییر کند
 - کیفیت تک تک خدمت های کلیسا چگونه است
 - آیا رهبران کلیسا برای سمتی که دارند، شایستگی لازم را دارا هستند
 - آیا افرادی که در کلیسا تعلیم می دهند شایستگی لازم را دارند
 - آیا خدمت هایی در کلیسای شما وجود دارند که کارهایی را که باید انجام دهند، انجام نمی دهند
 - آیا خدمت های کلیسای شما میوه می دهند:
۱. آیا افراد ایمان می آورند
 ۲. آیا به افراد خدمت شده، و به احتیاجات آنها رسیدگی می شود
 ۳. آیا افراد در ایمان خود رشد می کنند

قدم پنجم: طرح را اجرا کنید

پس از ارزیابی طرح اولیه، رهبران کلیسا باید آن طرح را به اعضای کلیسا نشان دهند. هنگامی که شما این کار را انجام می دهید، از سکوی موعظه استفاده کرده تا طرح اولیه انجیلی، اهداف و مسیری که کلیسا باید در جهت آن حرکت کند را به افراد نشان دهید. کلیسا را برای انجام اراده خداوند به وجد آورید. سپس برنامه را قدم به قدم اجرا کرده و افراد را با خود همراه کنید. تغییر را به آنها القاء نکنید. با این وجود، افرادی در کلیسای شما خواهند بود که با طرح مخالفند (لوقا ۵: ۳۹). اگرچه شما باید به ایشان کمک کرده تا در مسیر اصلی حرکت کنند، در نهایت، یا آنها باید با نتایج به دست آمده مصالحه کرده و یا ایشان با شما مخالفت خواهند کرد. لطفا به یاد داشته باشید که خداوند شما را به عنوان رهبر در کلیسا قرار داده است. بدون راهنمایی و رهبری شما، کلیسای خداوند رشد نکرده و به سوی جلو حرکت نخواهد کرد. بنابراین فروتنانه کلیسای خود را به سمت هدف سوق دهید.

"مَلَات بدون رهبر سقوط می کند، ولی زیادی مشاوران موجب امنیّت است" (امثال ۱۴:۱۱).

هشدار: انتظار حمله شیطان را داشته باشید!

هشدار خوب در اول پطرس ۵:۸-۹ یافت می شود:

"۸ هوشیار و مواظب باشید، زیرا دشمن شما، ابلیس چون شیری غران به هر سو می گردد و در جستجوی کسی است که او را بلعد. ۹ با قدرت ایمان در مقابل او بایستید، زیرا می دانید که برادران شما در تمام دنیا به همین زحمات دچار شده اند"

حملات شیطان را باید انتظار داشت. این حملات به گونه های مختلف اتفاق می افتند. یکی از قویترین حملات از داخل کلیسا انجام می شود. او اعضا را به هم ریخته و ناامیدی را شعله ور می کند. بنابراین، مهم است که اعضای کلیسا را در این فرایند قدم به قدم همراهی کنید و همچنین ایشان باید بدانند که بخشی از این فرایند هستند. کلیسای شما باید روزه گرفته، دعا کرده، خداوند را جوییده و شرایط را ارزیابی کند. شیطان به سختی می تواند کلیسایی را که متحد است از هم جدا کند.

چالش دیگری که در جنگ روحانی پیش رو می باشد، اطمینان حاصل کردن از وجود زره روحانی بر تن اعضا و رهبران کلیسا می باشد. در افسسیان ۶ پولس درباره این موضوع سخن می گوید:

"۱۰ دیگر این که در رابطه خود با خداوند از قدرت عظیم او نیرو بگیرید. ۱۱ زره کاملی را که خدا برای شما تهیه کرده است به تن کنید تا بتوانید در مقابل نیرونگ های ابلیس ایستادگی نمائید، ۱۲ زیرا جنگ ما با انسان نیست، بلکه ما علیه فرمانروایان و اولیاء امور و نیروهای حاکم بر این جهان تاریک و نیروهای شیطانی در آسمان در جنگ هستیم. ۱۳ از این جهت شما باید زره کاملی را که خدا مهیا کرده است بپوشید تا در آن روز شریر در برابر حمله های دشمن تاب مقاومت داشته باشید و تا پایان جنگ هم پایدار بمانید. ۱۴ پس پایاری کنید و کمر بند حقیقت را به کمر ببندید و جوشن نیکی را به تن کنید ۱۵ و نعلین آمادگی برای انتشار انجیل صلح و سلامتی را به پا کنید. ۱۶ علاوه بر اینها سپر ایمان را بردارید تا به وسیله آن بتوانید تمام تیرهای آتشین شیطان را فرو نشانید. ۱۷ و کلاه خود نجات را بر سرگذارید و شمشیر روح القدس یعنی کلام خدا را بردارید" (افسسیان ۶:۱۰-۱۷).

همانگونه که در فصل ۶ بیان شد، زره روحانی به بلوغ ایماندار ارتباط دارد. هنگامی که ایماندار در مسیح می ماند، زره روحانی او نیز بر تنش خواهد بود. زمانی که در مسیح نمی ماند و اطاعت نمی کند، مشکلاتی برای زره او به وجود می آید. بنابراین هرچقدر ایماندار بالغ است، زره او بیشتر بر سر جای خود قرار دارد (اول قرنثیان ۳:۱-۳؛ عبرانیان ۵:۱۱-۱۴).

به همین دلیل است که کلیسای محلی باید محل تجهیز برای اعضای خود، در جهت رشد و بلوغ روحانی باشد. چنانکه اعضا به سمت بلوغ روحانی پیش می روند، بیشتر از مسیح پیروی کرده و بهتر می توانند جلوی نقشه های شریر ایستادگی کنند. بنابراین شما نیز باید از لحاظ روحانی اعضای خود را برای جنگ روحانی آماده کنید. این مسئولیت شما می باشد. همچنین هنگامی که کلیسا روزانه به مشکلات می پردازد، این به افراد آنها کمک خواهد کرد. بنابراین همانگونه که مکتوب است:

"مواظب خود و مواظب آن گله ای باشید که روح القدس شما را به نظارت آن برگزیده است و چون شبانان، کلیسائی را که خداوند با خون خود خریده است پرورش دهید" (اعمال ۲۰:۲۸).

قدم بعدی را بردارید

قدم بعدی به شما و رهبران کلیسا بستگی دارد. با اطلاعات بیان شده در این کتاب چه کاری می‌خواهید انجام دهید؟ البته شاید این اطلاعات بسیار زیاد جلوه کند، اما خداوند انتظار ندارد که شما همه تغییرات را در یک روز، یک هفته و یا یک ماه اعمال کنید. برنامه ریزی کرده و طبق آن پیش روید. همچنین باید تعیین کنید که چه کارهایی را قادر به انجام هستید. حتی اگر قدمهایی که می‌خواهید بردارید کوچک هستند، اشکالی ندارد. چیزی که مشکل ساز است پیشرفت نکردن است. باشد تا خداوند شما را در قدم برداشتن به سمت اهدافش برکت داده و یاری نماید.

ضمیمہ

کلام خدا در خدمت کلیسایی

قدرتمند ترین ابزاری که خداوند به کلیسا اعطا نموده است تا بر زندگی مردم تاثیر بگذارد متشکل از ۶۶ کتاب، ۱۱۸۹ فصل، ۳۱۱۷۳ آیه از کتاب مقدس است. هر صفحه کتاب مقدس کلام با عظمت خداست و شامل بیاناتی است که به صراحت خالق بودن خداوند را اثبات می کند. در سرتاسر کتاب مقدس جملات زیر یافت می شود: بدینسان خداوند می گوید (۴۱۹ دفعه)، خدا فرمود (۴۶ دفعه)، کلام خداوند (۲۷۶ دفعه)، کلام خدا (۵۳ دفعه)، خدا سخن گفت (۱۲ دفعه)، کلام من (۵۶ دفعه)، فرمان من (۲۸ دفعه)، قانون من (۱۶ دفعه)، فرمان خدا (۱۲ دفعه) و کتاب مقدس (۵۱ دفعه). این ۹۶۹ جمله و بسیاری دیگر از گواهی ها در کتاب مقدس به آفریده خدا این اطمینان را می دهد تا با توجه به دگرگونی و آماده ساختن اعضای کلیسا موجب اصلاح و تهذیب شود. همانگونه که در عبرانیان ۱۲:۴ بیان شده است: "زیرا کلام خدا زنده و فعال و از تمام شمشیرهای دو دم تیزتر است و تا اعماق روح و نفس و مفاصل و مغز استخوان نفوذ می کند و نیات و اغراض دل انسان را آشکار می سازد" بنابراین رویهمرفته ظرفیت کسب این نتایج را دارد.

اهمیت کتاب مقدس

اهمیت کتاب مقدس در سرتاسر صفحات آن مشاهده شده است. حقیقتاً "در طولانی ترین فصل آن، مزمور ۱۱۹، به اهمیت کتاب مقدس اشاره شده است. شش آیه اول آن با دستورالعملی آغاز می گردد که اهمیت آن را نشان میدهد:

"۱ خوشا به حال کسانی که زندگی پاک و بی عیبی دارند و پیرو تعالیم الهی هستند. ۲ خوشا به حال آنهایی که دستورات او را بجا می آورند و از صمیم دل مطیع او هستند. ۳ هرگز خطا نمی کنند، بلکه در راه خداوند، قدم برمی دارند. ۴ تو احکام خود را به ما دادی تا با دقت کامل از آنها پیروی کنیم. ۵ می خواهم که از دل و جان اوامر تو را بجا آورم. ۶ اگر در انجام احکام تو، کوشش به خرج دهم شرمند نخواهم شد". اهمیت کلام خدا با توجه به مسیری که ایماندار یا مسیحی طی می کند در این بخش دیده می شود. این بدان معناست که ایماندار ممکن است مطابق با خواسته خدا در این مسیر قدم برداشته باشد. این همان مطلبی است که سراینده مزامیر بعدها در این مزمور بیان میدارد: "من اوامر تو را از طلای ناب بیشتر دوست دارم. تمام کارهای خود را مطابق احکام تو انجام خواهم داد و از هر راه نادرست نفرت دارم" (آیات ۱۲۷ و ۱۲۸). سپس می گوید: "کلام خداوند پاک و ناب است و خدمتگزاران خداوند آنرا دوست دارند" (آیه ۱۴۰).

خداوند نیز جملاتی در مورد اهمیت فرامین و قانون خود بیان داشته است: "۵ شما باید خداوند خدای خود را با تمام دل و تمام جان و تمام توان دوست بدارید. ۶ دستوراتی را که امروز به شما می دهم در قلب خود نگه دارید. ۷ آنها را با دقت به فرزندانان بیاموزید و زمانی که در خانه و یا در راه هستید، هنگام استراحت و هنگامی که بیدار می شوید، درباره آنها سخن بگویید. ۸ آنها را بر دست و پیشانی خود ببندید. ۹ و بر سر در و دروازه خانه های خود بنویسید" (تثنیه ۵:۹-۶). خداوند مشخص کرده است که کلامش آنقدر اهمیت دارد که نیاز است تا با هر بخش از زندگی ایماندار عجین گردد. نیاز است تا کلام خدا در قلب ایماندار سکنی گزیند چرا که قلب ایماندار منبع همه کارهایی است که در زندگی خود انجام می دهد. نیاز است تا کلام خدا بر زبان ایماندار جاری گردد و در نتیجه با تلاش بسیار آنرا در سرتاسر روز به فرزنداناش یاد دهد، از صبحدم که از خواب بر می خیزند تا شامگاه که می خواهند بیاسایند. خداوند فرموده که کلامش باید قبل از چشمان ایماندار قرار گیرد، همچون تذکر دائمی از آنچه که خداوند بیان داشته است در دستان و پیشانی ایماندار قرار داشته باشد. حتی ایماندار باید فرامین خداوند را در پایه درب ها و دروازه ها بنویسد. خداوند نمی خواست تا اسرائیل بدست فراموشی سپرده شود و حتی نمی خواهد تنها یک فرمان او فراموش گردد.

قانونی که خداوند به موسی اعطا کرد همان قدر اهمیت داشت که به یوشع قبل از رفتن به سرزمین کنعان فرمود: "کتاب تورات را همیشه در نظر داشته باش. آن را بخوان و درباره آن روز و شب تفکر کن تا بتوانی تمام دستوراتی که در آن نوشته شده، پیروی و اطاعت نمایی. آنگاه موفق و کامیاب خواهی شد" (یوشع ۸:۱). خداوند موفقیت

یوشع را با استنباط او و اطاعت دائمی از کلام خداوند برابر و یکسان میدانند. یوشع بود که به کلام خدا فکر میکرد. او بود که با کلام خدا صحبت می کرد. او با کلام خدا زندگی می کرد. بنابراین اگر انسان خدا ترس بخواد در زندگی و خدمت به خدا موفق باشد باید همین کار را انجام دهد. انجام این کار کلیدی برای محبت ورزیدن به آفریدگار است، دوست داشتن خدا با تمام قلب و روح و توانایی است (تثنیه ۶:۵). چرا؟ از آنجائیکه اطاعت انسان به کلام خدا به وضوح نشان دهنده همه محبت و علاقه او به خداست (یوحنا ۱۴:۲۱-۲۴؛ اول یوحنا ۵:۳). این اطاعت همچنین نشان میدهد که چه میزان به مسیح وفادار است و کلام مسیح در او پایدار است و نتیجه آن تحمل ثمره های بسیار است (یوحنا ۱۵:۴-۷).

هنگامیکه موسی در مورد کلام خدا با قوم اسرائیل صحبت کرد، اهمیت آن مجددا بررسی شده است: «تمام فرمانهایی را که امروز به شما داده ام، به دقت انجام دهید تا زنده بمانید و زیاد شوید، و وارد زمینی که خداوند به نیاکان شما وعده داده بود، شوید و آن را تصرف کنید. ۲. شما باید به یاد داشته باشید که خداوند چگونه شما را در این چهل سال در بیابان هدایت کرد تا شما را فروتن کند و شما را بیازماید تا بدانند در قلب شما چیست، آیا فرمانهای او را بجا می آورید یا نه. ۳. او شما را فروتن کرد و گرسنه گذاشت و بعد شما را با مَنّا تغذیه کرد که نه شما می شناختید و نه نیاکانتان تا به شما بفهماند که زندگی انسان فقط بسته به نان نیست، بلکه به هر کلمه ای که خدا می فرماید... ۶. پس شما باید از فرمانهای خداوند اطاعت کنید و در راه او قدم بردارید و از او بترسید» (تثنیه ۸:۱-۶، ۳). هدف موسی آن بود که نشان دهد خداوند برخی از امور را در بیابان برای فروتن کردن قوم اسرائیل انجام داده است تا آنها درک کنند اطاعت از کلام خدا بیشترین اهمیت را دارد. این درک مهمتر از غذاهای زیادی بود که می خوردند. در نتیجه، خداوند غذا را از آنها گرفت تا گرسنه شوند و آنها را با مَنّا تغذیه کرد برای اینکه به آنها نشان دهد چه در قلوبشان است و اینکه در خیلی مواقع چیزی جز نافرمانی نبوده است. پس از کلام خدا، گام برداشتن در مسیر خداوند و ترس از او بیشترین اهمیت را نزد ایماندار دارد. عیسی مسیح این کار را برای خدا انجام داد و وقتی شاگردان برای او غذا آوردند تا بخورد به آنها گفت: "غذای من این است که اراده فرستنده خود را بجا آورم و کارهای او را انجام دهم" (یوحنا ۴:۳۴).

عیسی در موعظه سر کوه، کاملاً با یقین به اهمیت کلام خدا اشاره کرد: " ۱۸ یقین بدانید که تا آسمان و زمین بر جای هستند هیچ حرف و نقطه ای از تورات از بین نخواهد رفت تا همه آن تحقق یابد ۱۹ پس هر گاه کسی حتی کوچکترین احکام شریعت را بشکند و به دیگران چنین تعلیم دهد در پادشاهی آسمانی پست ترین فرد محسوب خواهد شد حال آنکه هر کس شریعت را رعایت کند و به دیگران نیز چنین تعلیم دهد در پادشاهی آسمانی بزرگ خوانده خواهد شد" (متی ۵: ۱۸-۱۹). عیسی گفت که قانون موسی اجرا می شود - همه قانون - از کلی ترین موضوعات تا کوچکترین حرف آن. وی همچنین این موضوع را روشن ساخت هر کس دست کم یکی از این سه فرمان یا حکم خدا را باطل نماید و به دیگران یاد دهد تا این کار را انجام دهند کوچکترین در پادشاهی خواهد بود. در مقایسه، کسانی که از فرامین خداوند اطاعت و آنها را به دیگران یاد دهند نیز باید مهم به حساب آیند. بنابراین به وضوح خداوند کلام خود را به حد عالی مهم در نظر میگیرد و همه ایمانداران واقعی نیز باید اینگونه باشند. عیسی موعظه خود را ادامه داده و آنرا اینگونه به پایان می رساند: " ۲۴ پس کسی که سخنان مرا می شنود و به آنها عمل می کند مانند شخص دانائی است که خانه خود را بر سنگ بنا نمود. ۲۵ باران بارید، سیل جاری شد و باد وزیده بر آن خانه زور آور گردید، اما آن خانه خراب نشد زیرا شالوده آن بر روی سنگ بود. ۲۶ اما هر که سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند مانند شخص نادانی است که خانه خود را بر روی شن بنا کرد. ۲۷ باران بارید، سیل جاری شد و باد وزیده به آن خانه زور آور گردید و آن خانه فرو ریخت و چه خرابی عظیمی بود!" (متی ۷: ۲۴-۲۷). کلام خدا محل اطمینان است، با پایه و اساسی محکم و قوی، برای کسانی که آنرا می شنوند و به آن عمل می کنند.

در نهایت، این حقیقت که همه کتاب مقدس الهام گرفته از خداوند است (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶) گواهی بر اهمیت کتاب مقدس است. همانگونه که پطرس در دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱ بیان داشته است: ۲۰ اما بیش از همه چیز این را به یاد داشته باشید که هیچ کس نمی تواند به تنهایی پیشگوئی های کتاب مقدس را تفسیر کند ۲۱ زیرا هیچ پیشگوئی از روی نقشه و خواسته انسان به وجود نیامده است، بلکه مردم تحت تأثیر روح القدس کلام خدا را بیان نمودند". واژه تفسیر از لحاظ ادبی در یونان به معنای آزاد کردن یا رهایی است. پس موضوع آیه ۲۰ توجه به رسالت کتاب مقدس در تعبیر شخصی

نیست بلکه این کتاب مقدس است که رسالت دارد موضوع را روشن سازد و از حقیقت پنهان پرده برداری کند. به عبارت دیگر، خدا آشکار کننده نبوت است نه بشر آشکار کننده آن. این مطلب در موضوع آیه ۲۱ بیشتر احساس می شود که تا کنون نبوت و رسالت آن کار بشر نبوده است اما انسان توسط روح القدس حرکت نموده تا از جانب خداوند صحبت کند. در این آیه، پطرس بیان میدارد که خدا منبع نبوت است و روح القدس عامل الهام است. برای اینکه این روح القدس است که نویسندگان را حرکت می دهد همچون باد که بادبان کشتی را تکان میدهد و کشتی حرکت می کند. بنابراین، در این دو آیه، پطرس روشن ساخت که خدا هم آشکار کننده و هم منبع نبوت است. این مورد کلام واقعی خدا به بشر است که کتاب مقدس مورد الهام قرار گرفتند. به همین دلیل کتاب مقدس برای بشریت بیشترین اهمیت را دارد.

قدرت کتاب مقدس

خداوند کتاب مقدس را از روی هدف و با برنامه ریزی شرح داده است؛ به طریقی که در مورد همه موضوعاتی که برای انسان ضروری است صحبت شده است تا بشر درک نماید. به عبارت دیگر، کتاب مقدس مجموعه اتفاقی از آثار ۴۰ نویسنده نمی باشد بلکه مجموعه ای خاص است که از روی هدف شرح داده شده است تا تمام آنچه یی که تعیین شده تا انجام بگیرد محقق گردد. خداوند می فرماید: "۱۰ کلمات من مانند برف و باران است که از آسمان می بارند، و زمین را سیراب می کنند، و موجب رشد غلات و تهیه بذر کافی برای کاشتن و تأمین غذا می شوند. ۱۱ کلامی که از دهان من خارج می شود همین طور بیهوده نخواهد بود، ثبوت و نقشه مرا بدون غفلت به جا خواهد آورد" (اشعیا ۵۵: ۱۰-۱۱).

پس میتوان مطمئن بود که کتاب مقدس اثری موثر و مناسب است و این قدرت را دارد تا تمام خواسته های خداوند را محقق سازد.

نه تنها کلام خدا موثر است بلکه حالتی نفوذی دارد. عبرانیان در باب ۴، آیه ۱۲ بیان میدارد: "زیرا کلام خدا زنده و فعال و از تمام شمشیرهای دو دم تیزتر است و تا اعماق روح و نفس و مفاصل و مغز استخوان نفوذ می کند و نیات و اغراض دل انسان را آشکار می سازد". چرا که کتاب مقدس زنده است و توانایی نفوذ کردن در اشخاص را دارد تا عمق روحانی بشر را جستجو کند و این توانایی را دارد تا قلب و دل انسان را مورد قضاوت قرار دهد. در چنین فرایندی، کلام خدا می تواند با دقت به افکار گسترده دست پیدا نماید و اهداف گسترده ای از آنچه که بشر به آن می اندیشد و انجام میدهد را تعیین نماید.

با داشتن چنین صلاحیتی، کتاب مقدس می تواند انسان را مجبور نماید تا به مضامین قلبش توجه نماید، مضامینی که موجب تخریب او شده (مرقس ۷: ۱۸-۲۳) و یا موجب ستایش او می شوند (لوقا ۴: ۶، ۸: ۱۵، اول قرنتیان ۴: ۵). این فرایند نفوذ به درون - که انسان را وادار می سازد تا به افکار و اهداف خود در سرتاسر زندگی و به کلام موثر خداوند با جدیت توجه نماید - می تواند موجب تغییر انسان (رومان ۱: ۱۲-۲، افسسیان ۴: ۲۳)، پاک شدن وی (افسسیان ۵: ۲۵-۲۷) و موجب تقدس او گردد (یوحنا ۱۷: ۱۷). چنین فرایندی مناسب خواننده کتاب مقدس است البته اگر وی از آنچه که می خواند اطاعت نماید. یعقوب این موضوع را با نوشتن مطلب زیر مشخص می نماید: "اما کسی که با دقت به شریعت کامل و آزادی بخش نگاه کند و همیشه متوجه آن باشد و شنونده فراموشکاری نباشد بلکه مطابق آن رفتار کند، خداوند تمام کارهای او را برکت خواهد داد" (یعقوب ۱: ۲۵). بنابراین کلام خدا قدرتمند است و قادر است قلب ایماندار را مورد نفوذ قرار دهد، گوشزد نماید و تغییر ایجاد کند.

همچنین کلام خدا می تواند با قدرت موجب تغییر زندگی افراد بی ایمان به پیروان عیسی گردد. پطرس در اول پطرس، باب ۱، آیات ۲۲ تا ۲۵ بیان داشته است: "۲۲ اکنون چون از حقیقت اطاعت می کنید جان های خود را پاک و منزه ساخته اید، می توانید یکدیگر را صمیمانه مثل برادر دوست داشته باشید. پس یکدیگر را از دل و جان دوست بدارید. ۲۳ این بار تولد شما در اثر تخم فانی نبود، بلکه به وسیله تخم غیر فانی یعنی کلام خدای زنده و جاویدان تولد تازه یافتید، ۲۴ زیرا «تمام آدمیان مثل علف هستند، و تمام جلال آنان مانند گل علف است. علف خشک می شود و گلش می ریزد، ۲۵ اما کلام خدا تا ابد باقی است» و این کلام همان پیامی است که به شما داده شده است".

پطرس روشن ساخته است که دلیل اینکه خوانندگان وی باید یکدیگر را دوست داشته باشند آن است که آنها از نو متولد شده اند و این از زندگی و بردباری در برابر کلام خدا نشأت میگیرد که موجب تغییر آنها می گردد. این تغییر به انسان توانایی می دهد تا در برابر حقیقت کلام خدا فرمانبردار و مطیع باشد. در نتیجه انسان قادر خواهد بود تا روح و روان خود را پالایش نماید و همین امر به انسان کمک می کند تا بدین طرق صلاحیت دوست داشتن و محبت ورزیدن را کسب کند. پطرس این مطلب را روشن ساخته است که وقتی شهوت انسان در حال زوال باشد، آنهایی که با کلام زوال نیافتنی خداوند از نو متولد می شوند برای همیشه حیات می یابند. بنابراین کلام خدا این نیرو را دارد تا زندگی را از وضعیت رو به زوال به سمت جاودانگی و از حالت اصلاح نشدنی به فردی دگرگون شده تغییر دهد.

ضرورت کلام خدا در خدمت کلیسایی

یک دلیل اینکه چرا کلام خدا برای رهبران کلیسا در خدمت کلیسایی ضروری است آنست که کلام خدا ما را آگاه می سازد تا چگونه زندگی کنیم و چگونه زندگی را از دیدگاه خداوند استنباط نماییم. خداوند در مورد خویش فرموده اند: " ۸ خداوند می گوید: «افکار من، افکار شما نیست و نه روشهای من، مثل روشهای شما ۹. همان قدر که آسمانها از زمین بلندتر هستند، همان قدر، افکار من از افکار شما بلندتر است" (اشعیا ۵۵: ۸-۹). درک دیدگاه شخصی ما از زندگی عموماً تلاش بسیار کمی را طلب می کند اما درک زندگی از دیدگاه خدا در برخی موارد می تواند مشکل، ناخوشایند و متداوم باشد. چنین درک و استنباطی مشکل است چرا که ما باید با دانش و معرفت عمیق خدا دست و پنجه نرم کنیم و بر اساس محتوی کل کتاب مقدس آنرا استنباط نماییم. چنین درک و استنباطی ناخوشایند است چرا که کلام خدا همواره ما را به سوی تغییر تشویق می نماید تا بیشتر همچون مسیح باشیم. همین امر ما را وادار می سازد تا تغییر کنیم و اینکه چگونه ما زندگی و کتاب مقدس را درک نماییم که می تواند موجب ناراحتی و زحمت شود. چنین درک و استنباطی متداوم است چرا که ما را تغییر می دهد و ما که مدتی است از آن بهره می گیریم به آهستگی به فرد جدیدی تغییر می کنیم. در نهایت این فرایند باید آزادانه، آگاهانه و با برقراری صلح و آرامش باشد تا با حقیقت رشد نماییم و این کلام خداست که به ما روشنی عطا می کند.

به عنوان یک انسان خطاپذیر، ما همیشه آنچه را که خداوند انجام میدهد را درک نمی کنیم اما کتاب مقدس به ما کمک می کند تا با وضوح موضوعات را مشاهده کنیم و اگر زمان صرف کنیم و کتاب مقدس را مطالعه نماییم، سر به جیب تفکر فرو برده و برای درک آن از خدا کمک می طلبیم. بدون کلام خدا نمی توانیم در خدمت کلیسایی موثر باشیم اما با کلام خدا می توانیم به قلوب مردم نفوذ کنیم (اعمال ۲: ۳۷) به همین دلیل کلام خدا نیز و نافذ است، همانگونه که در کتاب مقدس به عنوان شمشیر روح به تصویر کشیده شده است (افسیسیان ۶: ۱۷). خادمان انجیل نیاز دارند تا بدانند چگونه به طور موثر این شمشیر کار می کند. خداوند نیز شرح میدهد که چگونه کلامش همچون آتش و پتک عمل می کنند. خداوند می فرماید: پیام من آتش است و مثل پتکی که سنگ ها را خرد می کند" (ارمیا ۲۳: ۲۹). به عبارت دیگر، کلام خدا قدرتمند است و او را با برنامه اش همراهی می کند چرا که مسیر و راه خداوند نقش بر آب نمی شود (ایوب ۴۲: ۲). چنین ابزاری برای شخص خداترس لازم است تا علیه نیروهای شیطانی مبارزه نماید (متی ۴: ۱-۱۱) و او را قادر می سازد تا بر زندگی مردم تاثیر گذار باشد.

دلیل اینکه چرا کتاب مقدس در خدمت کلیسایی لازم است آن است که کتاب مقدس در واقع کلام دقیق و حقیقی خداوند است. کتاب مقدس همانند کلام خدا دارای صلاحیت آماده سازی افراد برای خدمت کلیسایی را دارد، که بر اساس افسسیان باب ۴ آیات ۱۱ تا ۱۴، هدف اولیه شبان و مبشران است. پولس نوشته است: "۱۶ تمام کتاب مقدس از الهام خداست و برای تعلیم حقیقت، سرزنش خطا، اصلاح معایب و پرورش ما در نیکی مطلق مفید است ۱۷ تا مرد خدا برای هر کار نیکو کاملاً آماده و مجهز باشد" (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷). بنابراین شبان و مبشر علاقمند بودند تا قدرت تاثیرگذاری داشته باشند؛ قدرتی که صلاحیت خدمت کلیسایی به طور موثر در کلیسا و جامعه ای که کلیسا در آن بنا شده است را داشته باشند و این کلیسا باید دارای اعضای مجهز برای انجام کار باشد. این کلام خداست که می تواند چنین

فعالیتی را همراهی کند و موجب دگرگونی شخصیت یک مسیحی می شود و به انسان عقل و دانشی را که نیاز دارد اعطا می نماید و او را برای خدمت آماده می سازد و خداوند نیز او را همراهی می کند.

عیسی - کلام خدا (یوحنا ۱: ۱-۳) - قدرت کلام خدا و ضرورت آنرا برای زندگی ما درک کرد. این مطلب حقیقتاً در آن شبی مشاهده شده است که عیسی مورد محاکمه قرار گرفت؛ او برای همه شاگردانش، حتی برای من و شما دعا کرد (یوحنا ۱۷: ۲۰). او گفت: "آنان را بوسیله راستی خود تقدیس نما، کلام تو راستی است" (یوحنا ۱۷: ۱۷). کلمه تقدیس به معنای تطهیر و تزکیه، جدا کردن و کنار هم گذاشتن است. برای همین عیسی از خداوند درخواست کرد که از حقیقت خود بهره گرفته تا شاگردانش را تقدیس نماید. در این هنگام بود که عیسی به صراحت کلام خدا را با حق برابر نمود. آنچه که عیسی از شاگردانش خواست آن بود که منعکس کننده شخصیت او بوده، پاک و منزّه باشند و با پارسایی زندگی کنند.

عیسی می دانست این امر تنها از طریق کلام خدا محقق می شود و به همین دلیل او چنین درخواستی نمود. با دانستن این مطلب، مبشر و شبان نیاز دارند تا درک کنند که کتاب مقدس آنها همان حقیقت خداست. این همان چیزی است که خداوند به آنها اعطا نموده تا ایمانداران را تقدیس و پاک نمایند و به آنها کمک نمایند تا ایمان، امید و محبت را در ارتباط خود با مسیح؛ در دانش خود نسبت به خدا، مسیح و روح القدس و در ثمره روح رشد کنند. این ابزاری است که آنها در اختیار دارند تا تا "مقدسین را در کاری که برای او انجام می دهند مجهز سازد تا به این وسیله بدن مسیح را تقویت نمایند" (افسیان ۴: ۱۲). بدون چنین ابزاری شاگردانش هیچ ندارند ولی با چنین ابزاری می توانند شاگردسازي موثری انجام دهند. برخی دلایل نهایی که چرا کلام خدا در خدمت کلیسایی ضروری است به این مطلب بر می گردد کسانی کلام خدا را استنباط می کنند که خود دارای خرد و معرفت و ادراک باشند (مزامیر ۱۱۱: ۱۰، ۱۰۹: ۱۰۴، ۱۳۰). در نتیجه ارزش قائل شدن برای کلام خدا، آنها مسیر خود را پاک و منزّه حفظ می کنند و علیه خدا دست به گناه نمی زنند (مزامیر ۱۱۹: ۹-۱۱). آنها همچنین برای مسیر خود روشنایی دارند (منظور معرفت و شناخت است) و برای قدم های خود دارای چراغ می باشند (مزامیر ۱۱۹: ۱۰۵) به همین دلیل می توانند به وضوح مسیر رفتن را مشاهده کنند. بر اساس این دلایل است که انسان پارسا نیاز دارد تا کلام خداوند را بیاموزد و آنرا به دیگر افراد یاد دهد.

رسولان با درک اهمیت و ضرورت این موضوع، خدمت خود را به طور کامل در این مسیر قرار دادند و نخواستند که از مسیر اصلی منحرف شوند (اعمال رسولان ۴: ۶). بنابراین، امروزه رهبران کلیسا باید به این موضوع توجه نشان دهند. داوود می نویسد: "۷ شریعت خداوند کامل است و جان را تازه می کند. اوامر خداوند قابل اطمینان است و ساده دلان را حکمت می بخشد. ۸ دستورات خداوند درست است و دل را شاد می کند. اوامر خداوند پاک است و به انسان آگاهی می بخشد. ۹ احترام به خداوند نیکو و ابدی است. احکام خداوند حق و کاملاً عادلانه است" (مزامیر ۱۹: ۷-۹).

نتیجه

با توجه به اهمیت کتاب مقدس به عنوان کلام خدا و به دلیل قدرت ذاتی آن، ضروری است تا رهبران کلیسا به این استنباط برسند که کلام خدا مهمترین ابزار است. مثلاً هنگامیکه کتاب مقدس را شبان های نجات نیافته موعظه کردند، شنوندگان به مسیح ایمان آوردند. در نتیجه این قدرت خداست، بخش ضروری و حیاتی خدمت کلیسایی آفریدگار خدا است.

به هر حال، هر چند به طور متوسط رهبران کلیسا با حقایق ارائه شده در این مقاله موافقت دارند اما چند وقت یکبار عمل آنها با فهم آنها مطابقت می کنند؟ به عبارت دیگر، در زندگی روزمره و خدمت کلیسایی، چقدر کتاب مقدس اهمیت دارد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش ابتدا باید برخی از پرسش های زیر مورد توجه قرار داد:

- ۱- یک رهبر کلیسا روزانه چقدر زمان صرف مطالعه کتاب مقدس می نماید؟
- ۲- یک رهبر کلیسا در هر هفته چقدر زمان صرف می کند تا قبل از انجام موعظه و آموزش کلام خدا به مطالعه کتاب مقدس بپردازد؟
- ۳- چند وقت یکبار کتاب مقدس را با خود حمل می کند تا در فرصت های بالقوه هنگام خدمت آنرا مطالعه نماید؟
- ۴- چقدر زمان صرف حفظ کردن آن می نماید؟
- ۵- چند بار او کل کتاب مقدس را از ابتدا تا انتها مطالعه کرده است؟
- ۶- چقدر می تواند به خوبی از کتاب مقدس در تدریس، مشاوره و رد اصول و آموزش های غلط بهره بگیرد؟
- ۷- چقدر توجه خود را معطوف به بکار گیری کلام خدا در زندگی خود می نماید؟

بنابراین، گرچه شما ممکن است با اهمیت، قدرت و ضرورت کلام خدا در زندگی رهبران کلیسا و اعضای کلیسا موافقت داشته باشید اما حقیقت شما چیست؟ به خاطر داشته باشید که این همان کلام خداست که پولس و همراهانش آنرا وعظ کردند و عیسی را به سراسر دنیای شناخته شده نشان دادند. همان افرادی که تسالونیکیان در مورد آنها بیان داشت: "این کسانی که دنیا را به هم ریخته اند حالا به اینجا آمده اند" (اعمال رسولان ۱۷: ۶). شما دارای همان کلام با عظمت خداوند هستید که می توانید از آن برای تغییر مردم بهره بگیرید و دنیا را برای عیسی واژگون نمایید.

هرچند این مسائل رخ داده اند اما همانگونه که نویسندگان کتاب مقدس آنرا به رشته تحریر در آورده اند ما نیز نیاز داریم تا کتاب مقدس را بررسی نماییم. ایوب در مورد کلام خدا می گوید: "او امر او را بجا آورده و کلام او را چون گنجی در دل خود نگاه داشته ام" (ایوب ۲۳: ۱۲). یکی از سراینندگان مزامیر می گوید: "۱۴۷ سحرگاهان به پیشگاه تو دعا می کنم و از تو کمک می خواهم و امید من به وعده تو می باشد. ۱۴۸ شب تا سحر بیدار می مانم و به تعالیم تو فکر می کنم" (مزامیر ۱۱۹: ۱۴۷-۱۴۸).

اگر کلام خدا همان مقدار که برای این افراد اهمیت دارد برای ما هم اهمیت داشته باشد؛ اگر ما قدرت کلام خدا را درک کنیم و ضرورت آنرا در خدمت کلیسای خود استنباط نماییم؛ اگر ما با خواندن روزانه آن، تحقیق مستمر و حفظ مطالب برای کتاب مقدس احترام قائل شویم و اگر در زندگی خود آنرا بکار بندیم و از آن بهره بگیریم تا زندگی اطرافیان را تغییر دهیم، آنگاه حتما به طور جدی آنرا بکار می بندیم و در نتیجه شاهد نتایج عظیم آن خواهیم بود هنگامیکه که خداوند به واسطه آن عمل می نماید.

خدمتگذار تعالیم باید این موضوع را به خاطر داشته باشد که اسیر بلاهایی که موجب تخریب بخش هایی از کلیسای عیسی مسیح می گردد نشود به طوری که موعظه های درباره کتاب مقدس جایگزین حقایق کتاب مقدس گردد و یا بر حکایات، تجربه های شخصی، نمایش ها و... تاکید نماید. واعظ کلام خدا باید این موضوع را درک نماید که گرچه برخی از این روش های فوق الذکر تعلیم در واقع می توانند ضمیمه مثبت برای یک موعظه محسوب گردند اما نمی توانند جایگزین وعظ کلام خدا باشد. چرا؟ به این دلیل که روش های مذکور الهام گرفته از کلام خدا نیستند و در مقایسه با کلام خدا اثر بالقوه کوتاهی دارند. گرچه این موضوعات برای بسیاری خوشایند است، چنین اقداماتی عاقبت در دراز مدت موجب آسیب کلیسا می گردد. چرا؟ به این دلیل که این روشها، روشهایی که خداوند مقدر فرموده نمی باشند.

روشهایی که ایمانداران را بنا کنند، آنها را برای خدمت کلیسای آماده سازند، درک عمیقی از موضوعات مرتبط با خدا به آنها اعطا کنند و یا پایه ای محکم در نظر گرفته شوند تا در ایمان یا اعتقاد مسیحی خود ثابت قدم شوند (متی ۲۴: ۷-۲۸؛ افسسیان ۴: ۱۱-۱۶). خداوند کتاب مقدس را با چنین نیتی اعطا فرمود. این به همان دلیل است که چرا پولس به شبان جوان، تیموتائوس، گفت: "۱ در پیشگاه خدا و در حضور مسیح عیسی که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد و به خاطر ظهور و پادشاهی او تو را موظف می سازم ۲ که پیام را اعلام کنی. در وقت و بی وقت آماده کار باش و دیگران را متقاعد و توبیخ و تشویق کن و با صبر و شکیبایی تمام تعلیم بده، ۳ زیرا زمانی خواهد آمد که آدمیان به تعلیم درست گوش نخواهند داد، بلکه از امیال خودشان پیروی می کنند و برای خود معلمین بیشتری جمع خواهند کرد تا

نصایحی را که خود دوست دارند از زبان آنها بشنوند. ۴ آنها از شنیدن حقیقت خودداری می کنند و توجه خود را به افسانه ها معطوف می دارند" (دوم تیموتائوس ۴: ۱-۴).

خادم کلام خدا باید این اطمینان را ایجاد کند که آمادگی کامل دارد تا بهنگام و یا نابهنگام با بردباری زیاد و آموزش لازم اقدام به نکوهش، توبیخ و تشویق نماید. این کار تنها با کتاب مقدس قابل انجام است و تعلیم دهندگان آن در تحصیل آن می بایست سخت بکوشند تا آنرا به درستی تعلیم داده و وعظ نمایند (دوم تیموتائوس ۵: ۱۷؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۵). چنین هدفی از طریق افرادی که تنها دوست دارند گوش افراد را (با موعظه های خود) قلقلک دهند محقق نخواهد شد. بیایید خادمانی باشیم که مردان کلام خدا هستند.

روش های مطالعه کتاب مقدس

قوانین تفسیر

روش شناسی مورد استفاده جهت مطالعه و بررسی کتاب مقدس خیلی مهم است چرا که نشان میدهد به چه میزان میانی آن استنباط گردیده و تعلیم داده شده است. به همین دلیل است که شبانه و رهبران کلیسا باید مراقب باشند که چگونه کلام خداوند را مطالعه کرده و تعلیم دهند. به دلیل اهمیت این وظیفه، رهبر کلیسا "منتهای کوشش خود را بکن تا مانند کارگری که از کار خود خجل نیست و پیام حقیقت را بدرستی تعلیم می دهد در نظر خدا کاملاً مورد پسند باشی" (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵). بنابراین، رهبر کلیسا که کلام خداوند را تفسیر می کند نیاز دارد تا در پیامی که بیان می کند مطمئن باشد، و دقیقاً باید توجه نماید که خداوند در کلام خود چه فرموده اند. رهبر کلیسا باید به خاطر داشته باشد که روزی فرا خواهد رسید که برای تعالیمی که ارائه داده است باید پاسخگو باشد. یعقوب این موضوع را روشن ساخت و به خوانندگان خود اخطار کرد و گفت: "ای برادران من، درست نیست که بسیاری از شما در کلیسا معلم دیگران باشید، چون می دانید که روز داوری برای ما معلمین سختتر خواهد بود" (یعقوب ۳: ۱). خداوند بهتر میداند که چگونه کلامش تعلیم داده شود و انتظار دارد کسانی که قصد تعلیم کلام او را دارند بسیار دقیق و جدی اینکار را انجام دهند. خداوند از رهبران کلیسا نمی خواهد که کلام خداوند را "همچون اصول بشری" تعلیم دهند (متی ۹: ۱۵) و مواردی را به کلام خداوند اضافه کرده و یا مواردی را کم کنند (متی ۲۳: ۴، ۳۲: ۱۲؛ امثال ۳۰: ۵-۶؛ پیدایش ۲۲: ۱۸). بر این اساس، دستکاری یا تحمیل کلام خداوند بر دیگران (همانطور که فریسیان این کار را می کردند) بسیار غیر منطقی است و بار سنگینی را بر دوش آنها قرار میدهد (متی ۲۳: ۴-۱). به همین دلیل، رهبران کلیسا باید این اطمینان را ایجاد کنند که هیچگاه کلام خداوند را تحریف نمی کنند چرا که روزی فرا خواهد رسید که باید برای این اقدام خود پاسخگو باشند.

در هنگام تحقیق و بررسی کلام خداوند دو نوع رویکرد اصلی وجود دارد – رویکرد قیاسی و رویکرد القایی. رویکرد قیاسی هنگامی شکل می گیرد که تعلیم گیرنده با ایده های قبلاً متصور شده از آنچه که بیان شده است به متون کتاب مقدس مراجعه می کند. این رویکرد خطرناک است چرا که فرد معنی را به متن نسبت میدهد که ممکن است معنی اصلی و حقیقی متن نباشد. برای مثال، در لوقا ۶: ۳۱، عیسی بیان داشت: "با دیگران آنچنان رفتار کنید که می خواهید آنها با شما رفتار کنند." برای استفاده از رویکرد قیاسی در تحقیق کتاب مقدس، شخصی که با شخص دیگری بدرفتاری کرده است باید این آیه را بر اساس وضعیت موجود مشاهده نماید. "او با من بد رفتار کرد، پس این بدان معناست که او می خواهد به طور متقابل بد رفتار نماید." چنین تفسیری می تواند برای انتقام جویی و کینه توزی فروگشا باشد به طوریکه آیه دقیقاً در متن اصلی اینگونه نیست. هنگامی که این مسئله رخ دهد، موعظه هایی که به تحقیق و وعظ کتاب مقدس می پردازند و در غالبی که تعلیم داده می شوند ممکن است حقیقت را به انحراف بکشانند.

هنگامی که از رویکرد القایی برای تحقیق کتاب مقدس استفاده می شود، تعلیم گیرنده کتاب مقدس با هدف درک نیت نویسنده متون کتاب مقدس به بررسی کلام خدا می پردازد. به عبارت دیگر، وی متن را بر اساس دیدگاه قبلاً متصور شده تفسیر نمی کند و به جای آن، تفسیر متن را از معنای اصلی آن بدست می آورد. برای تحقق این مهم، وی باید پنج قاعده تفسیر را در نظر داشته باشد:

- ۱- ادبی
- ۲- متنی
- ۳- تاریخی
- ۴- دستور زبان
- ۵- موقعیتی

فهم یک متن در فرم طبیعی یا ادبی مهم است چرا که موجب فهم معنای دقیق متن می شود. این بدان معناست که تعلیم گیرنده کتاب مقدس باید متن را درست و دقیق تفسیر کند، همانطور که دیگر متون ادبیات را تفسیر می کند تا فرم نگارش نویسنده را استنباط نماید. برای مثال، آیا نویسنده ممکن است بی پرده و صریح (و بدون صنایع بدیعی)، استعاره ای، کنایه ای، شاعرانه، خبری مطلب بنویسد؟ برای درک سبک های نویسندگی، تعلیم گیرنده کتاب مقدس باید بتواند مفهوم آثار و نوشته های نویسنده را متوجه شود.

هنگام بررسی و تحقیق یک متن به لحاظ محتوایی، تعلیم گیرنده کتاب مقدس باید برای درک متن بر اساس کتاب مقدس فعالیت نماید. بنابراین، وی باید در ابتدا تلاش نماید تا عبارت را به صورت آیه به آیه و نزدیک به متن درک نماید و سپس عبارت را درون متن و در جاییکه بکار رفته بررسی نماید، سپس آنرا در نزدیکترین بخش و با توجه به بخش های دیگر بررسی نماید، سپس با توجه به کتاب، نوع و در کل کتاب مقدس آنرا تحقیق و بررسی نماید. این روند استنباط یک آیه است و اهمیت زیادی دارد چرا که هدف اصلی نویسنده کتاب مقدس باید درک شود و تعلیم گیرنده کتاب مقدس باید فرایند اصلی نویسنده، از ابتدا تا انتها، را درک نماید. اگر آیه در خارج از متن اصلی قرار گرفته باشد درک و تفسیر آن غیر ممکن می شود.

دانستن متن تاریخی آیه نیز در هنگام فهم هدف اصلی نویسنده بسیار مهم است. هنگام نوشتن، نویسنده ممکن است از دیدگاه تاریخی خود بهره بگیرد که برای وی معمولی و روشن است اما ممکن است برای خواننده هایی که در زمان فعلی هستند ناآشنا باشد. به همین دلیل برای تعلیم گیرنده کتاب مقدس لازم است تا متن تاریخی را مشخص کند و تفاسیر یا تاریخ مرتبط و موقعیت جغرافیایی را مطالعه نماید. انجام اینکار به تعلیم گیرنده کمک می کند تا اطلاعات پیش زمینه تاریخی کسب نماید که نسبت به معنا و اصل متن و عبارت دیدگاه لازم را کسب نماید.

درک و استنباط دستور زبان متن نیز برای تفسیر معنای آن مهم است. با در نظر گرفتن دستور زبان آیه، تعلیم گیرنده کتاب مقدس می تواند به ساختار جملات پی ببرد. درک معانی لغات کتاب مقدس نیز مهم است چرا که کاربرد یا معنای بسیاری از لغات به مرور زمان تغییر می کنند و اختلاف پیدا می کنند. بنابراین، در نظر گرفتن اطلاعات لغوی و واژه ای بسیار مهم و ضروری است و اگر تعلیم گیرنده کتاب مقدس بخواهد محتوی اصلی و صحیح آیات را درک کند باید به این مسئله توجه نماید. هیچ امری نباید منجر به سوء تفسیر و ارائه غیر صحیح کلام خداوند شود.

تفسیر آیات از دیدگاه موقعیتی ضروری و لازم الاجرا می باشد. این امر هنگامی محقق می گردد که تعلیم گیرنده کتاب مقدس این مسئله را در نظر داشته باشد و آیات کتاب مقدس را که بر اساس موضوعات موقعیتی^۱ که در آن (افسیان ۱۰:۱) نوشته شده است در نظر داشته باشد و به منابع لازم رجوع نماید. این امر نیز بسیار مهم است چرا که او باید متوجه شود چه هنگام و چگونه آیات خاص کتاب مقدس نوشته شده است. برای مثال، در قانون موسی، آیا قوانین مربوط به کشیشان و یا نحوه تغذیه برای ایمانداران کنونی بکار می رود؟ اگر پاسخ مثبت است، چرا بکار می رود؟ اگر پاسخ منفی است، چرا بکار نمی رود؟ همچنین چه موعظه ای می تواند مشخص کند که در کتاب مقدس برخی قوانین برای قوم اسرائیل و برخی برای کلیسا باید بکار رود؟ افرادی که موقعیت را در نظر نمی گیرند ممکن است معنی و مفهوم قوانینی را برای قوم اسرائیل مشخص شده بود برای کلیسا هم به حساب آورند. آنها کلیسا یا قوم اسرائیل را دو هویت جدا از هم نمی دانند و معتقدند که کلیسا بخش بسط یافته قوم اسرائیل است. به طور کلی، تفسیر مهم یک آیه هنگام تحقیق و بررسی کتاب مقدس از دیدگاه موقعیتی بهتر مشخص می شود.

^۱ موضوع "موقعیت" به زمانی اشاره دارد که خداوند عمل خاصی را انجام میدهد، ولی این عمل را شاید نتوان برای موقعیتی دیگری تعمیم داد.

روشهای بررسی و مطالعه کتاب مقدس

مراحل اصلی بررسی و مطالعه کتاب مقدس چیست؟ چهار مرحله ساده اما ضروری را بیان می کنیم:

- ۱- مشاهده
- ۲- تفسیر
- ۳- وابستگی
- ۴- کاربرد

این چهار مرحله با فرایند تعیین صحنه جرم قابل مقایسه است و تعلیم گیرنده همچون کارآگاه باید به تحقیق و تفحص بپردازد. برای کسب نتیجه صحیح و کاربرد دقیق، هر چهار مرحله لازم و ضروری هستند.

اولین مرحله تحقیق کتاب مقدس مشاهده است. در اولین بخش از فرایند، تعلیم گیرنده (کارآگاه کتاب مقدس) به متن نگاه می کند و مشاهدات خود را می نویسد. در این مرحله او نکاتی از چیزهای مختلف را یادداشت می کند. سپس پرسش مطرح می نماید و به دنبال پاسخ می گردد. طی این بخش از فرایند است که پنج قاعده تفسیر که قبلاً شرح داده شد بکار می روند. پس از آن، تعلیم گیرنده مشاهدات خود را به همراه پاسخ پرسش ها جمع آوری می نماید و سپس به سمت مرحله دوم فرایند پیش می رود.

در مرحله بعد، تعلیم گیرنده همه اطلاعات جمع آوری شده در مرحله اول را کنار هم قرار می دهد و متن را بر اساس آنچه که آموخته تفسیر می نماید. این مرحله اهمیت زیادی دارد چرا که از مطالب به صورت القایی استفاده می نماید و به تحقیق کتاب مقدس می پردازد. او باید به متن اجازه دهد تا به تنهایی مفهوم خود را بیان نماید، نه از روی عقیده شخصی تعلیم گیرنده و نه از روی ایده های قبلاً تصور شده، تا مطلب به تحریف کشیده نشود. اگر تعلیم گیرنده در مرحله مشاهده به اندازه کافی و لازم کار کند، حقایقی حاصل می گردد که در این مرحله می توان از آنها نتیجه گیری صحیح انجام داد. اما، به عنوان هر فرایندی، اصلاح نتیجه گیری همواره مهم بوده است.

اگر تعلیم گیرنده کتاب مقدس بخواهد نتیجه گیری های خود را اصلاح نماید، مرحله سوم که وابستگی است لازم الاجرا و ضروری می باشد. این بخش از فرایند به ایجاد ارتباط بین یافته های کتاب مقدس مربوط می شود. در اینجا پرسشی در ذهن تعلیم گیرنده مطرح می گردد: "آیا نتیجه گیری های انجام شده با اصل کتاب مقدس مرتبط و وابسته است؟" اگر اینگونه باشد، وی می تواند فعالیت خود را به طور دقیق ادامه دهد. اگر تناقضاتی وجود داشته باشد، این امکان وجود دارد تا وی به نتایج اشتباه دست یافته و یا به طور دقیق مفهوم متن یا آیاتی که قصد ایجاد ارتباط بین آنها را داشته است درک نکرده است. هر کدام که باشد، کتاب مقدس با خود تناقض ندارد و همواره تمامی مطالبش با هم مرتبط هستند. وقتی تعلیم دهنده احساس می نماید که با توجه به آیات، به نتیجه گیری اصلی رسیده است؛ آنگاه می تواند به مرحله نهایی نزدیک شود و آنرا بکار گیرد.

در بکارگیری مرحله نهایی فرایند، تعلیم گیرنده مطالبی را آموخته بکار می برد. گرچه آیات کتاب مقدس تنها یک تفسیر صحیح دارد، نویسنده است که همان آیات را ممکن است به طرق مختلف بکار ببرد. اگرچه این موضوع صحت دارد، تعلیم گیرنده باید به خاطر داشته باشد که کاربرد وی از آیات حد و مرز را ایجاد می نماید که چه مطلبی تعلیم داده شود. مثلاً، پولس در فیلیپیان، باب ۴، آیه ۱۳ می گوید: "من بوسیله مسیح که مرا نیرو می بخشد، به انجام هر کاری قادر هستم". بکارگیری این آیه برای شخصی که می خواهد دوی مارتن انجام دهد کاربرد ناصحیحی است. چرا؟ به دلیل آنکه متن نزدیک این آیه به پولس مربوط می شود که قادر بوده در شرایط سخت و یا راحت زندگی کند. پس، کاربرد باید بر اساس محتوا صورت گیرد. جمله پولس نشان میدهد که او می تواند در مواجهه به فقر یا وفور برکت، همه امور را بر اساس راه و اراده مسیح انجام دهد و برای رویارویی با هر دو موقعیت به نیروی مسیح نیاز است. تنها زمانی این اصل از

کاربرد آیات صحیح نیست که آیات دیگری هم وجود داشته باشند و همان حقیقت در آیه مذکور را بیان کنند. تعلیم گیرنده کتاب مقدس باید دقت نماید که چگونه از کتاب مقدس بهره بگیرد.

دیگر جنبه مهم مطالعه و تحقیق کتاب مقدس آن است که کتاب مقدس خود را بهتر از بقیه تفسیر می کند. به همین دلیل است که هر شخصی که بیشتر کتاب مقدس را می شناسد بهتر و عمیق تر می تواند آنرا مطالعه و تحقیق نماید. به همین خاطر رهبر کلیسا باید همیشه کتاب مقدس را بخواند و مطالب آن را تحقیق و بررسی نماید و کل کتاب را تعلیم دهد. با ممارست در انجام این امور است که بیشتر با کتاب مقدس آشنا می شود و می تواند در تعلیم خود از کل آن، نه تنها بخشی از آن، بهره بگیرد. همچنین خواندن کل کتاب مقدس در هر سال به شخص دیدگاه جدیدی می دهد تا تمام کتاب مقدس را در زندگی در نظر بگیرد. خداوند نیز تخصیص اوقات زندگی به مطالعه و تحقیق کتاب مقدس و کلام خداوند را برکت می دهد. در نتیجه، دیدگاه عظیم تر و عمیق تری به وی می بخشد (که خواننده ظاهری تا به حال به این دیدگاه نائل نگردیده است). بنابراین، هنگامی که تلاش می شود تا بخشی از کتاب مقدس درک گردد، باید از کل آن بهره گرفت تا دیدگاه مناسبی حاصل شود.

یکی از تشویق های مهم در فرایند تحقیق کتاب مقدس آن است که ایماندار دارای کمک کار است (اول قرنیتان ۱۹:۶) و به وی در تحقیق کمک می نماید. این کمک کار روح القدس می باشد. روح القدس به ایماندار کمک می نماید تا حقیقت را بداند و درک کند (یوحنا ۱۶:۱۳). پس همانطور که ایماندار به تحقیق آیات کتاب مقدس می پردازد و در جستجوی پاسخ است، روح القدس او را در این فرایند یاری می بخشد (رومیان ۷:۲۶-۲۷؛ اول یوحنا ۲:۲۷). تعلیم گیرنده کتاب مقدس باید به کمک کار خود - روح راستی - اعتماد نماید (یوحنا ۱۴:۱۷، ۱۵:۲۶، ۱۶:۱۳) چرا که هنگام تحقیق کتاب مقدس، روح القدس به او کمک می کند تا به حقیقت نزدیک شود.

چرا کثرت سرپرستان کلیسا؟

دلیل قوی در کتاب مقدس وجود دارد که در میان کلیساهای محلی، کثرت سرپرستان کلیسا دیده می شود و تنها یک سرپرست کلیسا یا شبان وجود ندارد. سرپرستان کلیسا افرادی هستند که همسو با شبان اقدام به نظارت و سرپرستی می نمایند. البته شبان هم یک سرپرست است، ولی سرپرستی است که فراخواندگی خاص و عطایای گوناگونی دارد تا کلیسا را شبانی کند (افسیان ۱۱:۴). این نوعی تلاش پیوسته است. شواهد کتاب مقدس نشان میدهد که این موضوع در عهد عتیق آغاز شده است به طوریکه واضح است که چندین رهبر و سرپرست قوم اسرائیل را هدایت میکردند (خروج ۱۶:۳؛ لاویان ۱۵:۴؛ اعداد ۱۶:۱۱؛ متی ۲۳:۲۱). این همان طرح یا الگویی است که کتاب مقدس با آن در کتاب مکاشفه به پایان می رسد چرا که در آسمان کثرت سرپرستان وجود دارد (مکاشفه ۱۰:۴، ۶:۵، ۱۹:۴). تعجب آور نیست که این طرح یا الگو را در عهد جدید به صورت تکرار شده شاهد باشیم. منابع مختلفی هم برای این حقیقت وجود دارد. برای نمونه، در اعمال رسولان، باب ۱۴، آیه ۲۳، همانطور که پولس اولین سفر بشارتی خود را به پایان رساند؛ "در هر یک از کلیساهای مشایخی را تعیین کردند و با نیایش و روزه ایشان را به دست آن خداوندی که به او گرویده بودند سپردند". کلیسای اورشلیم هم چندین رهبر داشت (اعمال رسولان ۱۵:۲۲، ۱۶:۴). همچنین، "پولس از میلیتس پیامی به افسس فرستاد و رهبران کلیسا را فرا خواند" (اعمال رسولان ۱۷:۲۰). این وظیفه ای بود که پولس به تیتوس اعطا کرد تا "سرپرستان کلیسا را در هر شهر تعیین نماید" همانطور که او به تیتوس گفته بود (تیتوس ۵:۱).

یعقوب برای خوانندگان خود نوشت که اگر هر شخصی بیمار بود، باید و "اگر کسی از شما بیمار است باید از مشایخ کلیسا بخواهد تا برای او دعا کنند و به نام خداوند بدن او را با روغن تدهین نمایند" (یعقوب ۵:۱۴). زمانی هم پولس به کلیسای فیلیپی نامه نوشت و در نامه اینگونه بیان کرد: "به تمام مقدسین عیسی مسیح که در فیلیپی هستند، شامل سرپرستان و خادمان" (فیلیپیان ۱:۱). همچنین نویسنده عبرانیان به خوانندگان خود می گوید که آنها باید از سرپرستان کلیسا اطاعت نمایند (عبرانیان ۱۳:۱۷) و پولس به تسالونیکیان نامه نوشت و از سرپرستان کلیسا آنها و ابراز محبت و علاقه آنها به مسیح قدردانی کرد چرا که آنها (سرپرستان کلیسا) بر مردم تعهد داشتند (تسالونیکیان ۵:۱۲-۱۳). این به همان دلیل است که چرا در کلیسا باید بیش از یک سرپرست کلیسا وجود داشته باشد تا به سرپرستی و هدایت کلیسا بپردازد.

چرا سیستم کثرت سرپرستان کلیسا بهتر از تعیین یک رهبر روحانی در کلیسا است؟ همانطور که سلیمان در کتاب امثال بیان داشت، به این دلیل که پیشنهادات یک گروه مناسب تر و ضروری است (امثال ۵:۱، ۵:۱۲، ۱۵، ۱۰:۱۳، ۲۰:۱۹، ۲۷:۹). هنگامیکه پیشنهادات گروه سرپرستان کلیسا به ایمانداران ارائه می شود می تواند ثمربخش تر باشد. هنگامیکه یک نفر بدون پیشنهاد دیگران به هدایت کلیسا می پردازد، بیشتر در معرض تصمیماتی قرار می گیرد که فراگیر نیستند چرا که در تصمیمات فراگیر و فرایند آن باید دیگران مشارکت داشته باشند. این موضوع حقیقت دارد، چرا که یک فرد تنها به دانش شخصی و دیدگاه خود محدود شده باشد و بدون نظر به اینکه چقدر شخصی پر ایمان و بالغ باشد. یک فرد تنها گرچه ممکن است ظرفیت تصمیم گیری داشته باشد اما تصمیماتی که اتخاذ می کند در همه موارد صحیح نبوده و نمی تواند هر تصمیمی در هر موقعیت بهینه باشد. بنابراین، وی قطعاً تصمیمات غلط اتخاذ می کند و حتی ممکن است اثرات تخریبی داشته باشد.

همه مطالب بیان شده تائید کننده این حقیقت است و باید نتایج آن در نظر گرفته شود چرا که تصمیمات فردی ممکن است تصمیمات شفافی نبوده و شاید حتی خطرناک هم باشند و بسیاری اثرات تخریبی داشته اند؛ همچون آدم (پیدایش ۳:۶)، ابراهیم (پیدایش ۱۶:۴-۱۱)، موسی (اعداد ۲۰:۸-۱۱)، داوود (دوم سموئیل ۲۴:۱-۴، ۱۰)، سلیمان (اول پادشاهان ۱۱:۶-۱) و پطرس (غلاطیان ۲:۱۱-۱۴) که تنها برخی از آنها نام برده شدند. همچنین وقتی قدرت، موقعیت، شهرت، ثروت، مالکیت و... به حساب آیند، افراد ممکن است وسوسه شوند (اول تیموتائوس ۶:۹-۱۱؛ دوم پطرس ۵:۲) پس همه

باید مراقبت باشند (اول قرن‌تین ۱۰-۱۲) و با همتایان حساب شده رفتار کند (دوم قرن‌تین ۸: ۱۶-۲۱). هنگامیکه یک شبان بالغ از دانش، خرد و مشورت دیگر سرپرستان کلیسا بهره می‌گیرد، این افراد بهتر می‌توانند نتایج مطلوب کسب کنند و روی موضوعاتی که شاید به تنهایی نمی‌توانستند تصمیم‌گیری کنند، اکنون با کمک هم تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کنند. این نتیجه تعدد سرپرستان کلیسا است چرا که در چنین گروهی، عطایای روحانی مختلف، تجارب زندگی، دانش، استعداد، توانایی و سوابق مختلف (فرهنگی، خانوادگی، جغرافیایی، نژادی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی) ارائه می‌شود. چنین ترکیب موضوعات واقعا منحصر به فرد است و اگر با هدایت روح القدس همراه شود می‌تواند به همه سرپرستان کلیسا کمک نماید که با دیدگاه‌های مختلف نظاره‌گر موقعیت‌های مختلف باشند.

پتانسیل آنها برای درک و نحوه برخورد با موقعیت به بهترین شکل صورت می‌گیرد و این در حالیست که یک نفر نمی‌تواند چنین پتانسیلی داشته باشد. آنها، به عنوان یک گروه، بهتر تجهیز شده‌اند و بهتر می‌توانند تصمیم بگیرند چرا که از طریق افکار مختلف به موضوعات متعدد توجه می‌کنند و دیدگاه‌های مختلف را بررسی می‌کنند. اما وقتی فقط یک نفر قصد تصمیم‌گیری داشته باشد، ممکن است تنها به موضوعاتی توجه کند که بر اساس دیدگاه شخصی او باشد و همین دیدگاه محدود موجب می‌شود تا تصمیمات اتخاذ شده هم محدود باشند. نتیجه این امر، تصمیمات نامناسبی است که در اثر این نوع دیدگاه حاصل می‌گردد. به همین دلیل است که خداوند این نوع اداره کلیسا را مقرر نفرموده است. گرچه در بسیاری از مواقع، تصمیم‌گیری شخصی و فردی مصلحت‌آمیز بوده و آسانتر است اما وقتی یک شخص نتواند به روشنی فکر کند، مسلما تصمیماتی که اتخاذ می‌کند مطلوب نبوده و نتایج حاصل از آن دوام چندانی نخواهد داشت.

همانطور که کلیسا تحت هدایت یک شبان نمی‌تواند طرح کتاب مقدس باشد، کلیسا تحت هدایت گروه عبادت کنندگان کلیسا نیز طرح کتاب مقدس نخواهد بود. اگر این نوع اداره کلیسا مورد نظر خداوند باشد، پس باید بتوان به پرسش زیر پاسخ داد: چرا خداوند در کلیسا تعدادی سرپرستان کلیسا تعیین کرده است؛ مردانی که به لحاظ روحانی باتجربه و کامل هستند (اول تیموتائوس ۳: ۱-۷؛ تیتوس ۱: ۵-۹)، مردانی که باید سرپرست و ناظر و هدایت‌کننده و راهنمای ایمانداران باشند (اعمال رسولان ۲۰: ۱۷، ۲۸-۳۰؛ اول پطرس ۵: ۱-۲)، مردانی که نمونه چگونه مسیحی بودن و چگونه مسیحی زندگی کردن هستند (اول پطرس، ۵: ۳)، مردانی که خداوند از دیگر افراد خواسته است تا در کلیسا از ایشان اطاعت و قدردانی کنند چرا که در محبت به مسیح زیانزد هستند (اول تسالونیکیان ۵: ۱۲-۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷) و چرا باید افراد تحت مسئولیت ایشان باشند؟ چرا خداوند از اعضای کلیسا که در سطح یکسان پختگی روحانی نیستند خواسته است تا تحت مدیریت و هدایت سرپرستان کلیسا قرار داشته باشند؟ آیا خرد جمعی گروه پرستش‌کنندگان کلیسا نمی‌تواند بیشتر از سرپرستان کلیسا باشد؟ گرچه این امر امکان‌پذیر است اما معمولاً اینگونه نیست.

در بسیاری از مواقع، بیشتر اعضای کلیسا از آنچه که در کلیسا رخ می‌دهد آگاهی ندارند. آنها بسیاری از موضوعات خصوصی و اموری که در پشت صحنه رخ می‌دهند و برای سرپرستان کلیسا مهم محسوب می‌شوند را درک نمی‌کنند. این افراد ممکن است نتوانند این موضوع را استنباط کنند که خداوند چگونه کلیسا را نظارت می‌نماید و فاقد دانش لازم در مورد چگونگی عملکرد کلیسا، خط‌مشی‌ها و روش‌ها باشند. همچنین، از آنجائیکه که شبان – تعلیم‌دهنده فردی است که خداوند جایگاه و وظیفه او را تعیین کرده است (افسیان ۴: ۱۱)، دیگر سرپرستان کلیسا افراد روحانی هستند که اشتیاق خدمت در موقعیت و جایگاه خود را دارند (اول تیموتائوس ۳: ۱-۷)، خداوند به واسطه آنها کلیسا را هدایت می‌نماید و نه بوسیله ایمانداران کلیسا. پس با در نظر گرفتن این موضوعات و توجه به این حقیقت که برخی اعضای کلیسا فاقد بلوغ روحانی، خرد، تجربه و دانش کافی کلام خداوند هستند؛ این افراد معمولاً در موقعیتی نیستند که بتوانند تصمیمات معقول و خردمندانه اتخاذ کنند. بنابراین، سرپرستان کلیسا در جایگاه بهتر قرار دارند و به نحو بهتری می‌توانند برای کلیسا تصمیم‌گیری کنند.^۷ البته این بدان معنا نیست که سرپرستان کلیسا نباید به دیدگاه‌های ایمانداران

^۷ این البته در مورد آن سرپرستانی صدق میکند که مردان خدا هستند و برای خداوند زندگی میکنند. به جز این آنها نباید سرپرست باشند (اول تیموتائوس ۳: ۱-۷؛ تیتوس ۱: ۵-۹)

کلیسا توجه نمایند بلکه هدف از این مطالب آن است که تصمیم گیرندگان نهایی سرپرستان کلیسا هستند. خداوند هرگز این نظر را ندارد که سرپرستان کلیسا با تجربه و واجد شرایط تحت نظارت و کنترل کلیسا قرار بگیرند (چرا که خود این افراد کلیسا را نظارت می نمایند).

اگر چنین اقدامی صورت بگیرد بر خلاف تعالیم عهد جدید و کل مفاد کتاب مقدس است. بنابراین، سرپرستان کلیسا باید ایمانداران را هدایت نمایند نه اینکه خود توسط پیروان هدایت شوند، گرچه عیسی مسیح می تواند به هدایت سرپرستان کلیسا پردازد (اول پطرس ۴:۵).^۸

۸ رندال ج. هیلبرند (۲۰۰۸-۲۰۱۱) "بنا کردن کلیسای پویا".

درباره نویسنده

رندی در یک خانواده کاتولیک در ایالات متحده بزرگ شد. در طول دوران کودکی اش، او شروع به زیر سوال بردن وجود خدا نمود، و در بزرگسالی ملحد شد. بعدها در نتیجه صحبت افراد با او در مورد مسیح، او شروع به زیر سوال بردن باورهای خود کرد. سپس او کتاب مقدس را مطالعه نمود و ادعاهای عیسی مسیح را بررسی کرد. پس از درک این موضوع که عیسی مسیح همان کسی است که ادعا میکرد، رندی پی برد که خدا وجود دارد. در آن زمان بود (۱۸ آگوست ۱۹۸۲) که او ایمان خود را بر عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده خود قرار داد.

یک سال بعد از تغییر رندی، او شروع به دعا برای ایمانداران شوروی کرد که برای ایمان خود زندانی شده بودند. در طول این زمان، تمایلی در زندگی خود احساس کرد که به اتحاد جماهیر شوروی برود و با شبانان آنجا همکاری کند. اما این آرزو یازده سال بعد در سال ۱۹۹۴، پس از اتمام کالج کتاب مقدس و در حالی که او یک شبان بود، محقق شد و او اولین سفر خود به اوکراین را انجام داد. دو سال بعد او سفر دیگری انجام داد، به مدت دو هفته در روسیه تدریس نمود، و پس از آن دو هفته در اوکراین تعلیم داد. این تجارب کمک کرد که او به درک بهتری از فراخواندگی خداوند در زندگی خود دست یابد. رندی، آنت همسرش، و چهار فرزند آنها (الیا، ارمیا، لوقا و تابیتا) در ماه ژوئیه ۲۰۰۱ به کیف، اوکراین، نقل مکان کردند. رندی و آنت تا جولای ۲۰۱۱ نزدیک به ۱۰ سال است که در کیف زندگی میکنند. آنها به آموزش رهبران کلیسا و همسران آنها در اوراسیا میپردازند.

در طی مدت خدمت رندی در ایالات متحده، او شبان موقت دو کلیسای کوچک بود که به زندانیان و بی خانمان ها کمک و بشارت میدادند. او بعدها به عنوان شبان ارشد کلیسای بارک ریور بایبل در میشیگان برای بیش از هشت سال خدمت کرد. او همچنین به عنوان یک کمک کار در موسسه "خدمات مربوطه کتاب مقدس"، که سازمانی است برای کمک به کلیساهای از کمک شبانی گرفته تا حل مشکلات کلیسایی به مدت ۱۰ سال (۱۹۹۰-۲۰۰۰) خدمت کرد.

سوابق تحصیلی رندی شامل مدرک مهندسی الکترونیک، مدرک لیسانس در کتاب مقدس و مدرک کارشناسی ارشد در خدمت کلیسایی میباشد، و هر دو از موسسه انجیلی مودی، واقع در شیکاگو اخذ شده است.

کلیسای شما کجا واقع شده است؟ در شهری بزرگ، خارج شهر، حومه و یا روستایی؟ آیا مکانی که کلیسای شما در آن واقع شده است شما را برای بشارت دادن با چالش روبرو کرده است؟ آیا کلیسای شما با اقتصاد بد و یا جفا روبرو است؟ شاید اصلاً نمی دانید که به چه علت کلیسای شما رشد نمی کند. و چه قدم هایی باید در آن راستا بردارید. اگر بدین ترتیب است، کتاب فوق، "بشارت: چگونه کلیسای خود را بسیج کنید" شاید پاسخ سوالات شما را بدهد.

این کتاب به موضوعاتی مانند اهمیت کلام خدا در رابطه با بشارت، اصل جمع کردن و سپس پخش کردن، آماده سازی طرح اولیه برای بشارت، درک کردن زمان ها و اینکه چه کاری باید انجام داد، فرهنگ کلیسایی در دنیایی مدرن و معنای هم‌رنگ اطراف شدن و موضوعات بسیار دیگری می پردازد.

رندی و همسرش آنت، به رهبری سمینارهای آموزشی برای گروه های شبانان، سرپرستان، مبشران و همسران آنها می پردازند. رندی، به عنوان یک شبان سابق، می تواند در مورد چگونگی بنا کردن کلیسایی پویا و چگونگی بسیج کلیسا برای انجام بشارت در سراسر کشورهای اوراسیا آموزش های مفیدی را ارائه دهد. به عنوان همسر یک شبان سابق، آنت قادر به آموزش همسران رهبران کلیسا درباره موضوعات مختلف مورد علاقه آنها می باشد.

